

# احکام زندگی

محمد حسین فلاح زاده

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۸۴

## فهرست

۳	فصل اول - آشنایی با دستوره‌های دینی.....
۱۱	فصل دوم - نظافت و طهارت.....
۲۵	فصل سوم - عبادت و بندگی.....
۱۰۱	فصل چهارم - پرهیزگاری و پاکدامنی.....
۱۱۱	فصل پنجم - حقوق همسری.....
۱۱۷	فصل ششم - فرزندخواهی.....
۱۲۷	فصل هفتم - فرزندداری.....
۱۴۳	فصل هشتم - روابط اجتماعی.....
۱۵۹	فصل نهم - احکام اجتماعی.....
۱۶۷	فصل دهم - آداب زندگی و معاشرت.....
۱۷۷	فصل یازدهم - درآمدهای مالی.....
۲۰۵	فصل دوازدهم - وظایف مالی.....

چاپ اول تا هفتم: ۶۵۵۰۰ نسخه

سرشناسه:	فلاح‌زاده، محمدحسین، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	احکام زندگی / محمدحسین فلاح‌زاده.
مشخصات نشر:	تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری:	[۲]، ۲۲۱ ص.
شابک:	۲۲۸۰۰ ریال: 964-476-114-6
وضعیت فهرست‌نویسی:	فایا
یادداشت:	چاپ دوم: ۱۳۸۸ (فیبا).
یادداشت:	کتابنامه بصورت زیرنویس.
موضوع:	فقه جعفری - رساله عملیه.
موضوع:	فتاوی‌های شیعه - قرن ۱۴.
شناسه افزوده:	دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۴ الف۳۲/ف۸/۱۸۳/۹ BP
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۷۶-۸۴ م

با حمایت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور  
ویژه مسابقات فرهنگی سال ۱۳۹۱  
صرفاً جهت استفاده در کتابخانه‌های عمومی  
غیر قابل فروش



دفتر مرکزی: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، شماره ۵۶، بوستان کتاب. تلفن: ۵-۲۲۸۵۶۱۲۴

عنوان: احکام زندگی

نویسنده: محمدحسین فلاح‌زاده

چاپ هشتم: ۱۳۹۱

این کتاب در ۴۳۰۰ نسخه در چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۶-۱۱۴-۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

فروشگاهها و مراکز پخش:

■ فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵ ■ فروشگاه شماره دو: تلفن: ۳۳۱۱۴۲۸۸ - ۳۳۱۱۲۱۰۰

■ فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴ ■ فروشگاه مشهد: تلفن: ۲-۲۲۱۴۸۳۱ - ۰۵۱۱

■ نمایندگی فروش قم: تلفن: ۷۷۳۴۵۱۶ - ۷۷۳۸۱۵۰ - ۰۲۵۱

■ نشانی الکترونیک: [www.dnfpub.com](http://www.dnfpub.com) ■ پست الکترونیک: [print@dnfpub.com](mailto:print@dnfpub.com)

پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰

خواهشمند است نظرات خود را در باره‌ی این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

## پیشگفتار

از دواج، سرآغاز فصلی جدید در زندگی انسان است. آدمی با ازدواج جایگاهی ویژه می‌یابد و نگرش انسانها نسبت به او دگرگون می‌شود و عضو فعال و مؤثر جامعه به حساب می‌آید؛ او نیز مسئولیت خطیر و جدیدی را عهده‌دار می‌شود و با شناخت صحیح وظایف جدید می‌تواند بهار شیرین زندگی خود را شروع کند و در ادامه، آثار و برکات زیاد آن را ببیند. اسلام، از دواج را حافظ نصف دین می‌داند. در حقیقت، با پیوند ناشویی نیمی از دیانت کامل می‌شود و تکمیل نیمهٔ دوم بر عهدهٔ خود انسان است که اگر راه صحیح دینداری را بشناسد و مطابق آن رفتار کند، بی‌شک به نیم دیگر کمال نیز دست خواهد یافت. تمام جوانان مؤمن و علاقه‌مند به دین که با اطاعت از فرمان خدا و انبیای الهی و خواندن عقد ازدواج، این فصل شیرین زندگی را شروع کرده‌اند و می‌دانند که در صورت سرپیچی از این فرمان، روابط آنها نامشروع خواهد بود، در ادامهٔ این راه نیز دغدغهٔ دینی از مهم‌ترین مشغله‌های فکری آنان است، تا بدانند چگونه زندگی کنند



## آشنایی با دستوره‌های دینی

که خوشبخت باشند.

روابط آنها با یکدیگر چگونه باشد تا همیشه عشق و محبتشان به یکدیگر ادامه

یابد و هرگز کم نشود؟

چه باید کرد تا صاحب فرزندان سالم و صالح شد؟ و ده‌ها سؤال از این نوع.

بخش مهمی از وظایف زناشویی و همسر داری، فرزندداری و زندگی مشترک

خانوادگی را، فقه و احکام دین مشخص می‌کند، و آن احکام، در حقیقت قوانین

مدوئی است که از کتاب خدا (قرآن) و سنت معصومین علیهم‌السلام (روایات) گرفته شده و

توسط عالمان دینی و متخصصان مسائل اسلامی، به صورت مسائل شرعی در اختیار

علاقه‌مندان قرار داده شده است.

از آنجا که این مسائل به طور گسترده و پراکنده در ابواب مختلف کتب فقهی آمده

و برخی از آن کتابها به زبان عربی است و دستیابی به آنها برای همهٔ زو‌جهای جوان

میسر نیست یا مشکل است، بر آن شدیم تا مسائل مورد نیاز شما عزیزان را با نثری

روان و حجتی قابل قبول، به صورت یکجا جمع‌آوری کرده و به عنوان هدیهٔ از دواج

همراه با هزاران تبریک به محضر تان تقدیم کنیم. باشد که پذیرا شوید و با مطالعهٔ آن

و ارائه نظرات اصلاحی و تکمیلی خود، ما را خرسند سازید.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

حوزهٔ علمیه قم - محمّدحسین فلاح‌زاده

بهار ۱۳۸۳ ه. ش

قرآن کریم، زندگی پاک و سالم (حیات طیّب) را در گرو دو چیز می‌داند:

\* ایمان به خدا

\* عمل صالح<sup>۱</sup>

تمام کسانی که به خداوند اعتقاد دارند و به پیامبران او ایمان آورده‌اند، باید به

فکر انجام دادن عمل صالح (کار درست) باشند.

انسانهای درستکار کسانی هستند که با مطالعه و پرسش از اهل علم، کارهای

درست را از نادرست، زیبایی را از زشتی، پاکی را از پلیدی و باید را از نباید تشخیص

داده‌اند، و در تلاشند تا به خوبی‌ها عمل کنند و از بدی‌ها پرهیزند و به زندگی شیرین

و سعادت‌مندانهای که خداوند آن را «حیات طیّب» نامیده است، برسند.

انسانهای مؤمن، که به دین الهی پایبندند، هرگز از فرمانهای دین سرپیچی

نمی‌کنند و همیشه در پی شناخت آنها هستند تا از راه مستقیم الهی منحرف نشوند.

۱. نحل: ۹۷.

از آنجا که همه مردم نمی‌توانند در تشخیص و استخراج احکام الهی از منابع آن، تخصص لازم را به دست آورند و تنها افراد اندکی به این امر موفق می‌شوند، دیگران برای شناخت احکام دین و وظیفه خود به آنان مراجعه می‌کنند.

**مجتهد و فقیه**  
شخصی که با بهره‌گیری از علوم و دانش‌های لازم، به حدی رسیده است که می‌تواند وظایف و تکالیف دینی را از منابع آن استخراج کند، «مجتهد» یا «فقیه» نامیده می‌شود.

**مرجع تقلید**  
مجتهد و فقیه‌ای که مردم در مسائل و احکام دینی از او پیروی می‌کنند، «مرجع تقلید» نام دارد.  
مرجع تقلید، مسائل دینی را با استفاده از وحی الهی (قرآن) و سنت معصومین علیهم‌السلام (روایات) به ما می‌رساند و با خصوصیتی که دارد، سخنی از روی خواسته و سلیقه خود نمی‌گوید؛ بلکه آنچه را که از قرآن و روایات فهمیده، بازگو می‌کند. بنابراین، تقلید و پیروی از مجتهد، اطاعت از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از احکام خداست که توسط مرجع تقلید به دست ما رسیده، و بالاتر اینکه، اطاعت از پیامبران نیز اطاعت از شخص نیست؛ بلکه اطاعت از فرمان خدا و وحی است.

**ویژگیهای مرجع تقلید**  
کسی که مرجع امور دینی مردم می‌شود، باید علاوه بر تخصص علمی، از ویژگیهای روحی و اخلاقی والایی برخوردار باشد تا مطمئن شویم که طبق سلیقه

**اقسام احکام**  
مجموعه دستوره‌های دین، که وظیفه انسانها را در زندگی و کارهای شبانه‌روزی مشخص می‌کنند و به آنها «احکام» گفته می‌شود، پنج دسته است:  
۱- واجب: کارهایی که حتماً باید انجام داد؛ مانند نماز خواندن و روزه گرفتن.  
۲- حرام: کارهای ناپسندی که نباید انجام داد؛ مانند دروغ گفتن، دزدی کردن و گران‌فروشی.

اگر انسانها کارهای واجب را انجام دهند و از کارهای حرام دوری کنند، خداوند به آنها پاداش می‌دهد و اگر کار حرامی را انجام دهند یا واجب را ترک کنند، در این جهان یا در جهان آخرت آنها را مجازات خواهد کرد.

۳- مُستحب: کارهایی که انجام دادن آنها بهتر است؛ مانند مسواک کردن دندان و گفتن «بسم‌الله» در ابتدای غذا و «الحمد لله» در پایان آن.

اگر انسانها کارهای مستحب را انجام دهند، خداوند به آنها پاداش می‌دهد و اگر انجام ندهند، مجازات و عذاب ندارد.

۴- مکروه: کاری که انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند خوردن غذای داغ و فوت کردن به غذا.

اگر کسی کارهای مکروه را انجام ندهد، خداوند به او پاداش می‌دهد؛ ولی اگر انجام دهد، مجازات و عذاب ندارد.

۵- مُباح: به هر کاری که از نظر اسلام، انجام دادن و انجام ندادن آن یکسان باشد «مباح» می‌گویند، کار مباح نه عذاب دارد نه پاداش؛ مانند راه رفتن و نشستن.

بر همه مسلمانان لازم است که احکام مورد نیاز خود را یاد بگیرند تا بتوانند به وظایف خود عمل کنند و زندگی شرافتمندانه و جامعه‌ای انسانی - اسلامی بر اساس دستوره‌های خداوند داشته باشند.

به دست آوردن فتوای مجتهد، از چند راه ممکن است:

- ۱- شنیدن از خود مجتهد؛ مثلاً از او سؤال کند و پاسخ بگیرد.
- ۲- شنیدن از دو یا یک نفر عادل؛ مثلاً از یک یا دو نفر از کسانی که در دفتر مرجع تقلید مسئول پاسخگویی به پرسشهای مردم هستند، بپرسد.
- ۳- شنیدن از یک نفر راستگو و مورد اطمینان؛ مانند عالم مورد اطمینانی که مسائل شرعی و فتوای مجتهد را بازگو می‌کند.

۴- دیدن رساله مجتهد؛ مثلاً کتاب فقهی مجتهد را، که فتوای او را در بر دارد، تهیه کرده و احکام مورد نیاز را مطالعه کند.<sup>۱</sup>

### تفاوت «فتوا» با «احتیاط»

اگر مرجع تقلید در مسئله‌ای فتوا داده باشد، باید مطابق آن عمل کرد؛ ولی وظیفه مکلف در احتیاط به شرح زیر است:

- \* در احتیاط مستحب، مقلد باید به همان احتیاط یا به فتوای همراه آن عمل کند و نمی‌تواند در آن مسئله به مجتهد دیگر رجوع نماید.
- \* در احتیاط واجب، مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اعلم است، رجوع و به آن عمل کند.<sup>۲</sup>

### تفاوت فتوا با حکم

امامان معصوم علیهم‌السلام، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی، در زمان غیبت آنها بر

خود سخن نمی‌گویند و آنچه را که از کتاب خدا و سنت معصومین علیهم‌السلام به دست آورده، بی‌کم و کاست بیان می‌کند. بنابراین، در مسائل دینی باید از کسی پیروی کنیم که دانش او در احکام اسلامی بیش از دیگران است و فردی است امین و درستکار و به آنچه که از دستورهای دینی آموخته و به دیگران می‌آموزد، خود نیز عمل می‌کند.

### راههای شناخت مرجع تقلید

انسان دانا و عاقل، هرگز بی‌دلیل و بدون تحقیق مطلبی را نمی‌پذیرد. لذا باید کسی را که به عنوان مرجع دینی خود برگزیده، به یکی از راه‌های زیر شناخته باشد:

- ۱- خودش از عالمان دینی باشد و بتواند مجتهد و مرجع تقلید دارای شرایط را بشناسد.

۲- دو نفر از عالمان دینی درستکار، که قدرت تشخیص مجتهد و مرجع تقلید را دارند، او را معرفی کنند.

۳- گروهی از عالمان دین که قدرت تشخیص مجتهد و مرجع تقلید را دارند و گفته‌اند آن قابل اطمینان است، مرجع تقلید را معرفی کنند.<sup>۱</sup>

در انتخاب مرجع تقلید، زن تابع شوهر و فرزند تابع پدر و مادر نیست و هر کس آزاد است که تحقیق کند و مرجع تقلید را از راه‌هایی که گفته شد، بشناسد؛ هر چند استفاده از راه‌نمایی همسر یا پدر و مادر یا دیگران اشکال ندارد.

### راههای به دست آوردن فتوای مجتهد

نظریات علمی مجتهد را «فتوا» می‌گویند.  
پس از برگزیدن مرجع تقلید، باید مطابق فتوای او عمل کرد.

۱. توضیح المسائل، م. ۷.

۲. تحریر الواسطه، ج ۱، ص ۸۱، م ۲۱.

- فروش اموال محترک و قیمت گذاری آن، بدون اجازه مالک.

- تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی.

- اقامه حدود و تعزیرات.

### تعارض فتوا با حکم

در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم فقیه حاکم خلاف یکدیگر باشد، حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است؛ مثل آنکه مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، حکم کند که احتکار هر گونه کالای مورد نیاز جامعه حرام است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می‌شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است.<sup>۱</sup>

در فتاوی فقیهان بزرگ آمده است:

نقض حکم حاکم جامع‌الشرایط جایز نیست؛ حتی برای دیگر مجتهدان؛ مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد.<sup>۲</sup>

۱. مرحوم شیخ محمدحسن نجفی رحمته‌الله صاحب جواهر، در بحث احتکار می‌نویسد: «اگر محترک، خود مجتهد باشد، مجتهد حاکم می‌تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وارد کند؛ هرچند حاکم نسبت به مجتهد محترک از نظر علمی پایین‌تر باشد.»  
(جوهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۷)

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷.

عهده فقیهان جامع‌الشرایط نهاده شده است:

۱- بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم.

۲- رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

وجود مراجع فتوایی متعدّد، و تفاوت در فتوا، مشکل زیادی در جامعه پدید نمی‌آورد؛ چنان‌که پس از غیبت حضرت ولی عصر علیه‌السلام در ادوار مختلف تاریخ تشیع، این وضعیت وجود داشته است؛ ولی تشنّت و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی - به خصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد - قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دودستگی در جامعه خواهد شد. حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است، و در زمانی که تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه) پیش آید، وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقهی، بیان حکم خداست به وسیله فقیه، و فقیه کسی است که در حکمی، از منابع فقهی استنباط و اظهار نظر می‌کند؛ مثلاً:

- در رکعت سوّم و چهارم نماز، تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است.

- اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست.

- در صورتی که خریدار در معامله گول خورده باشد، حق فسخ معامله را دارد.

... و

«حکم حاکم»، دستور به اجرای یک حکم شرعی، تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کردن کاری به خاطر مصلحت است؛ مانند:

- دستور به این که: فلان روز اول ماه است.

- حکم به دریافت زکات یا خمس، با شرایطی ویژه، در زمان یا مکان و یا مورد خاص.





## نظافت و طهارت

اسلام، برای تمیزی و پاکی بدن، لباس و محیط زندگی انسان اهمیت بسیار قابل است؛ تا جایی که نظافت را از ایمان دانسته و طهارت را از ویژگیهای بندگانه خاص خداوند به شمار آورده و آب را وسیله نظافت و طهارت قرار داده است.

### پاک کننده ها (مُطَهِّرَات)

آب، مایه حیات انسانها، جانوران و گیاهان، و وسیله شست و شوی بدن، لباس، ظرف، زمین و وسائل زندگی است.

آب، یکی از پاک کننده هاست و بسیاری از چیزهای آلوده و نجس را پاک می کند. آب، اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یاد گرفتن چگونه شست و شوی با آن و دیگر مسائل مربوط به آن کمک می کند.

بجز آب، چیزهای دیگری نیز پاک کننده هستند که پس از شناخت اقسام و احکام آب، به آنها نیز خواهیم پرداخت.

## اقسام آب

آب،

- یا از آسمان می بارد،

- یا از زمین می جوشد،

- یا نه می بارد و نه می جوشد.

به آبی که از آسمان بیارد، باران می گویند.

به آبی که از زمین می جوشد، اگر جریان داشته باشد، آب جاری و اگر بدون جریان

باشد، آب چاه گویند.

آبی که از آسمان نمی بارد و از زمین نمی جوشد، آب راکد است.

آب راکد، اگر مقدارش زیاد باشد، کُر و اگر کم باشد، قلیل است.

هر یک از اقسام آبها ممکن است **مُضاف** یا **مطلق** باشد.

**آب مُضاف**، آبی است که از چیزی گرفته باشند؛ مانند آب سیب و هندوانه؛ یا با

چیزی مخلوط شده باشد، به طوری که به آن آب نگویند؛ مانند شربت و آب گل آلودی

که زیاد با گل مخلوط شده، به حدی که به آن آب گفته نمی شود.

**آب مطلق**، آبی است که مُضاف نباشد.<sup>۱</sup>

## احکام آب مُضاف

۱- آب مُضاف، پاک کننده نیست؛ یعنی چیزهای نجس را پاک نمی کند.

۲- در برخورد با نجاست، نجس می شود؛ هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا

مزه آب هم عوض نشود.

۳- وضو و غسل با آب مُضاف صحیح نیست.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۱۵. ۲. همان، م ۴۷ و ۴۸.

**حجم:** مقدار آبی است که اگر آن را در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن، هر یک حداقل ۳/۵ وجب باشد،<sup>۱</sup> بریزند، پر شود. (۴۲/۸۷۵ وجب، حدود ۳۳۰۰۰ سانتیمتر مکعب)

**وزن:** ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم (تقریباً ۳۸۴ لیتر می باشد).<sup>۳</sup>

اندازه کُر:<sup>۲</sup>

**اندازه آب قلیل:** آبی که از کُر کمتر باشد، قلیل است.

تنها آب مطلق آلودگیها را پاک می کند؛ گرچه ممکن است آب مُضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی هرگز نجس را پاک نمی کند.

## احکام آب قلیل

۱- آب قلیل در برخورد با نجاست نجس می شود (روی چیز نجس ریخته شود، یا

چیز نجس به آن برسد).<sup>۴</sup>

۲- اگر آب کُر یا جاری به آب قلیل نجس، متصل و با آن مخلوط شود، پاک

می گردد. (مثلاً اگر ظرف آب قلیل را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کُر متصل

است، بگذارید و آب را بر آن باز کنید تا با آن مخلوط شود).<sup>۵</sup>

۱. آیات عظام: بیهجت، تبریزی، صافی: اگر درازا و پهنا و گودی آن، هر یک حداقل ۳ وجب باشد و پر از آب شود، به مقدار کُر است.

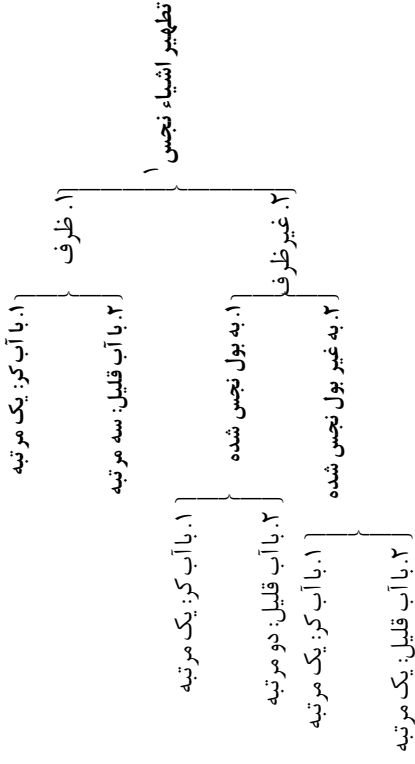
۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴، م ۱۴: توضیح المسائل، م ۱۶.

۳. آیة الله مکارم: اندازه کُر ۳۸۴ کیلوگرم (۳۸۴ لیتر) می باشد.

۴. توضیح المسائل، م ۲۶.

۵. در تطهیر آب، شرط است که بو یا رنگ یا مزه نجاست نداشته باشد، و چنانچه بو یا رنگ یا مزه نجاست

توضیح می‌دهیم که بدین شرح است:



#### توضیح:

**الف:** برای تطهیر اشیاء نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد، سپس به همان تعداد که در نمودار آمده، آن را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر مرتبه در آب کر بشویند، کافی است.<sup>۲</sup>

**ب:** فرش، لباس، پارچه و آنچه که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، اگر با آب قلیل تطهیر می‌شود، باید بعد از هر بار شستن، فشرده شود تا آبهای داخل آن بیرون آید و یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود؛ مثلاً آن را در آب تکان دهند یا در ماشین لباس شویی به سرعت چرخانده شود. در آب کر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود.<sup>۳</sup>

**ج:** آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیاء نجس بیان شد، مانند آب کر است. ظرف نجس را می‌توان این‌گونه آب کشید:

با آب کر: یک بار آن را در آب فرو برده، بیرون آورند. و با آب متصل به کر، مثل آب

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۰-۱۵۹-۱۵۰. ۲. همان، م ۱۷۰. ۳. همان، م ۱۶۰. ۴. همان، م ۱۵۰ به بعد.

## آب کر - جاری - چاه

۱- تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد، نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترکند).<sup>۷</sup>

۲- آب لوله‌های ساختمانها که متصل به منبع گر می‌باشند، در حکم آب کر است.<sup>۸</sup>

### برخی از احکام باران:

- ۱- اگر بر چیز نجسی که عین نجس<sup>۹</sup> در آن نیست، یک بار ببارد، پاک می‌شود.
- ۲- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد، آنها را پاک می‌کند و فشردن آنها لازم نیست.
- ۳- اگر بر زمین نجس ببارد، پاک می‌شود.
- ۴- هرگاه باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از کر باشد، تا هنگامی که باران می‌بارد، اگر چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.<sup>۱۰</sup>

### چگونگی تطهیر اشیاء نجس با آب

همهٔ انسانها هر روز با آب سر و کار دارند و آب، پاک‌کننده‌ای است که بیشترین کاربرد را در زندگی انسانها دارد. پس اکنون چگونگی تطهیر چیزهای نجس با آب را

→ گرفته است، باید به قدری با آب کر یا جاری مخلوط شود که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.  
 ۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴، م ۱۱. ۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳، م ۴.  
 ۸. توضیح المسائل، م ۳۵.  
 ۹. عین نجس چیزی است که خود به خود نجس است؛ مانند خون.  
 ۱۰. همان، م ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۷.

است.

مسئله ۲- هنگام تطهیر زمین با آب قلیل، اگر آنها جاری شده و به داخل چاه

برود، یا از آن محل بیرون رود، تمام جاهایی که آب بر آن جاری شده، پاک است.<sup>۱</sup>

مسئله ۲- دیوار نجس هم مانند زمین نجس تطهیر می‌شود.<sup>۲</sup>

### زمین

بجز آب، زمین نیز یکی دیگر از پاک‌کننده‌هاست، که کف یا و کفش را پاک می‌کند.

۱- اگر کف یا پاک‌کفش هنگام راه رفتن نجس شود و به سبب تماس با زمین، آلودگیها برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک‌کننده کف یا و کفش

است، آن هم باین شرایط:

\* زمین پاک باشد.

\* زمین خشک باشد (خیس نباشد).

\* از نوع خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.<sup>۳</sup>

مسئله: اگر بر اثر تماس زیر کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود، پاک می‌گردد؛ ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.<sup>۴</sup>

### آفتاب

آفتاب نیز یکی دیگر از پاک‌کننده‌هاست و با شرایطی که خواهد آمد، این اشیا را پاک می‌کند:

\* زمین.

۱. توضیح المسائل، م. ۱۸۰.  
 ۲. همان.  
 ۳. همان، م. ۱۸۳ و ۱۹۲.  
 ۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۵.

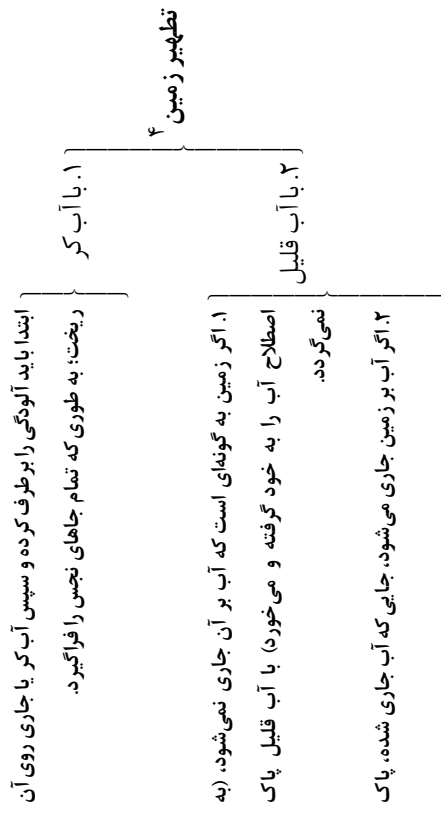
شیر متصل به منبع کر، اگر یک بار آب بر آن بریزند، کافی است.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده، خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و هر مرتبه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و سپس بیرون بریزند.<sup>۱</sup>

### تطهیر چیزی که به ادرار پسرپچه نجس شده

اگر زمین یا فرش یا لباس و یا چیز دیگری با ادرار پسرپچه<sup>۲</sup> شیرخواری که هنوز غذاخور نشده، نجس شود، با یک بار آب ریختن روی آن پاک می‌شود؛ حتی اگر آب قلیل باشد، ولی بهتر است دو بار آب بریزند و در فرش و لباس نیازی به فشردن آنها نیست.<sup>۳</sup>

### زمین نجس را چگونه می‌توان تطهیر کرد؟



۱. توضیح المسائل، م. ۱۵۰ و ۱۵۵.  
 ۲. آیه الله مکارم، آیه الله سیستانی: دختر پچه نیز همین حکم را دارد.  
 ۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المطهرات، م. ۱۷؛ توضیح المسائل، م. ۱۶۰.  
 ۴. توضیح المسائل، م. ۱۷۹ و ۱۸۰.

\* ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است؛ مانند در و پنجره.

\* درخت و گیاه.<sup>۱</sup>

### شرایط مُطَهَّر بودن آفتاب:

- چیز نجس تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

- با تابش آفتاب خشک شود؛ اگر مرطوب بماند، پاک نشده است.

- چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد؛ مگر آنکه رقیق و نازک باشد و

از تابش آفتاب جلوگیری نکند.

- آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.

- هنگام تابش آفتاب، عین نجاست در محل نجس نباشد. پس اگر عین نجاست

هست، پیش از تابش آفتاب برطرف گردد.

- قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکبار خشک کند. پس اگر روی آن امروز

خشک شود و درون آن فرود، تنها روی آن پاک می شود.<sup>۲</sup>

مسئله: اگر زمین و مانند آن نجس است، ولی رطوبتی ندارد، می توان مقداری

آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن گردد، بر آن ریخت تا آفتاب بتابد و آن

رپاک کند.<sup>۳</sup>

## اسلام

اگر کافر شهادتین بگوید، مسلمان می شود و با اسلام، تمام بدن او پاک می گردد؛

یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.»<sup>۱</sup>

### برطرف شدن نجاست

در دو مورد، با برطرف شدن آلودگی، چیز نجس پاک می شود و نیازی به آب

کشیدن نیست:

الف: بدن حیوان؛ مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که

نجاست برطرف شود، پاک است.

ب: باطن بدن انسان؛ مانند داخل دهان و بینی و گوش. مثلاً اگر هنگام مسواک

زدن، از لته‌ها خون بیاید، وقتی که آب دهان رنگ خون نداشته باشد، پاک است و

آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.<sup>۲</sup>

### نجاسات

چه چیزهایی آلوده و نجس است؟

۱- از نظر اسلام، همه چیز پاک است، بجز برخی از اشیاء که آلوده و نجس اند و باید

از آنها پرهیز کرد و مواظب بود که بدن و لباس و محیط زندگی و خوردنی‌ها و

نوشیدنی‌ها آلوده به آنها نباشد.

۲- تعداد چیزهای نجس بسیار محدود و اندک است؛ ولی دانستن آنها برای هر

فرد مسلمان لازم است. همان گونه که گفته شد، اشیاء نجس و آلوده را می توان تطهیر

و پاک کرد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۰۷.

۲. توضیح المسائل، م ۲۱۶ و ۲۱۷.

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. توضیح المسائل، م ۱۹۱.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۲۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰.

- ۸- فضلهٔ پرندگان حرام گوشت<sup>۱</sup> - مانند کلاغ - نجس است.<sup>۲</sup>
- ### خون
- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
- ۲- خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
- ۳- خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می شود، نجس نیست؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد، و اگر خون را با زردهٔ تخم مرغ به حدی به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.<sup>۴</sup>
- ۴- خونی که از لای دندان (لثه) می آید، اگر با آب دهان مخلوط شود و از بین برود، پاک است و در آن صورت، فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.<sup>۵</sup>
- ۵- زرد دابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است یا نه، پاک می باشد.<sup>۶</sup>
- ۶- اگر بر اثر خراش بر داشتن بدن، رطوبتی از آن بیرون آید که معلوم نباشد خون است یا نه، پاک می باشد.<sup>۷</sup>

۱. آیات عظام: خامنه‌ای، صافی، فاضل، سیستانی، مکارم؛ فضلهٔ پرندگان حرام گوشت نجس نیست.

۲. توضیح المسائل، م ۸۵.

۳. آیه الله صافی، آیه الله مکارم؛ بنا بر احتیاط واجب، از خوردن تخم مرغی که خون در آن است، باید اجتناب کرد، ولی اگر خون در زرده باشد و پوست نازک روی آن پاره نشده باشد، سفیده پاک است.

۴. آیه الله بهجت؛ از خونی که در تخم مرغ می باشد، بنا بر احتیاط باید اجتناب کرده، ولی اگر خون در زرده باشد، سفیده پاک است و اگر در سفیده باشد، زرده پاک است.

۵. آیه الله خامنه‌ای؛ خوردن خون در تخم مرغ حرام است. (راهنمای فتاوا، ص ۱۵، م ۴).

۶. توضیح المسائل، م ۹۶ و ۱۰۱ - ۹۸. همان، م ۱۰۴.

۷. همان.

- ۲۰ / احکام زندگی
- ۲- این چیزها نجس و آلوده است:
- \* ادرار (بول).
  - \* مدفوع (غایط).
  - \* منی.
  - \* خون انسان و برخی از حیوانات.
  - \* مردهٔ برخی از حیوانات.
  - \* سگ و خوک.
  - \* شراب و آبجو (فقاع).
  - \* کافر.
  - \* عرق شتر نجاست خوار.<sup>۱</sup>
- ۴- ادرار، مدفوع و منی انسان و تمام حیوانات حرام گوشت که خون جهنده دارند<sup>۲</sup>
- مثل گربه و خرگوش - نجس است.<sup>۳</sup>
- ۵- حیوانی که اگر رگ رانش را ببرند، خون از آن جستن کند، خون جهنده دارد.
- ۶- ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت - مانند گاو و گوسفند - و حیواناتی که خون جهنده ندارند - مانند مار و ماهی - پاک است.<sup>۴</sup>
- ۷- ادرار و مدفوع حیوان‌هایی که گوشت آنها مکروه است؛ مانند اسب و الاغ، نجس نیست.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۸۳.

۲. آیات عظام: سیستانی، صافی، مکارم؛ بنا بر احتیاط واجب، از ادرار حیوان حرام گوشت که خون جهنده ندارد، باید پرهیز کرد.

آیه الله بهجت؛ بنا بر احتیاط واجب، از ادرار و مدفوع حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، در صورتی که عسر و حرج لازم نمی آید، اجتناب نمایند. ۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵.

۴. همان.

۵. همان.

۲. غیر سگ و خوک

۲. خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.

۱- بدن انسان مرده، هر چند تازه مرده باشد و هنوز سرد نشده باشد، نجس است؛

مگر آنکه:

الف: شهید معرکه<sup>۱</sup> باشد.

ب: او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).<sup>۲</sup>

۲- اجزای بی روح بدن میت - مانند ناخن و مو - پاک است.<sup>۳</sup>

## سگ و خوک

۱- سگ و خوک، نجس اند و کسانی که برای نگهداری از باغ و مزرعه یا کارخانه،

سگ نگهداری می کنند، باید مواظب باشند که در تماس با این حیوان، جایی از بدن

یا مواد غذایی یا لباسشان نجس نشود و چنانچه نجس شد، تطهیر کنند.<sup>۴</sup>

۲- در بین حیوانات، تنها همین دو حیوان نجس هستند و هیچ حیوان زنده

دیگری، حتی موش نجس نیست.<sup>۵</sup>

## کافر

۱- این افراد کافرند:

\* منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار می کند).

\* منکر توحید (کسی که برای خداوند شریک قائل است).

۱. شهیدی که در میدان نبرد جان داده است. ۲. العروة الوثقی، همان، و ص ۱۲، ۶۱.

۳. همان. ۴. توضیح المسائل، م ۱۰۵.

۵. همان.

## شراب

۱- شراب و هر مایع مست کننده، که در اصل مایع باشد، گرچه به شکل جامد

درآید، نجس است.<sup>۱</sup>

۲- آب انگور جوش آمده، اگر مست کننده باشد، نجس است، و اگر مست کننده

نباشد، گرچه خوردن آن حرام است، نجس نیست.<sup>۲</sup>

۳- خرما و کشمش را اگر همراه غذا - مثلاً با برنج - بپزند، حرام نیست، هر چند

به جوش آید.<sup>۳</sup>

۴- دارو، صابون، روغن، عطر و ادکلنی که از کشورهای غیراسلامی می آورند و

معلوم نیست نجس شده یا نه، پاک است.<sup>۴</sup>

## مردار

۱- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد - مانند ماهی - پاک است.

۲- اجزای روح دار مردار حیوانی که خون جهنده دارد - مانند گوشت و پوست -

نجس است؛ ولی اجزای بی روحش - مانند مو و شاخ - پاک است.<sup>۵</sup>

۱. سگ و خوک، تمام اجزای آنها نجس است.

## مردار حیوان

۱. اجزای روح دار نجس است.

۲. اجزای بی روح پاک است.

۱. خون جهنده دارد

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۱. ۲. همان، م ۱۱۳.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاساة، ص ۷۰، ۳.

۴. توضیح المسائل، م ۹۴.

۵. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۸؛ الرابع - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۵، الرابع.



\* منکر حضرت محمد ﷺ.

\* منکر یکی از ضروریات دین، در صورتی که بدانند آن چیز ضروری دین است

و طوری انکار کند که به انکار نبوت یا تکذیب پیامبر ﷺ یا نقض دین برگردد.

\* کسی که به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد یا آنها دشمنی ورزد.<sup>۱</sup>

۲- به فتوای برخی از مراجع تقلید، مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان پاک

هستند.

## عبادت و بندگی

پرستش و بندگی، نیاز طبیعی بشر است. انسانهای مؤمن، تنها خدای بزرگ و آفریننده جهان را شایسته عبادت، پرستش و ستایش می دانند و هرگز در مقابل چیزهایی مانند خودشان که مخلوق خدایند، کرنش نمی کنند.

عبادت، تسلیم در برابر امر خداوند و اطاعت کامل از دستورهای اوست، و این اطاعت و بندگی، با انجام دادن کارهای واجب و پرهیز از کارهای حرام تحقق می یابد. عبادت باید با نیت خالص برای خداوند و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود و بدین سبب است که در تعریف عبادت گفته اند: هر کاری که به قصد اطاعت فرمان خداوند و تقرب به او انجام شود، عبادت است. لذا انسان می تواند کاری کند که فعالیتهای روزمره و عادی او هم عبادت و بندگی خداوند باشد.

### نماز

نماز، بهترین حالت بندگی خداست و در میان اعمال واجب، دارای اهمیت

۱. تخریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۸، العاشر.  
۲. آیات عظام: تبریزی، خامنه ای، سیستانی، فاضل.



## نمازهای شبانه روزی

در هر شبانه روز باید هفده رکعت نماز بخوانیم. اکنون نام هر یک راه همراه با تعداد رکتهایش می آوریم:

- نماز صبح ← دو رکعت
- نماز ظهر ← چهار رکعت
- نماز عصر ← چهار رکعت
- نماز مغرب ← سه رکعت
- نماز عشاء ← چهار رکعت

## نمازهای غیر همیشه‌گی

نمازهایی که گاهی اوقات واجب می شود و همیشه نیست، بدین شرح است:

- \* نماز آیات
- \* نماز میت
- \* نماز طواف کعبه
- \* نماز قضای پدر که بر پسر بزرگ تر واجب می شود.
- \* نمازی که با نذر یا قسم واجب شود.

## وقت نمازهای پنجگانه

تمام برنامه های اسلام، متناسب با وضع زندگی بشر و نیازهای واقعی اوست. اگر به وقت نمازهای واجب توجه کنیم، خواهیم دانست که تنها مقدار معینی از

۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ تر واجب است، که تفصیل این مسئله در بحث نماز قضا خواهد آمد.

ویژه‌های است. نماز، دستور خداوند بزرگ برای انسانهای پاک و وارسته است و نماز خواندن، اطاعت فرمان اوست.

نماز، بهترین شیوه ارتباط با خالق یکتا و جلوه‌ای از عبادت انسان در پیشگاه اوست.

نماز، مانند نهر آبی است که نمازگزار، روزی پنج مرتبه خود را در آن شست و شو می دهد.

و نمازگزار، بنده خالص خداست که با نماز، ارتباطی خالصانه با پروردگار خویش برقرار می کند و نماز به او آرامش روح می بخشد تا در جریان های زندگی، با امید به فردایی روشن، به تلاش بپردازد.

## چگونه نماز بخوانیم؟

برای آشنایی با چگونگی نماز، لازم است ابتدا اقسام آن را بدانیم.

### اقسام نماز

نماز بر دو قسم است: واجب و مستحب.

نماز واجب، نمازی است که انجام آن لازم است و ترکش عذاب دارد.

نماز مستحب، نمازی است که انجام آن نیکوست و پاداش دارد، ولی ترکش عذاب ندارد.

نمازهای واجب دو دسته است:

الف) نمازهای همیشگی و شبانه روزی.

ب) نمازهایی که در زمانهایی خاص واجب می شود و همیشگی نیست.

می‌رود، وقت اذان مغرب<sup>۱</sup> است.

## نماز مغرب و عشاء

۱- از اذان مغرب - کمی بعد از غروب آفتاب<sup>۲</sup> - تا نیمه شب، وقت نماز مغرب و عشاء

است و باید نماز مغرب، قبل از عشاء خوانده شود.

۲- بهتر است نماز در اول وقت خوانده شود و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد،

ثواب بیشتری دارد.

۳- اگر وقت نماز تنگ باشد، به طوری که اگر نماز گزار بخواهد مستحبات نماز را

به جا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، نباید مستحبات را به جا آورد؛

مثلاً قنوت نباید بخواند.<sup>۳</sup>

## آمادگی برای نماز

### وضو

برای عبادت و بندگی در پیشگاه خداوند مهربان و به جا آوردن نماز، ابتدا باید

خود را پاکیزه کرده، وضو بگیریم؛ یعنی - به گونه‌ای که گفته می‌شود - دست و صورت

خود را بشوییم و با چهره‌ای شاداب، آماده نماز شویم.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«کسی که به عبادت خدای بزرگ می‌ایستد، باید خود را از آلودگیها

۱. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: مغرب موقعی است که آفتاب از زمینی که هموار است، غروب کند؛ و

منطقه‌ای که پستی و بلندی دارد، مغرب آن موقعی است که اگر زمین هموار بود، آفتاب غروب می‌کرد. ولی

احتیاط مستحب این است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.

۲. آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: مغرب، هنگام غروب آفتاب است.

۳. توضیح المسائل، م ۷۳۱ و ۷۲۶.

شبانه روز، آن هم زمانهایی مناسب، برای انجام نماز در نظر گرفته شده است تا انسان بتواند علاوه بر ارتباط با پروردگار خویش و صفا بخشیدن به روح و روان و نیرو گرفتن از خالق یکتا، به خوبی و در فرصت کافی، برای برآوردن نیازهای زندگی تلاش کند. علاوه بر آن، وقت منظم نماز، انسان را به نظم و برنامه ریزی در کارهای فردی و اجتماعی خود عادت می‌دهد؛ و چنین نیست که انسان هر وقت بخواهد، بتواند نماز واجبش را بخواند؛ بلکه نماز خواندن پیش از وقت، باطل است و اگر کسی نماز را در زمان معین آن بخواند، گناه کرده و این وظیفه همچنان بر عهده اوست و باید به جا آورد.

اکنون با وقت نمازهای شبانه روزی آشنا می‌شویم:

## نماز صبح

وقت نماز صبح، از اذان صبح تا طلوع آفتاب است و باید در این فرصت خوانده

شود، و اگر آفتاب طلوع کند و انسان نماز صبح را نخوانده باشد، باید آن را به تبت

«قضا» بخواند.

## نماز ظهر و عصر

وقت نماز ظهر و عصر، از نیمروز (ظهر) تا مغرب است، که نماز گزار باید در این

فاصله، ابتدا نماز ظهر و پس از آن، نماز عصر را بخواند.

به فتوای حضرت آیه الله خامنه‌ای (دامت بر کاته) پایان وقت نماز عصر، تا غروب

آفتاب است.

حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه پس از غروب آفتاب، که سرخی افق در مشرق از بین

آنها را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون آوریم، که این را وضوی اِرتِماسی می‌گویند.<sup>۱</sup>

۲- چون در وضوی اِرتِماسی نیز باید ترتیب بین اعمال وضو مراعات گردد و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابراین وضوی اِرتِماسی بدین گونه انجام می‌شود:

- به قصد وضو، صورت را از پیشانی در آب فرو می‌بریم و دستها را از آرنج به قصد وضو در آب فرو می‌بریم و تا هنگامی که آنها را از آب بیرون می‌آوریم و ریزش آب ادامه دارد، باید به نیت وضو باشیم؛ چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح به کار می‌رود، باید آب وضو باشد.

- بدون قصد وضو، صورت یا دست را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون می‌آوریم، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آوریم و دستها را از آرنج.<sup>۲</sup>

۳- اگر بعضی از اعضای وضو را اِرتِماسی و بعضی را غیر اِرتِماسی انجام دهیم، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

## احکام وضو

۱- وضو باید «برای انجام فرمان خداوند» باشد و نه به انگیزه دیگری؛ پس اگر کسی برای خنک شدن یا نشان دادن به دیگران وضو بگیرد، صحیح نیست.<sup>۴</sup>

۲- شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست؛ ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود،

۱. همان، م ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲. همان، شرط هشتم از شرایط وضو.

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۱.

۲. همان، م ۲۶۳.

پاک کند، از سستی و بی حالی دور باشد و با وضو، خود را برای سخن گفتن با خدای توانا آماده سازد»<sup>۱</sup>

البته در برخی موارد باید «غسل»<sup>۲</sup> کنیم؛ یعنی تمام بدن را بشوییم. هرگاه نتوانیم وضو بگیریم، یا غسل کنیم، باید به جای آن، عمل دیگری به نام «تیمم»<sup>۳</sup> انجام دهیم که با چگونگی انجام آن نیز آشنا خواهیم شد.

## چگونه وضو بگیریم؟

۱- برای وضو گرفتن به قصد اطاعت دستور خداوند عالم، ابتدا صورت را از بالا به پایین - از جایی که موی سر رویده، تا چانه - می‌شوئیم.

۲- سپس دست راست را از آرنج تا نوک انگشتان، از بالا به پایین، می‌شوئیم.

۳- بعد از شستن دست راست، دست چپ را مانند دست راست شست و شو می‌دهیم.

۴- سپس با رطوبتی که بر دست مانده، جلوی سر را مسح می‌کنیم؛ یعنی دست را بر سر گذاشته و کمی به طرف پیشانی می‌کشیم.

۵- پس از مسح سر، پای راست را از نوک انگشت تا آخر روی پا مسح می‌کنیم.

۶- سپس پای چپ را مانند پای راست مسح می‌کنیم و با این عمل تمام می‌شود.<sup>۴</sup>

## وضوی اِرتِماسی

۱- برای وضو گرفتن، می‌توانیم صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو ببریم، یا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲. احکام تیمم در صفحات آینده خواهد آمد.

۳. توضیح المسائل، م ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۹ و شرط هشتم از شرایط وضو.



زخم و دیگر انگشتان سالم است، باید بر قسمت سالم دست بکشیم و وضو صحیح است. و اگر جای مسح باقی نیست - مثلاً تمام پانداپیچی شده است - باید روی همان را مسح کنیم.<sup>۱</sup>

۵- در وضوی جبیره‌ای نیز صورت و دستها باید از بالا به پایین شسته شود. پس اگر قسمت بالای دست یا صورت را جبیره پوشانده، ابتدا باید دست بر آن بکشیم و در ادامه، قسمت پایین را بشوییم.<sup>۲</sup>

۶- اگر انسان بتواند وضوی جبیره‌ای بگیرد، باید به وظیفه خود عمل کند و تیمم تنها کافی نیست.<sup>۳</sup>

### چیزها یا کارهایی که وضو را باطل می‌کند:

- خارج شدن ادرار، مدفوع یا باد از انسان.
- خواب، به اندازه‌ای که چشم نبیند و گوش نشنود؛ ولی چرت زدن اگر به این حد نباشد که چشم نبیند و گوش نشنود، وضو را باطل نمی‌کند.
- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مثل دیوانگی، مستی، بیهوشی.
- آنچه سبب غسل می‌شود؛ مانند جنابت و مسّ میت.
- استحاضه زنان؛ هر چند استحاضه قلیله که سبب غسل نمی‌باشد.<sup>۴</sup>

### غسل

گاهی برای نماز (و هر کاری که باید با وضو انجام شود)، باید غسل کرد؛ یعنی برای

۱. اگر جبیره تمام محل مسح را پوشانده باشد، بهتر است علاوه بر وضوی جبیره‌ای، تیممی نیز انجام دهد.
۲. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام الجائر، ص ۲۵۶.
۳. همان.
۴. توضیح المسائل، م ۳۲۳.

۱۶- آب وضو باید پاک باشد.<sup>۱</sup>

۱۷- اعضای وضو - یعنی صورت، دستها، سر و پاها - باید پاک باشد.<sup>۲</sup>

۱۸- وضو گرفتن برای قرائت قرآن، خواندن دعا و زیارت مستحب است.<sup>۳</sup>

۱۹- کسی که وضو ندارد، نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

\* خط قرآن؛ ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

\* اسم خداوند، به هر زبانی نوشته شده باشد؛ مانند الله، خدا، God.

\* نام پیامبر خدا ﷺ، اسامی امامان علیهم السلام و نام حضرت زهرا علیها السلام.<sup>۴</sup>

### وضوی جبیره‌ای

۱- چیزی که بر زخم می‌بندند و دوايي که بر آن می‌زنند، «جبیره» نام دارد.

۲- اگر دست یا صورت تمام زخم است و آب برای آن ضرر دارد، باید پارچه‌ای پاک، یا

چیزی دیگری - مثلاً چسب - بر آن بگذاریم و هنگام شستن دیگر جاها، بر آن قسمت نیز دست تر بکشیم.<sup>۵</sup>

۳- اگر روی زخم بسته شده - مثلاً باندپیچی کرده‌اند - و نمی‌شود آن را باز کرد،

باید هنگام وضو، دست تر بر آن بکشیم و اگر پارچه یا چیزی که روی زخم است، نجس باشد، باید پارچه‌ای پاک رویش بگذاریم و دست تر بر آن بکشیم.<sup>۶</sup>

۴- اگر محل مسح (در سر یا پا) زخم باشد و نتوان روی آن را مسح کرد، چنانچه

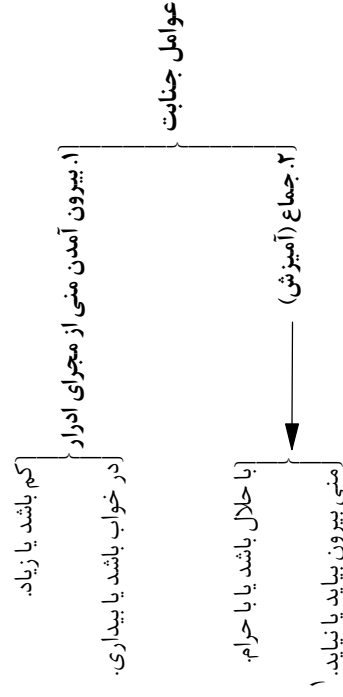
جایی از محل مسح باقی است، باید همان قسمت را مسح کنیم؛ مثلاً اگر دو انگشت پا

۱. توضیح المسائل، شرط اول از شرایط وضو.
۲. همان، شرط ششم از شرایط وضو.
۳. همان، م ۳۲۲.
۴. همان، م ۳۱۷ و ۳۱۹.

۵. همان، م ۲۲۶.
۶. آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: در صورتی که آب برای آن ضرر نداشته باشد، ولی آب کشیدن زخم یا رساندن آب به زخم ممکن نباشد، باید تیمم کند.

## غسل جنابت

۱- هرگاه انسان جنّاب شود، برای انجام نماز و برخی کارهای دیگر باید غسل کند. نخستین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که: انسان چگونه جنّاب می‌شود؟



۲- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۳- کسی که می‌داند منی از او خارج شده، جنب است و باید غسل کند.<sup>۳</sup>

۴- کسی که نمی‌داند منی از او بیرون آمده یا نه، یا نمی‌داند که آنچه از او بیرون آمده

منی است یا نه، در صورتی که نشانه‌های منی را داشته باشد جنب است و در غیر

این صورت، حکم به جنابت نمی‌شود.<sup>۴</sup>

۵- نشانه‌های منی:<sup>۵</sup>

\* با شهوت و لذت جنسی بیرون آید.

\* با فشار و جستن بیرون آید.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۶ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳. همان، ص ۳۶۸.

۴. همان.

اطاعت از فرمان خداوند تمام بدن را شست.

اکنون به بیان چگونگی و موارد غسل می‌پردازیم:

غسل را به دو گونه ترتیبی و ارتماسی می‌توان انجام داد:

**ترتیبی:** ابتدا سر و گردن، سپس نیمه راست بدن، و بعد از آن نیمه چپ بدن شسته می‌شود.

**ارتماسی:** تمام بدن باید در آب قرار گیرد. لذا در صورتی می‌توان غسل ارتماسی انجام داد که مقدار آب زیاد باشد تا تمام بدن به طور کامل زیر آب قرار گیرد؛ مانند استنخر، رودخانه و دریا؛ و به یکی از شیوه‌های زیر انجام می‌شود:

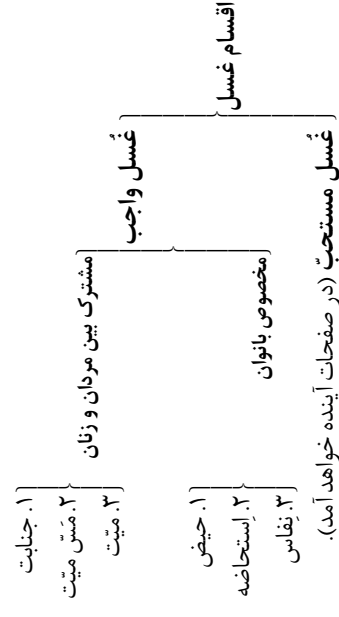
**الف:** به نیت غسل، یکباره زیر آب می‌رود؛ به طوری که تمام بدن - به طور کامل - در آب قرار گیرد.

**ب:** به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت، تمام بدن در آب قرار گیرد.

**ج:** زیر آب رفته و به نیت غسل، بدن را داخل آب حرکت می‌دهد.<sup>۱</sup>

تمام غسل‌ها - چه واجب و چه مستحب - همین‌گونه انجام می‌شوند و از این نظر

با هم تفاوتی ندارند، مگر در نیت.



۱. توضیح المسائل، م ۳۶۱ و ۳۶۷ و ۳۶۸.

- ۱- خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد؛ حتی یک حرف از آن.  
 و بنا بر احتیاط واجب، توقف در حرم امامان علیهم‌السلام.

### سوره‌های سجده‌دار قرآن:

سوره ۳۲ (سجده)، آیه ۱۵.

سوره ۴۱ (فصلت)، آیه ۳۷.

سوره ۵۳ (نجم)، آیه آخر.

سوره ۹۶ (علق)، آیه آخر.

اگر جنب از یک در مسجد وارد و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد؛ بجز مسجد الحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست.<sup>۳</sup>

اگر در خانه، اداره، مؤسسه یا پادگان، مکانی را برای نماز قرار دهد، حکم مسجد را ندارد.<sup>۴</sup>

### غسل متّس میت

۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند، برساند، باید غسل متّس میت کند.<sup>۵</sup>

۲- در مواردی که می‌آید، مسح بدن انسان مرده سبب غسل نیست:

- انسانی که در میدان جنگ به شهادت رسیده و همانجا جان داده است.
- مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.

۱. آیات عظام: خاندان، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم، تنها خواندن آیات سجده‌دار در این سوره‌ها حرام است و سایر آیات اشکال ندارد.  
 ۲. تحریرالوسیله، ج ۱ صص ۳۹-۲۸.  
 ۳. همان.  
 ۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۸، م ۳.  
 ۵. توضیح المسائل، م ۵۲۱.

\* بعد از بیرون آمدن، بدن سست شود.<sup>۱</sup>

۶- ترشحاتی که گاهی پس از تحریک شهوت - مثلاً پس از بازی با همسر بیرون می‌آید و این نشانه‌ها را ندارد - منی نیست و غسل ندارد؛ بلکه نجس هم نیست. بنابراین کسی که آبی از او خارج شده و نمی‌داند منی است یا نه، در صورتی که تمام این نشانه‌ها را داشته باشد، جنب است؛ وگرنه جنب نمی‌باشد، حتی اگر یکی از علامتها هم وجود نداشته باشد. اما برای زن و مریض وجود یک نشانه - یعنی بیرون آمدن از روی شهوت - کافی است.<sup>۲</sup>

۷- مستحب است که انسان بعد از بیرون آمدن منی، ادرار کند، و اگر ادرار نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.<sup>۳</sup>

### کارهایی که بر جنب حرام است<sup>۴</sup>

شخص جنب تا زمانی که غسل جنابت انجام نداده، این کارها بر او حرام است:

- رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، اسم خداوند، و بنا بر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و امامان و حضرت زهر علیها‌السلام.
- رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.
- توقف در مساجد.
- گذاشتن چیزی در مسجد؛ هر چند از بیرون مسجد باشد.

## غسل‌های مستحب

غسل‌های مستحب، بسیار است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- غسل جمعه، که از مستحبات مؤکد است و وقت آن از اذان صبح روز جمعه تا ظهر است و اگر تا ظهر انجام نداد، تا غروب روز جمعه و در روز شنبه تا غروب به نیت قضا به جا آورد.
- ۲- غسل‌هایی که در شب‌های ماه رمضان وارد شده است.
- ۳- غسل روزهای عید فطر و عید قربان.
- ۴- غسل روزهای هشتم و نهم ذی حجه.
- ۵- غسل روزهای اول، وسط و آخر ماه رجب.
- ۶- غسل روز عید غدیر.
- ۷- غسل روز مبعث.
- ۸- غسل شب نیمه شعبان.
- ۹- غسل روز میلاد پیامبر ﷺ، ۱۷ ربیع الاول.
- ۱۰- غسل احرام عمره یا حج.
- ۱۱- غسل طواف.
- ۱۲- غسل زیارت.
- ۱۳- غسل و قوف به عرفات.
- ۱۴- غسل سفر، به خصوص برای زیارت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام).
- ۱۵- برای خواندن نماز استسقاء (طلب باران).
- ۱۶- دیدن کسی که به دار آویخته‌اند.
- ۱۷- برای مس میثی که آن را غسل داده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاغسال المندوبه، ص ۹۷.

## - مرده‌ای که غسلش داده‌اند.<sup>۱</sup>

- ۳- غسل مس میت را باید مانند غسل جنابت انجام دهند؛ ولی کسی که غسل مس میت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.<sup>۲</sup>
- ۴- اگر مادر کودک خود را بی‌حالت کند، چنانچه چهار ماه او تمام شده باشد، باید غسل مس میت به جای آورد و اگر چهار ماه او تمام نشده بهتر است غسل کند.<sup>۳</sup>

## غسل میت

- ۱- هرگاه مؤمنی از دنیا برود، بر همه واجب است که او را غسل داده، کفن کنند، بروی نماز بخوانند و سپس دفنش کنند؛ و اگر یک یا چند نفر این کار را انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود.<sup>۴</sup>
- ۲- واجب است میت را سه غسل بدهند:
  - اول: با آبی که با سدر مخلوط باشد.
  - دوم: با آبی که با کافور مخلوط باشد.
  - سوم: با آب خالص.<sup>۵</sup>
- ۳- غسل میت مثل غسل جنابت است و احتیاط واجب آن است که تا غسل تزئینی ممکن است، میت را غسل از تماسی ندهند.<sup>۶</sup>

- ۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲۶؛ استفتانات، ص ۷۹ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۹۰، م ۱۱.
- ۲- توضیح المسائل، م ۵۳۰.
- ۳- همان، م ۵۲۴.
- ۴- همان، م ۵۲۴.
- ۵- سدر = درخت کنار که برگ آن را خشک کرده، می‌سایند و در حجام، بدن خود را با آن شست‌وشو می‌دهند.
- ۶- کافور = دارویی است خوشبو و سفید رنگ که از درختی که در چین و ژاپن می‌روید گرفته می‌شود. (فرهنگ عمید)
- ۷- توضیح المسائل، م ۵۵۰.
- ۸- همان، م ۵۶۵.





## اقسام حائض و وظیفه هر یک

زنان در مدت خونریزی، بر اساس زمان شروع و پایان خونریزی به شش دسته تقسیم می‌شوند که در جدول صفحه بعد، این اقسام شش گانه و وظیفه هر یک آمده است:

ش	چگونگی جریان خون	وظیفه
۱	تاکنون خونریزی قاعدگی نداشته؛ مانند دختری که خونریزی‌اش برای اولین بار شروع شده. (مبتدی)	در این سه صورت از ابتدای خونریزی اگر نشانه‌های خون قاعدگی را دارد، یا یقین کند تا سه روز طول می‌کشد باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.
۲	اولین خونریزی قاعدگی او نیست؛ ولی هنوز عادت منظمی پیدا نکرده است. (مضطربه)	
۳	خونریزی قاعدگی او از نظر تعداد روزها منظم است؛ مثلاً همیشه پس از ۵ روز خونریزی پاک می‌شود؛ ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم نشده است. (عددیّه)	
۴	خونریزی قاعدگی از نظر تعداد روزها منظم نیست؛ مثلاً گاهی پس از ۵ روز خونریزی پاک می‌شود و گاهی پس از ۶ روز؛ ولی از نظر وقت شروع خونریزی منظم است؛ مثلاً همیشه ۲۵ روز پس از پاک شدن دوباره خونریزی شروع می‌شود. (وقتیه)	در این دو صورت، چون وقت شروع خونریزی مشخص است، از ابتدای شروع باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.
۵	خونریزی قاعدگی او، هم از نظر تعداد روزها و هم از نظر وقت شروع خونریزی، منظم است؛ مثلاً همیشه بیستم ماه خونریزی شروع می‌شود و پس از ۵ روز قطع می‌گردد. (وقتیه و عددیه)	
۶	عادت منظمی در خونریزی داشته؛ ولی اکنون آن را فراموش کرده است. (ناسیه)	اگر نشانه‌های خون قاعدگی را دارد، یا یقین کند که ۳ روز طول می‌کشد، باید آن را حیض به حساب آورد و به احکام آن عمل کند.

حیض نمی‌بینند و چنانچه پس از آن سنین خونی ببینند، حکم حیض ندارد.

۳- دوره قاعدگی کمتر از سه روز نیست. پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود، حکم حیض ندارد.

۴- دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض ندارد.

۵- خونریزی در سه روز اول به طور مستمر می‌باشد. پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند، سپس به طور کامل قطع شود و یک روز دیگر دوباره خون ببیند، یا فقط گاهی لکه‌های خون ببیند، از آغاز حیض نبوده است؛ ولی اگر در داخل آلوده به خون باشد، هر چند بیرون نیاید، کفایت می‌کند و حکم حیض را دارد.

۶- فاصله دو حیض حداقل ده روز است. پس اگر بعد از تمام شدن دوره قاعدگی، پیش از آنکه ده روز فاصله شود، دوباره خون ببیند، خون دوّم حکم حیض ندارد.<sup>۸</sup>

۷- خون حیض معمولاً غلیظ و گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.<sup>۹</sup>

→ می‌شود و هر سال قمری حدود ۱۰ روز کمتر از سال شمسی است. بنابراین پنجاه سال قمری حدود ۴۸ سال و ۶ ماه شمسی است.

۷- آیه الله مکارم: زنان سیده و غیرسیده پس از تمام شدن پنجاه سال یا نسه می‌شوند. یعنی اگر خونی ببینند، خون حیض نیست. مگر زمانی که از قبیله «قریش» محسوب می‌شوند و آنها بعد از تمام شدن شصت سال یا نسه می‌شوند.

آیه الله تبریزی: زنان سیده پس از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال، چنانچه در روزهای عادت خون ببینند، احتیاط کنند.

آیه الله سیستانی: هر دو پس از تمام شدن ۶۰ سال یا نسه می‌شوند و خونی که پس از آن می‌بینند، حکم حیض ندارد.

۸- مگر آنکه ابتدا سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره چند روزی خون ببیند و مجموع خونریزی اول و دوّم و پاکی در وسط بیش از ده روز نباشد.

۹- المروقاتوثقی، ج ۱، فصل فی الحیض، صص ۳۱۶- ۳۱۵ و توضیح المسائل، م ۴۴۱- ۴۴۴.

و غلیظ نیست؛ ولی ممکن است گاهی پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.<sup>۱</sup>

خون استحاضه بر اساس کمی و زیادتی آن، به سه دسته تقسیم می‌شود: قلیله، متوسطه و کثیره. بر پایه این تقسیم، وظیفه زن نیز متفاوت است.<sup>۲</sup>

### وظیفه مستحاضه قلیله

برای تشخیص نوع استحاضه، باید مقداری پنبه در داخل بگذارید و کمی صبر کنید و سپس بیرون آورده پس اگر تنها یک طرف پنبه آلوده به خون شده باشد، یا به درون آن نفوذ کرده، ولی از طرف دیگر ظاهر نشده باشد، قلیله<sup>۳</sup> است و زن باید برای نماز، بدن را تطهیر کرده و بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند و وضو بگیرد. بنابراین، استحاضه قلیله غسل ندارد.<sup>۴</sup>

### وظیفه مستحاضه متوسطه

اگر خون‌ریزی به قدری باشد که به درون پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده، ولی لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده نکند، استحاضه متوسطه است و زن باید برای نماز، افزون بر وظایفی که برای قلیله گفته شد، برای آن نمازی که قبل از آن یاد بین آن مستحاضه شده است، غسل کند و تا زمانی که خون‌ریزی مستحاضه متوسطه ادامه دارد، هر روز قبل از نماز صبح غسل کند. بنابراین، در استحاضه متوسطه در هر شبانه‌روز یک غسل کافی است؛ اما پس از قطع خون‌ریزی نیز باید غسل کند.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۳۹۲.
۲. همان، م ۳۹۳.
۳. برای آشنایی بیشتر با چگونگی شناخت نوع استحاضه، به رساله توضیح المسائل، مسئله ۴۰۴ مراجعه کنید.
۴. توضیح المسائل، م ۳۹۴-۳۹۳.
۵. همان، م ۳۹۳ و ۳۹۵.

## احکام دوران قاعدگی

۱- در مدت قاعدگی، این کارها بر بانوان حرام است:  
نماز و طواف کعبه.

کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقف در مسجد.<sup>۱</sup>  
آمیزش با همسر، برای زن و مرد (هر دو) حرام است.<sup>۲</sup>

۲- در آیام قاعدگی، نماز و روزه بر زن واجب نیست، و نمازها قضا ندارد؛ ولی قضای روزه‌های واجب را باید پس از ماه مبارک رمضان به جا آورد.<sup>۳</sup>

۳- استفاده از قرص یا شیوه‌های پزشکی دیگر، برای جلوگیری از خون‌ریزی، اگر ضروری نداشته باشد، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

### وظیفه زن پس از قطع خون‌ریزی

- ۱- پس از پایان دوره قاعدگی و قطع خون‌ریزی، زن باید غسل حیض به جا آورد و نماز و سایر عبادتهای خود را انجام دهد.<sup>۵</sup>
- ۲- غسل حیض با غسل جنابت، بجز در نیت تفاوتی ندارد.<sup>۶</sup>
- ۳- با غسل حیض به تنهایی نمی‌توان نماز خواند؛ بلکه باید به علاوه غسل، وضو هم گرفت، و اگر انسان پیش از غسل وضو بگیرد، بهتر است.<sup>۷</sup>

## استحاضه

خون استحاضه معمولاً زرد رنگ و سرد است، بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید

۱. کارهایی که بر جنب حرام است، در ص ۳۸ گذشت.
۲. توضیح المسائل، م ۴۵۰.
۳. همان، م ۴۶۹.
۴. استفتانات، ج ۱، ص ۴۷۰، س ۱۱۱.
۵. توضیح المسائل، م ۴۶۶.
۶. همان، م ۴۶۶.
۷. همان، م ۴۶۶.

- برای انجام وضو و غسل وقت نباشد.

- نکه داشتن آب برای آشامیدن و حفظ جان لازم باشد.

در مواردی که گفتیم، به جای وضو یا غسل، تیمم می‌کنیم؛ یعنی با خضوع تمام در پیشگاه پروردگار عالم، کف هر دو دست را با هم بر خاک یا سنگ یا ریگ یا کلوخ می‌زنیم و بر پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر روید، تاروی ابروها و بالای بینی می‌کشیم و سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست (از مچ تا نوک انگشتان) می‌کشیم و بعد از آن، کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ می‌کشیم.<sup>۱</sup>

خاک یا چیز دیگری که بر آن تیمم می‌کنیم، باید پاک و تمیز باشد. حضرت علی علیه السلام از تیمم کردن بر خاکهای کنار کوچه‌ها (که معمولاً آلوده است، نهی فرموده‌اند.

### چند مسئله

- ۱- تیمم هم مانند وضو و غسل باید برای رضای خداوند و عمل به دستور او انجام شود.<sup>۲</sup>
- ۲- برای تیمم باید انگشتر را از دست بیرون آوریم و اگر مانع دیگری در پیشانی یا دستها وجود دارد، بر طرف کنیم.<sup>۳</sup>
- ۳- برای آنکه یقین کنیم تمام پشت دست مسح شده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کنیم؛ ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.<sup>۴</sup>

---

۱. آیه الله خامنه‌ای: باید پس از آن نیز بار دیگر دستها را بر زمین بزنیم و بر دستها بکشیم.  
 ۲. توضیح المسائل، م ۷۰۰.  
 ۳. همان، م ۷۰۷.  
 ۴. همان، م ۷۰۳.

### وظیفه مستحاضه کثیره

اگر خونریزی به قدری است که به پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده و لباس یا پارچه روی پنبه را آلوده کرده، استحاضه کثیره است و زن باید برای هر نماز، علاوه بر وظیفه کفیه برای قلیله گفته شد، دستمال یا لباسی را که خونی شده، عوض کند یا آب بکشد و غسلی هم انجام دهد. ولی اگر نماز ظهر و عصر را با هم بخواند و فاصله نیندازد، یک غسل برای هر دو کافی است و همچنین برای نماز مغرب و عشاء، پس در این صورت، مستحاضه کثیره باید برای هر وعده نماز یک غسل انجام دهد.<sup>۱</sup>

### چند مسئله

- ۱- مستحاضه متوسطه و کثیره باید پس از قطع خونریزی غسل کنند؛ ولی مستحاضه قلیله پس از قطع خونریزی هم غسل ندارد.<sup>۲</sup>
- ۲- غسل استحاضه با سایر غسلها تفاوتی ندارد، مگر در نیت.
- ۳- با غسل استحاضه نمی‌توان نماز خواند؛ بلکه باید به علاوه غسل وضو هم بگیرد.<sup>۳</sup>

### تیمم

- در موارد زیر باید تیمم کرد:
- آب برای وضو یا غسل موجود نباشد.
  - آب برای بدن ضرر داشته باشد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۳۹۶.  
 ۲. همان، م ۴۱۲.  
 ۳. همان، م ۳۹۱.

## لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که پیش از آغاز نماز توجه به آن لازم است، مسئله پوشش است، و اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

### مقدار پوشش در نماز

- ۱- مردان باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو پوشیده باشد.<sup>۱</sup>
- ۲- زنان باید تمام بدن را بپوشانند، بجز:
  - \* دستها تا مچ.
  - \* پاها تا مچ.
  - \* صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.<sup>۲</sup>
- ۳- در نماز، پوشاندن دستها و پاها و صورت،<sup>۳</sup> به مقداری که در مسئله پیش گفته شد، بر زنان واجب نیست؛ گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.<sup>۴</sup>
- ۴- لباس نمازگزار باید دارای این ویژگیها باشد:
  - \* پاک باشد (نجس نباشد).
  - \* مباح باشد (غصبی نباشد).

\* از اجزای مُردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح

نشده، تهیه نکرده باشد؛ حتی کمر بند و کلاه.

\* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.

\* اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا یا فای یا ابریشم خالص نباشد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۷۸۸.
۲. همان، م ۷۸۹.
۳. لازم به یادآوری است که برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست؛ ولی باید خود را از نگاه نامحرم بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در صفحات آینده خواهد آمد.
۴. توضیح المسائل، م ۷۸۹.
۵. همان، م ۷۸۸.

۱۵- اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده، هر چند از اجزای

بی‌روح آن - مانند پشم یا مو - نماز خواندن با آن باطل است.<sup>۱</sup>

۱۶- هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد؛ هر چند لباس

نیاشد. بنابراین اگر بند ساعت یا کمر بند یا دکمه یا بند لباس، از حیوان حرام گوشت

باشد، نماز باطل است.<sup>۲</sup>

۱۷- لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده، نماز خواندن با

آن صحیح است؛ چون نه نجس است و نه از اجزای روح‌دار مردار و نه حیوان

حرام گوشت.<sup>۳</sup>

۱۸- در کشورهای غیراسلامی لباسهایی که از اجزای روح‌دار حیوان تهیه شده

است، حکم مردار را دارد و نماز خواندن با آن باطل است؛ مگر آن که ذبح شرعی آن

معلوم شود.<sup>۴</sup>

۱۹- اگر قسمتی از لباس و حتی جزء کوچکی از آن از مردار باشد، نماز با آن باطل

است.<sup>۵</sup>

۱۰- چیزی که از اجزای روح‌دار مردار - حتی مردار حیوان حلال گوشت - تهیه

شده، هر چند لباس نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید همراه نمازگزار باشد.<sup>۶</sup>

۱۱- اگر انسان شک داشته باشد که لباسش از حیوان حلال گوشت است یا

حرام گوشت، چه در کشور اسلامی تهیه شده باشد و چه در کشور غیراسلامی تهیه

شده باشد، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.<sup>۷</sup>

۱۲- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۸۲۴.
۲. همان.
۳. همان، م ۸۲۳.
۴. استفتائات، ج ۱، صص ۱۹۷ و ۲۵۳ - ۲۵۲.
۵. توضیح المسائل، م ۸۲۱.
۶. همان، م ۸۲۲.
۷. همان، م ۷۹۹ و ۸۰۰.
۸. همان، م ۸۲۷.

ج: در هر شبانه‌روز حداقل یک بار لباس را آب بکشد.  
این حکم مربوط به لباس زن است و نسبت به نجاست بدن جاری نیست.  
بنابراین اگر بدنش نجس شود، باید تطهیر کند.<sup>۱</sup>

### چند مسئله

- ۱- اگر لباسهای کوچک نمازگزار - مثل دستکش و جوراب - نجس باشد، یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام گوشت نباشد، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>
- ۲- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها، و استعمال بوی خوش و در دست کردن انگشتری عقیق در نماز مستحب است.<sup>۳</sup>
- ۳- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.<sup>۴</sup>

### مکان نمازگزار

- ۱- مکان نمازگزار باید مباح باشد؛ یعنی از آن خود نمازگزار باشد، یا اگر ملک شخص دیگری است، با اجازه و رضایت صاحبش باشد. رعایت این شرط رعایت حقوق دیگران است.<sup>۵</sup>
- ۲- جایی که پیشانی را در هنگام سجده بر آن قرار می‌دهد، باید پاک باشد.<sup>۶</sup>
- ۳- در سجده، جای پیشانی، زانوها و نوک انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته،

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۰۵، الخامس.  
۲. توضیح المسائل، م ۸۶۱.  
۳. همان، م ۸۶۴.  
۴. همان، م ۸۶۵.  
۵. همان، مکان نمازگزار.  
۶. همان، مکان نمازگزار.

در این موارد نماز خواندن با بدن یا لباس نجس باطل است:

- عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.
- در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسئله، با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.<sup>۱</sup>
- نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.<sup>۲</sup>
- در این موارد، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است:
  - ندانند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.<sup>۳</sup>
  - به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.
  - لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است، ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم<sup>۴</sup> است.
  - ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.<sup>۵</sup>
  - و خانمی که کودکی را شیر می‌دهد، با شرایط زیر می‌تواند با لباس نجس نماز بخواند:
 

**الف:** فقط یک دست لباس داشته باشد؛ یا اگر لباس دیگری دارد، ناچار باشد که همه را بپوشد.

**ب:** شستن پی در پی لباس و نماز خواندن با لباس پاک برای او مشقت داشته باشد.

۱. توضیح المسائل، م ۸۰۰.  
۲. همان، م ۸۰۲.  
۳. یک درهم، تقریباً به اندازه یک سکه دو ریالی است.  
۴. توضیح المسائل، م ۸۴۸.  
۵. همان، م ۸۰۳.

- ۹- ساختن مسجد و تعمیر آن مستحب است.<sup>۱</sup>
- ۱۰- مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از وزن نگیرد و به او وزن ندهد.<sup>۲</sup>

### قبله

خانه کعبه که در شهر مکه و در مسجدالحرام قرار دارد، «قبله» است و مسلمانان باید رو به آن نماز بخوانند. کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگوید رو به قبله نماز می خواند، کافی است.<sup>۳</sup>

رو به قبله نماز خواندن، گرامی داشت خاطرۀ حضرت ابراهیم و اسماعیل (بنیانگذاران خانۀ توحید) و نمونه ای زیبا از جهت گیری خدایی عبادت است.

این امر اختصاص به نماز ندارد؛ بلکه ذبح حیوان هم باید به سوی این خانه باشد، تا کیزه و حلال گردد، و خوب است که خواب و خوراک انسان نیز به سوی قبله انجام شود، و در پایان زندگی، آنگاه که بدن را به خاک می سپارند باید رو به قبله بگذارند.

مسلمانان تا سال دوم پس از هجرت، رو به سوی مسجدالاقصی نماز می گزارند و آنگاه که یهودیان به آنان زخم زبان زدند که مسلمانان قبله ندارند و به سوی قبله ما نماز می خوانند، برای حفظ استقلال مسلمانان، از سوی خداوند دستور آمد که از این پس به سوی کعبه نماز بخوانید.

### واجبات نماز

- ۱- نماز با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود و با سلام به پایان می رسد.

۱. همان، م ۸۹۷.

۲. توضیح المسائل، م ۹۱۱.  
۳. همان، م ۷۷۶.

- ۱- پست و بلند نباشد؛ یعنی بر زمین هموار نماز بخواند.
- ۲- بهترین مکان برای نماز خواندن «مسجد» است.

### احکام مسجد

- ۱- برای همسایه مسجد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.<sup>۳</sup>
- ۲- زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن مستحب است.<sup>۴</sup>
- ۳- تمیز کردن مسجد ثواب بسیار دارد و نجس کردن آن حرام است و تطهیر آن واجب.<sup>۵</sup>
- ۴- وقتی انسان به مسجد می رود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند.<sup>۶</sup>
- ۵- محل عبور قرار دادن مسجد (بدون آنکه در آن نماز بخوانند) مکروه است.
- ۶- خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسها برای رفتن به مسجد مستحب است.<sup>۸</sup>
- ۷- نماز خواندن در مسجدی که نمازخوان ندارد (غریب است) ثواب بیشتری دارد.<sup>۹</sup>
- ۸- مستحب است انسان با وضو به مسجد برود؛ هر چند نمی خواهد نماز بخواند.<sup>۱۰</sup>

۱. العروة الوثقی، مکان نمازگزار، م ۸۹۳.  
۲. توضیح المسائل، م ۸۹۳.  
۳. همان، م ۸۹۶.  
۴. همان، م ۹۱۲.  
۵. همان.  
۶. همان، م ۹۱۳.  
۷. العروة الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فی بعض احکام المسجد.  
۸. توضیح المسائل، م ۹۱۲.  
۹. همان، م ۸۹۶.  
۱۰. همان، مکان نمازگزار، م ۳۲۲.

- ۲- به زبان آوردن نیت لازم نیست؛ ولی چنانچه به زبان هم بگوید، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>
- ۳- نماز باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به جا آورد، و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است.<sup>۲</sup>

### تکبیرة الاحرام

گفته شد که نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می‌شود و به آن «تکبیرة الاحرام» می‌گویند؛ چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

### واجبات تکبیرة الاحرام

۱. به عربی صحیح گفته شود.
۲. هنگام گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» بدن آرام باشد.
۳. تکبیرة الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد، خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته بگوید.
۴. بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند، وصل نکند.<sup>۴</sup>

### قیام (ایستادن)

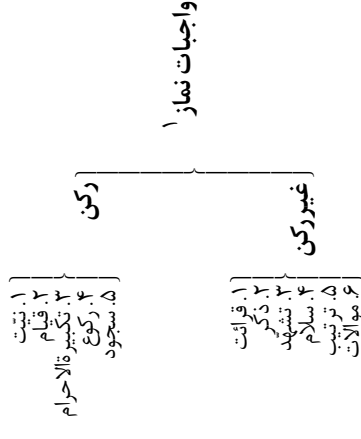
۱. واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن، مقداری ایستند تا یقین

۱. توضیح المسائل، م ۹۴۳. ۲. همان، م ۹۴۷ - ۹۴۶.

۳. آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی، احتیاط مستحب است.

۴. توضیح المسائل، م ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۲.

- ۲- آنچه در نماز انجام می‌شود، یا واجب است، یا مستحب.
- ۳- واجبات نماز، یازده تاست که برخی رکن و برخی غیر رکن است.



### فرق بین رکن و غیر رکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌رود و اگر یکی از آنها به جا آورده نشود، یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

گرچه انجام واجبات دیگر لازم است، ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود، نماز باطل نیست.<sup>۲</sup>

### احکام واجبات نماز

#### نیت

۱- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل، واجبات نماز.

۲. همان، م ۹۴۲.

۳. همان، واجبات نماز.



خوانده شود؛ یعنی سه بار این ذکرها را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

و اگر یک مرتبه هم بخواند، کافی است.<sup>۱</sup>

۲. در رکعت سوّم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود؛ ولی

حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوّم نماز به این شرح است:<sup>۲</sup>

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن	باید آهسته بخوانند
صبح، مغرب و عشاء	مرد و زن	باید بلند بخواند اگر نامحرم صدای او را نمی شنود، می تواند بلند بخواند و اگر می شنود، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند. <sup>۳</sup>

۴. اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید

آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا

ندانستن مسئله باشد، صحیح است.<sup>۳</sup>

۵. اگر در نماز، یکی از چهار سوره را<sup>۴</sup> که آیه سجده دارد، عمداً بخواند، نمازش

۱. آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که سه مرتبه تبه بگوید.

۲. همان، م، ۹۹۲ تا ۹۹۴ و ۱۰۰۷.

۳. به فتوای حضرت آیه الله خامنه ای (دامت برکاته) در نماز صبح و مغرب و عشاء، اگر نامحرم صدای زن نمازگزار را می شنود، بهتر است آهسته بخواند. (راهنمای فتاوا، ص ۵۹).

۴. توضیح المسائل، م، ۹۹۵. سوره های سجده دار در ص ۳۹ گذشت.

کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.<sup>۱</sup>

۲. قیام پیش از رکوع که به آن قیام متصل به رکوع گفته می شود، از رکان نماز

است و بدان معنی است که نمازگزار از حالت ایستاده به رکوع برود. بنابراین، اگر رکوع

را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده رود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید،

باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع رود و پس از آن، سجده ها را به جا آورد.<sup>۲</sup>

۳. نمازگزار در حال تکبیرة الاحرام و قرائت، نباید بدن را حرکت دهد، یا به چیزی

تکیه کند، یا پاها را زیاد باز بگذارد.<sup>۳</sup>

۴. نمازگزار باید موقع ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد؛ ولی لازم نیست

سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۵. کسی که به هیچ وجه نتواند ایستاده نماز بگذارد، باید نشسته و رو به قبله نماز

بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید به حالت خوابیده به جا آورد.<sup>۵</sup>

۶. واجب است بعد از رکوع، به طور کامل بایستد و سپس به سجده رود و چنانچه

این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.<sup>۶</sup>

## قرائت

۱- نمازگزار باید در رکعت اول و دوّم نمازهای واجب شبانه روزی، سوره حمد و

یک سوره کامل دیگر از قرآن را بخواند.<sup>۷</sup>

۲- در رکعت سوّم و چهارم نماز، باید سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه

۱. توضیح المسائل، م، ۹۵۹.

۲. همان، م، ۹۶۱ و ۹۶۳ و ۹۶۴.

۳. همان، م، ۹۷۰ و ۹۷۱.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۲، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۵، الزیج.

۵. توضیح المسائل، م، ۹۷۸.

ذکر رکوع را بگویند، نمازش باطل است.<sup>۱</sup>

۳. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل

است.<sup>۲</sup>

۴. بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت، به

سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود،

نمازش باطل است.<sup>۳</sup>

### وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول رکوع رود

۱. کسی که نمی تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند

و اگر موقعی هم که تکیه داده، نتواند به طور معمول رکوع کند، به هر اندازه که

می تواند، برای رکوع خم شود.<sup>۴</sup>

۲. کسی که اصلاً نتواند برای رکوع خم شود، باید موقع رکوع بنشیند و نشسته

رکوع کند.

۳. کسی که حتی نمی تواند نشسته رکوع کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای

رکوع، با سر اشاره کند.<sup>۵</sup>

### سجده

۱. نماز گزار باید در هر رکعت از نماز، بعد از رکوع دو سجده به جا آورد.

۲. سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پا

۲. همان، م ۱۰۳۳.

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۳۲.

۳. همان، م ۱۰۴۰.

۴. آیه الله صافی: در این صورت احتیاط واجب است نماز را دوباره بخواند و رکوع آن را نشسته به جا آورد.

۵. توضیح المسائل، م ۱۰۳۷.

باطل است.<sup>۱</sup>

۶. اگر هنگام خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، مثلاً می بایست

بلند می خواند، ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره

بخواند.<sup>۲</sup>

۷. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.<sup>۳</sup>

## ذکر

یکی از واجبات نماز، گفتن ذکر در رکوع و سجده است که تفصیل آن خواهد آمد.

## رکوع

۱. در هر رکعت از نماز، پس از قرائت، نماز گزار باید به اندازه ای خم شود که بتواند

دست را به زانوها بگذارد، این عمل را رکوع می گویند.<sup>۵</sup>

۲. در رکوع، هر ذکر گفته شود، کافی است؛ مثلاً سبحان الله یا الحمد لله یا الله

اکبر، ولی احتیاط واجب آن است که مقدار آن سه مرتبه سبحان الله یا یک مرتبه

سبحان رتی العظیم و بجمده کمتر نباشد.<sup>۶ و ۷</sup>

۱. در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.<sup>۸</sup>

۲. اگر نماز گزار پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً

۲. همان.

۱. توضیح المسائل، م ۹۸۳.

۳. همان، م ۱۰۰۶.

۴. آیات عظام: خامنه ای، فاضل، مکارم: احتیاط واجب آن است که کف دستها را به زانوها بگذارد.

۵. توضیح المسائل، م ۱۰۲۲.

۶. آیه الله مکارم: ذکر رکوع بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان رتی

العظیم و بجمده» است.

۸. همان.

۱۱- احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.<sup>۱</sup>

۱۲- در سجده باید پیشانی را بر زمین، یا آنچه از زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نیست، قرار دهد.<sup>۲</sup>

۱۳- نمونه‌هایی از چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

\* خاک \* سنگ \* گل پخته \* گچ \* چوب \* چمن

۱۴- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.<sup>۳</sup>

۱۵- سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.<sup>۴</sup>

۱۶- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و بعد از

آن بدین ترتیب:

\* خاک

\* سنگ

\* گیاه<sup>۶</sup>

۱۷- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبید، باید برای سجده دوم مهر را از

پیشانی بردارد و بعد به سجده رود،<sup>۷</sup> و اگر بدون اینکه مهر را بردارد، دوباره به سجده رود، نماز باطل است.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۵۷.
۲. همان، م ۱۰۷۶.
۳. همان، م ۱۰۷۸.
۴. آیة‌الله بهجت، آیة‌الله صافی: بنا بر احتیاط واجب، بر کاغذی که از پنبه درست شده، سجده نکنند.
۵. همان، م ۱۰۸۲.
۶. همان، م ۱۰۸۳.
۷. آیة‌الله فاضل: اگر مهر را بردارد و مجدداً به سجده رود، اشکال ندارد و دو سجده حساب می‌شود؛ ولی بهتر است مهر را از پیشانی جدا کند.
۸. توضیح المسائل، م ۱۰۸۶.

(شست) را بر زمین بگذارد.<sup>۱</sup>

۳- در حال سجده باید ذکر بگوید و احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه

مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** و **بحمده** کمتر نباشد.<sup>۲</sup>

۴- در سجده باید به مقدار گفتن ذکر واجب، بدن آرام باشد.<sup>۳</sup>

۵- اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز

باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را

بگوید.<sup>۴</sup>

۶- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به

سجده رود.<sup>۵</sup>

۷- اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.<sup>۶</sup>

۸- اگر هنگامی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین

بردارد، نماز باطل می‌شود؛ ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از

پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.<sup>۸</sup>

۹- اگر همراه با شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، مانع ندارد.<sup>۹</sup>

۱۰- جای پیشانی نمازگزار نباید بیش از چهار انگشت از جای زانوهایش، پست‌تر

یا بلندتر باشد.<sup>۱۰</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۵.
۲. همان، م ۱۰۴۹.
۳. همان، م ۱۰۵۰.
۴. همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲.
۵. همان، م ۱۰۵۶.
۶. همان، م ۱۰۵۲.
۷. آیة‌الله صافی: احتیاط لازم آن است که بعد از آرام گرفتن همه اعضا، دوباره ذکر واجب را بگوید و نماز را تمام کند و اعاده نماید.
۸. آیة‌الله تبریزی: باید ذکر را دوباره بعد از گذاشتن تمام اعضا تکرار و بعد نماز را اعاده کند.
۹. توضیح المسائل، م ۱۰۵۴.
۱۰. توضیح المسائل، ج ۱، ص ۱۷۳، م ۱۰۱۷۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۶، م ۷.

شخصی در حال خواندن آن آیه باشد و این وسیله صدای او برساند - واجب است سجده کند.<sup>۱</sup>

۵- برای سجده واجب قرآن، کافی است به سجده رود و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد، و رو به قبله بودن و گفتن ذکر لازم نیست؛ اما مستحب است ذکر بگوید و هر ذکر بگوید، اشکال ندارد، و بهتر است بگوید: «لا اله الا الله حقاً حقاً، لا اله الا الله ايماناً و تصديقاً، لا اله الا الله عبودية و رقاً، سجدة لك يا رب تعبداً و رقاً لا مُستكبراً و لا مُستكبراً، بل أنا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير».<sup>۲</sup>

## مستحبات نماز

تاکنون واجبات نماز و احکام آنها گفته شد. در این بخش، برخی از مستحبات و به دنبال آن مبطلات و مکروهات نماز را یادآور می‌شویم:

## تکبیرة الاحرام

مستحب است نمازگزار هنگام گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.<sup>۳</sup>

## قرائت

در حال قرائت، این کارها مستحب است:

- ۱- در رکعت اول، پیش از حمد بگوید: «عُودِ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
- ۲- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.

۱. همان، م ۱۰۹۶ و ۱۰۹۹.

۲. همان، م ۹۵۵.

۱۸- سجده برای غیر خداوند حرام است.<sup>۱</sup>

## وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول سجده کند

- ۱- کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند، خم شود و مهر را بر جای بلندی - مثل بالش - بگذارد و سجده کند؛ ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر نمی تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند؛ ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.<sup>۳</sup>

## سجده واجب قرآن

- ۱- در چهار سوره قرآن، آیه سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند، یا وقتی که دیگری آن را می خواند، به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوری سجده کند.<sup>۴</sup>

- ۲- چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد، باید سجده کند.<sup>۵</sup>
- ۳- اگر آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست<sup>۶</sup> سجده کند.<sup>۷</sup>
- ۴- اگر آیه سجده را از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون بشنود، چنانچه صدای انسان را می‌رساند و از نوار استفاده نمی‌شود - یعنی همان وقت که صدا پخش می‌شود،

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۹۰.

۲. همان، م ۱۰۶۸.

۳. همان، م ۱۰۶۹.

۴. آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: اگر به تلاوت دیگری گوش ندهد، بلکه آیه سجده به گوش بخورد، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

۵. همان، م ۱۰۹۳.

۶. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

۷. توضیح المسائل، م ۱۰۹۶.

۸. آیه الله فاضل: باید سجده کند.

- بعد از رکوع و قبل از سجده.
- پس از سجده اول، در حالی که نشست و بدنش آرام گرفت.
- پیش از سجده دوم، در حالی که نشسته و بدنش آرام است.
- بعد از سجده دوم.<sup>۱</sup>

### قنوت نماز

- ۱- مستحب است در رکعت دوم نماز بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.<sup>۲</sup>
  - ۲- در قنوت هر ذکر بگوید، اگرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند:
- «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>۳</sup>

### تعقیب نماز

- تعقیب (در بحث نماز) یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.
- ۱- بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.
  - ۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند، بخواند.
  - ۳- گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) - یعنی: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» - در تعقیب نماز مستحب است.<sup>۴</sup>

۱. همان، م ۱۱۷.

۲. همان، م ۱۱۲.

۳. همان، م ۱۱۸.

AHKAM4-4-37173

- ۲- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.
- ۴- در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.
- ۵- در تمام نمازها، در رکعت اول سوره قدر (آتَا أَنْزَلْنَاهُ...<sup>۱</sup>) و در رکعت دوم، سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را بخواند.<sup>۱</sup>

### رکوع

- برخی از مستحبات رکوع بدین شرح است:
- ۱- ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت یا هفت یا بیشتر بگوید.
  - ۲- پیش از رفتن به رکوع، در حالی که ایستاده است، تکبیر بگوید.
  - ۳- پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن، صلوات بفرستد.
  - ۴- در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
  - ۵- پس از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت، بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».<sup>۲</sup>

### سجده

- ۱- طول دادن سجده‌ها مستحب است.
- ۲- صلوات فرستادن در سجده‌ها مستحب است.
- ۳- پس از سجده اول، وقتی بدن آرام گرفت، گفتن «استغفر الله ربی و اتوب الیه» مستحب است.
- ۴- و در این موارد، مستحب است تکبیر بگوید:

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸. ۲. همان، م ۱۰۴۳.

AHKAM4-4-37173

۳- در نماز نباید به کسی سلام کرد؛ ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد، و باید سلام را مقدم بدارد؛<sup>۱</sup> مثلاً بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ» یا «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» و نباید «عَلَیْكُمْ السَّلَام» بگوید.<sup>۲</sup>

### خندیدن و گریستن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است.
- ۲- لیخند زدن نماز را باطل نمی کند.
- ۳- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، نمازش باطل است.
- ۴- گریه بدون صدا<sup>۳</sup> و گریه از ترس خدا یا برای آخرت، هر چند با صدا باشد، نماز را باطل نمی کند.<sup>۴</sup>

### روی از قبله برگرداندن

- ۱- اگر عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند؛ به طوری که نگویند رو به قبله است؛<sup>۵</sup> نمازش باطل است.

---

۱. آیات عظام: سیستانی، مکارم، بهجت: باید همان طور که او سلام کرده، جواب بدهد؛ مثلاً اگر گفت: سلام علیکم، در جواب او بگوید: «سلام علیکم».

آیه الله صافی: باید همان طور که او سلام کرده، جواب بدهد؛ مثلاً اگر گفت: «سلام علیکم» در جواب او بگوید: «سلام علیکم» ولی در جواب «علیکم السلام» باید بگوید: «سلام علیکم».

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب، باید همان طور که او سلام کرده، جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم»؛ ولی در جواب «علیکم السلام» هر طور که بخواهد، می تواند بگوید.

۲. همان، م ۱۱۳۷.

۳. آیات عظام: فاضل، صافی، تبریزی، سیستانی: احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی صدا هم گریه نکند.

۴. توضیح المسائل، ص ۱۵۶، هفتم و هشتم از مبطلات نماز.

۵. آیه الله بهجت: اگر فقط با صورت به طرف راست یا چپ توجه کند، نمازش باطل نمی شود. و اگر ←

### مبطلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیر اولاً حرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد، نمازش باطل است. مهم ترین آنها عبارتند از:

- سخن گفتن.
- خندیدن.
- گریستن.
- روی از قبله برگرداندن.
- خوردن و آشامیدن.
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز.
- بر هم زدن صورت نماز.<sup>۱</sup>
- دستها را روی هم گذاشتن، مثل برخی از غیر شیعیان.
- گفتن «آمین» بعد از سوره حمد.

### احکام مبطلات نماز

#### سخن گفتن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً کلمه ای بگوید و بخواهد با آن معنایی را برساند، نمازش باطل است.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر نمازگزار سهواً سخنی بگوید، نمازش باطل نیست؛ ولی پس از نماز باید سجده سهو<sup>۳</sup> به جا آورد.<sup>۴</sup>

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. برای به جا آوردن سجده سهو باید پس از سلام نماز فوراً به سجده رفته و بگوید: بسم الله و بالله، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و پس از آن، یک سجده دیگر به همین صورت به جا آورد پس از تشهد بخواند و سلام آخر را بگوید.

۴. توضیح المسائل.

- حفظ مال

- جلوگیری از ضرر مالی و بدنی

۴- شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.<sup>۱</sup>

## مکروهات نماز

چیزهایی که در نماز مکروه است:

۱- بر هم گذاشتن چشمها.

۲- بازی کردن با انگشتان و دستها.

۳- سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف

کسی.

۴- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

۵- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را

باطل می کند).<sup>۲</sup>

## نماز جماعت

یکی از مراسم پرشکوه و با عظمت اسلامی، «نماز جماعت» است.

نماز جماعت تجلی وحدت مسلمانان و تشکل آنان در هر صبح و شام است. در

روایات اسلامی برای شرکت در نماز جماعت، ثواب بسیاری شمرده شده است، تا

جایی که اگر تعداد نمازگزاران، بیش از ده نفر باشد، ثواب آن قابل شمارش نیست.

در احکام اسلامی نیز به مسائل بسیاری برمی خوریم که حکایت از اهمیت بسیار

زیاد نماز جماعت دارد و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۶۰. ۲. همان، م ۱۱۵۷.

۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند،<sup>۱</sup> احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.<sup>۲</sup>

## بر هم زدن صورت نماز

۱- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند - مثل دست زدن، به هوا

پریدن - هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.<sup>۳</sup>

۲- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که بگویند نماز نمی خواند، نمازش باطل

می شود.<sup>۴</sup>

۳- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است، مگر در حال ناچاری؛

مانند این موارد:

- حفظ جان

→ عمداً با تمام بدن به راست یا چپ یا فقط با صورت به پشت سر توجه نماید، نمازش باطل است و در صورت دوم، اگر سهواً هم باشد، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

آیه الله فاضل: اگر عمداً یا سهواً سر را به قدری برگرداند که نتواند پشت سر را ببیند، نماز باطل است؛ ولی اگر سر را کمی برگرداند، عمداً باشد یا سهواً، نمازش باطل نمی شود.

آیه الله مکارم: هر گاه عمداً یا سهواً صورت را به تنهایی کاملاً به طرف راست یا چپ برگرداند، نماز باطل واجب است؛ ولی اگر صورت را کمی برگرداند، به طوری که از قبله خارج نشود، نماز

باطل نمی شود.

۱. آیه الله صافی: اگر عمداً سر را به پشت قبله برگرداند، نمازش باطل است و اگر سهواً سر را به این مقدار برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند ولی اگر سر را به طرف راست یا چپ برگرداند - عمداً باشد یا سهواً - نمازش باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر صورت خود را فقط از قبله برگرداند، ولی بدنش به طرف قبله باشد، چنانچه به حدی گردن را کج کند که نتواند مقداری از پشت سرش را ببیند، حکم او همان برگشتن از قبله است که اگر

عمدی باشد، نمازش باطل است.

۳. همان، ص ۱۵۶، پنجم از میطلات نماز. ۴. همان، م ۱۱۵۲.

جماعت» و دیگری «مأموم» است.<sup>۱</sup>

۳- در رکعت اول و دوم نماز، وقتی که امام جماعت حمد و سوره را می‌خواند، بر

دیگران لازم نیست حمد و سوره را بخوانند؛ بلکه به قرائت امام گوش فرا می‌دهند؛

ولی بقیه اعمال نماز را باید انجام دهند.<sup>۲</sup>

۴- مأموم نباید پیش از امام نماز را شروع کند و کارهای نماز -مانند رکوع و سجده -

را هم نباید جلوتر از او انجام دهد.<sup>۳</sup>

۵- مأموم نباید جلوتر از امام جماعت بایستد، و احتیاط واجب آن است که کمی

عقب‌تر بایستد.<sup>۴</sup>

۶- فاصله میان امام و مأموم و صفها نباید زیاد باشد.<sup>۵</sup>

۷- اگر برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته باشند، خواندن آنها برای مأموم

مستحب نیست.<sup>۶</sup>

۸- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیه

را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین، اگر امام نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند نماز

ظهر را به او اقتدا کند.<sup>۷</sup>

## نماز جمعه

از نمازهایی که باید به جماعت خوانده شود و به تنهایی نمی‌توان خواند، نماز

بسیار با عظمت جمعه است.

نماز جمعه، زیباترین گردهمایی هفتگی مسلمانان و عالی‌ترین عبادت سیاسی

۱. العروة الوثقی، ج ۱، م ۷۶۶، ص ۸.

۲. توضیح المسائل، م ۱۴۶۱، ص ۷۷۷.

۳. همان، م ۱۴۶۷ تا ۱۴۷۰، ص ۷۷۷.

۴. توضیح المسائل، م ۹۲۳، ص ۹۲۳.

۵. همان، م ۱۴۰۸، ص ۱۴۰۸.

۱- شرکت در نماز جماعت برای همه کس مستحب است؛ به خصوص برای همسایه مسجد.

۲- سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۳- شرکت نکردن در نماز جماعت، از روی بی‌اعتنایی جایز نیست.

۴- مستحب است که انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۵- نماز جماعت، از نماز اول وقت، که به تنهایی خوانده می‌شود، برتر است، هر

چند نماز جماعت اول وقت خوانده نشود.

۶- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز طولانی که به جماعت

نیست، بهتر است.

۷- وقتی که جماعت بر می‌شود، کسی که نمازش را به تنهایی خوانده، مستحب است

دوباره به جماعت بخواند.<sup>۱</sup>

با توجه به مسائلی که بیان شد، به اهمیت نماز جماعت پی می‌بریم.

پس بکوشیم تا از این اجتماع هر روز مسلمانان جدا نمانیم و از ثواب بسیار آن

محروم نشویم.

اکنون برای آشنایی با چگونگی برگزاری نماز جماعت، به برخی از مسائل آن

اشاره می‌کنیم:

## احکام نماز جماعت

۱- در نماز جماعت، یک نفر با تقوا، که نماز را به طور صحیح می‌خواند، به عنوان

امام جماعت، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و قبل از دیگران نماز را آغاز کرده و

دیگران از او پیروی می‌کنند.

۲- کمترین افراد برای تشکیل نماز جماعت، دو نفر می‌باشند که یک نفر امام

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، ص ۱۴۰۲.



شکر کت کنندگان باید به خطبه‌ها گوش دهند و سخن گفتن در این هنگام مکروه است؛ بلکه اگر به سبب سخن گفتن نتوانند به خطبه‌ها گوش دهند، سکوت لازم است. پس باید توجه داشت که هنگام ایراد خطبه‌ها، خواندن نماز مستحبی، مطالعه کردن کتاب و روزنامه و مشغول شدن به کارهایی که مانع گوش دادن به خطبه‌ها باشد، خلاف است.<sup>۱</sup>

۵- اگر نمازگزار به خطبه اول نماز یا هیچ کدام از آنها نرسید، باز هم شریک در نماز جمعه فضیلت دارد و جایگزین نماز ظهر می‌باشد.

### نماز مسافر

انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته - یعنی دو رکعتی - به جا آورد؛ به شرط آنکه مسافرتش از هشت فرسخ شرعی، که حدود ۴۵ کیلومتر است، کمتر نباشد و از آنجا که سفر را آغاز کرده، به اندازه‌ای دور شود که دیوارهای آنجا را نبیند<sup>۲</sup> و اذان آنجا را نشنود؛ ولی اگر پیش از آن بخواهد نماز بخواند، نمازش تمام است.<sup>۳</sup>

### در این موارد نماز در سفر تمام است

- ۱- قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود بگذرد و یا در جایی ده روز بماند.
- ۲- از اول قصد نداشته به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را

۱. تحریر الوسیله، ص ۲۳۵، م ۱۴.  
 ۲. آیة الله سیستانی، آیة الله تبریزی: به قدری دور شود که اهل شهر، مسافر را نبینند و نشانه آن این است که او اهل شهر را نبیند، و این مسئله مربوط به وطن است؛ ولی در غیر وطن، همین که از محل اقامت خارج شد، نماز شکسته است.  
 آیة الله مکارم: از وطن یا محل اقامتش به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و مردم شهر او را نبینند، اما دین و ندیدن دیوارهای شهر اثری ندارد.  
 ۳. به نماز چهار رکعتی، نماز تمام گفته می‌شود؛ در مقابل نماز دو رکعتی که شکسته گفته می‌شود.  
 ۴. توضیح المسائل، ص ۱۷۳، نماز مسافر.

هر هفته خدا پرستان است.

در این نماز، امام جمعه نمازگزاران را به تقوا و پاکدامنی توصیه می‌کند و آنها را از مسائل سیاسی و اقتصادی جهان اسلام آگاه می‌سازد.

حضرت امام خمینی علیه السلام درباره اهمیت این اجتماع باشکوه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، از مراسم بزرگ مسلمانان است؛ مانند مراسم

حج، افسوس که مسلمانان از وظایف مهم سیاسی - اسلامی خود در این مراسم غفلت کرده‌اند.

اسلام با تمام آموزش، دین سیاست است و این مطلب برای هر کس که آگاهی کمی از احکام حکومتی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام داشته باشد، آشکار است، و هر کس گمان کند که دین از سیاست جداست، فرد نادانی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را»<sup>۱</sup>

### احکام نماز جمعه

- ۱- نماز جمعه دو رکعت است (مانند نماز صبح)؛ اما دو قنوت مستحبی دارد؛ یکی در رکعت اول قبل از رکوع و دیگر در رکعت دوم پس از رکوع.
- ۲- نماز جمعه به جای نماز ظهر<sup>۲</sup> خوانده می‌شود.
- ۳- خواندن دو خطبه توسط امام جمعه، قبل از نماز واجب است.<sup>۳</sup>
- ۴- وقتی که امام جمعه مشغول ایراد خطبه‌های نماز جمعه است،

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴، مسئله ۹.  
 ۲. آیة الله صافی: احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را هم بخواند.  
 ۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱.

- در جایی که انسان می خواهد بماند یا قصد ندارد حداثاً ده روز بماند.  
- در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می ماند یا می رود، و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.<sup>۱</sup>

## وطن کجاست؟

۱- وطن، شهر یا روستایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود برگزیده است؛ چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، چه خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد.<sup>۲</sup>  
۲- تا انسان قصد ماندنِ همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد،<sup>۳</sup> آنجا وطن او حساب نمی شود.<sup>۴</sup>  
۳- اگر کسی قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست، مدتی بماند و بعد به

۱. توضیح المسائل، شرط چهارم و مسائل ۱۳۲۸ و ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.  
۲. همان، م ۱۳۲۹.

۳. آیه الله مکارم: هر گاه انسان جایی را برای «محل اقامت» خود انتخاب کند، به طوری که وقتی در آنجاست او را مسافر نمی گویند، خواه قصد اقامت دائم داشته باشد، خواه موقت - مثلاً می خواهد چند سال در آنجا بماند - این محل در حکم وطن می باشد؛ و همین گونه است حال مأموران ادارات که ممکن است هر چند سال در محلی باشند و آنجا حکم وطنشان را دارد.

آیه الله صافی، آیه الله تبریزی: جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آنجا محدود به مقدار معین نکرده و مثل کسی که آنجا وطن اوست، در آنجا زندگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آید دوباره به همان جا برمی گردد، اگرچه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند، در حکم وطن او حساب می شود.

آیه الله سیستانی: جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده، هر چند قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند، اگر طوری باشد که عرف او را در آنجا مسافر نمی گویند به طوری که اگر موقتاً ده روز یا بیشتر جای دیگری را محل زندگی خود قرار دهد، باز هم محل زندگی اش را جای اول می گویند، آنجا برای او حکم وطن را دارد.

۴. توضیح المسائل، م ۱۳۳۱.

پیموده است؛ مانند کسی که به دنبال گم شده ای می گردد.

۳- در میان راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.

۴- کسی که شغل او مسافرت است،<sup>۱</sup> مثل راننده قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست).

۵- کسی که به سفر حرام می رود، مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای آوردن کالای قاچاق.<sup>۲</sup>

۶- به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی، کسانی که شغلشان در سفر است یا برای کارشان، حداثاً در کمتر از ده روز به محل کار سفر می کنند، مانند کسانی هستند که شغلشان مسافرت است؛ یعنی باید نمازهای چهار رکعتی را در این گونه سفرها تمام بخوانند و روزشان صحیح است؛ مانند معلمانی که برای تدریس، یا کارمندانی که برای انجام وظیفه، یا کارگرانی که برای کار، مثلاً هر هفته یک بار به محل کارشان می روند و برمی گردند، که نمازشان در سفر برای شغل، تمام است؛ ولی سفر برای تحصیل، حکم سفر برای شغل را ندارد؛ مگر آنکه تحصیل کار و شغل او باشد.<sup>۳</sup>

## در این مکانها نماز تمام است:

- در وطن.

۱. آیات عظام: بهجت، تبریزی، مکارم؛ کسی که مقدمات شغلش سفر است - یعنی برای کارش مسافرت زیاد می رود - نماز او در این گونه سفرها تمام است.

آیه الله سیستانی: کسی که زیاد مسافرت می رود، هر چند کار او متوقف بر سفر نباشد، و برای تفریح یا سیاحت باشد - مانند کسی که سه روز در هفته در مسافرت باشد - باید نماز را در سفر تمام بخواند.

۲. همان، نماز مسافر.

۳. أجوبة الاستفتاء، ج ۱، ص ۱۹۰، س ۶۵۴؛ راهنمای فتاوا، صص ۷۱ و ۷۳.

فوراً آن را به جا آورد.<sup>۱</sup>

۳- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند؛ خواه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و

لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند؛<sup>۲</sup> مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر

امام بخواند، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

۴- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء از او قضا شود،

باید آن را دور کعتی به جا آورد؛ اگرچه در غیر سفر بخواد قضای آن را به جا آورد.<sup>۴</sup>

۵- در سفر نمی‌توان روزه گرفت؛ حتی روزه قضا؛ ولی نماز قضا می‌توان به جا

آورد.<sup>۵</sup>

۶- اگر شخصی در سفر بخواد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، به جا آورد،

باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.<sup>۶</sup>

۷- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان به جا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می‌توان

ظهر یا شب خواند.<sup>۷</sup>

## نماز قضای پدر

۱- تا انسان زنده است، اگرچه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگر

نمی‌تواند نمازهای او را برایش بخواند.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۷۲.

۲. آیة الله مکارم: احتیاط این است که هر دو یک نماز را بخوانند؛ مثلاً قضای نماز ظهر را با نماز ظهر

بخواند و نماز قضای عصر را با نماز عصر.

۳. همان، م ۱۳۶۸.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۴، م ۵، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۵. توضیح المسائل، م ۱۳۶۸.

۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۳، م ۱، و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۸. توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل، یا کارمندی که برای کار، چند سالی در شهری می‌ماند.<sup>۱</sup>

۴- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی، در جایی آن قدر بماند که مردم او را

اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.<sup>۲</sup>

۵- اگر شخصی به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر

کرده است و قصد ندارد دوباره برای زندگی به آنجا برگردد، نباید نماز را تمام بخواند،

گرچه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.<sup>۳</sup>

۶- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان

را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.<sup>۴</sup>

## نماز قضا

به نمازی که در وقت معین آن خوانده شود، «نماز اداء» گویند.

نمازی را که بعد از وقت خوانده می‌شود، «نماز قضا» گویند.

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او

قضا نشود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم به جا آورد.

۱- در دو مورد به جا آوردن قضای نماز واجب است:

الف) نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.

ب) بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.<sup>۵</sup>

۲- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند؛ ولی واجب نیست

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۳۰.

۲. همان، م ۱۳۳۱.

۳. همان، م ۱۳۳۴.

۴. همان، م ۱۳۱۹.

۵. همان، م ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱.

خواندن حمد، قسمت دوم آن سوره را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم؛ پس از رکوع، قسمت سوم آن را می‌خوانیم و باز به رکوع می‌رویم و سپس می‌ایستیم و همچنان ادامه می‌دهیم تا رکوع پنجم، و پس از رکوع پنجم، سجده‌ها را به جا می‌آوریم. در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص»، چگونگی نماز آیات را می‌آوریم:

### رکعت اول

← رکوع. حمد و «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»

← رکوع. «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ»

← رکوع. «اللّٰهُ الصَّمَدُ»

← رکوع. «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ»

← رکوع. «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ»

و سپس سجده‌ها را به جا آورده و برای رکعت دوم برمی‌خیزیم.

### رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول به جا می‌آوریم و سپس با تشهد و سلام، نماز را

به پایان می‌بریم.<sup>۱</sup>

### نماز های مستحب

۱- نماز مستحب را «نافله» گویند.

۲- نماز های مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد؛ اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد، می‌آوریم:

۱. توضیح المسائل، م. ۱۵۰۸.

۲- پس از مرگ پدر، نماز و روزه‌هایی را که به جا نیاورده است، بر پسر بزرگ‌تر او واجب است که آن نماز و روزه‌ها را قضا کند، و احتیاطاً مستحب است که نماز و روزه‌هایی را که از مادرش قضا شده است، به جا آورد.<sup>۲</sup>

۳- اگر پسر بزرگ نداند پدرش نماز قضا دارد یا نه، چیزی بر او واجب نیست.<sup>۳</sup>

### نماز آیات

وقتی خورشید یا ماه بگیرد یا زلزله‌ای رخ دهد، نماز آیات واجب است، هر چند هیچ‌کس نترسد.

اگر حوادث دیگر طبیعی، مثلاً صاعقه شود یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، واجب است همگی رو به سوی خدا کرده و دو رکعت نماز، که نامش «آیات» است، بخوانند. گزاردن چنین نمازی، کنایه از این است که این‌گونه حوادث، نشانه‌هایی از قدرت الهی و نظم و حساب دقیق عالم طبیعی است.

خواندن این نماز، انسان را از خرافات و خیالهای بیهوده باز می‌دارد و متوجه آفریدگار هستی می‌کند و همچنین سبب آرامش دلهای و فرو نشستن ترس می‌شود.

### چگونگی نماز آیات

نماز آیات، دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد. پیش از هر رکوع، حمد و سوره خوانده می‌شود، یا سوره‌ای را پنج قسمت کرده و قسمت اول را پیش از رکوع اول، بعد از حمد می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم، سپس از رکوع برخاسته و بدون

۱. آیة‌الله صافی، آیة‌الله فاضل: احتیاط واجب آن است که پسر بزرگ‌تر، نماز و روزه قضای مادر را نیز به‌جای آورد.

آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، مکارم: نماز و روزه قضای مادر نیز بر او واجب است.

۳. همان، م. ۱۳۹۸.

و در قنوت آن، این دعا خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَلْمَسُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي ۱ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي، تَعَلَّمْ حَاجَتِي، فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي.» ۲

### نافله نمازهای روزانه

نام نماز	تعداد رکعت‌های نافله	وقت نافله
نماز صبح	۲ رکعت	قبل از نماز صبح
نماز ظهر	چهار نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر
نماز عصر	چهار نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر
نماز مغرب	دو نماز ۲ رکعتی (۴ رکعت)	پس از نماز مغرب
نماز عشاء	۲ رکعت نشسته ۴	پس از نماز عشاء ۵

هفته رکعت نماز واجب که در شبانه‌روز خوانده می‌شود، (در غیر سفر و روز جمعه) ۲۳ رکعت نافله دارد که به علاوه ۱۱ رکعت نماز شب، جمعاً ۳۴ رکعت می‌شود؛ یعنی دو برابر تعداد رکعت‌های نماز واجب.

### دو مسئله

۱- در روز جمعه، بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر چهار رکعت اضافه می‌شود؛

۱. به جای جمله «أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.
۲. توضیح المسائل، م ۷۷۵.
۳. به نافله نماز عشاء، نماز ویژه گفته می‌شود و بنا بر احتیاط واجب، باید نشسته خوانده شود.
۴. توضیح المسائل، م ۷۶۴ و ۷۷۲ و ۷۶۸.

### نماز حاجت

۱- در وقت سختی و مشکلات، برای برآوردن حاجت خواندن دو رکعت نماز به

نیت نماز حاجت مستحب است.

۲- کسی که خواستار حاجت است، پس از خواندن این دو رکعت، حمد و ثنای

الهی را به جای آورده، بر پیامبر و آل او علیهم‌السلام صلوات می‌فرستد و پس از آن، آیه آخر

سوره «حشر» و شش آیه اول سوره «حدید» و دو آیه از سوره «آل عمران»، یعنی از

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ» تا «بُغْيِرْ حِسَابَ» را می‌خواند و سپس حاجت خود را از

خداوند درخواست می‌کند. ۱

### نماز غُفیله

۱- یکی از نمازهای مستحبی، نماز «غُفیله» است که پس از نماز مغرب خوانده

می‌شود.

۲- نماز غُفیله دو رکعت است؛ در رکعت اول، پس از حمد، به جای سوره، این آیه

خوانده می‌شود:

«وَأَذِ النَّوْءِ إِذْ دَهَبَ مُغَابِصًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.» ۲

۲- انبیاء، ۸۷.

و در رکعت دوم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود.

«وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَلْمُ مَا فِي النَّبْرِ وَ الْبَيْخِرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ

إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا يَأْبِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.» ۳

۳. مفاتیح الجنان.

۳. انعام، ۵۹.

نماز شب، به ویژه نافله و تَر، آداب خاصّ و مستحبات زیادی دارد که در کتابهای مفصل فقهی و ادعیه آمده است، و اگر انسان بتواند آنها را نیز بجا آورد، ثواب بیشتری خواهد داشت.

## نماز عید

در دو عید «فطر» و «قرآن» خواندن نماز مخصوص عید، مستحبّ است.<sup>۱</sup>

## وقت نماز عید

- ۱- وقت نماز عید، از طلوع آفتاب تا ظهر است.<sup>۲</sup>
- ۲- مستحبّ است نماز عید قرآن بعد از بالا آمدن آفتاب خوانده شود.<sup>۳</sup>
- ۳- مستحبّ است روزه‌داران در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.<sup>۴</sup>

## چگونگی نماز عید

نماز عید فطر و قرآن دو رکعت است بانه قنوت و این گونه خوانده می شود:  
- در رکعت اول نماز، پس از حمد و سوره، باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر، یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

- در رکعت دوم، پس از حمد و سوره، چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر،

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۶. ۲. همان، م ۱۵۱۷. ۳. همان، م ۱۵۱۸. ۴. همان.

یعنی هر نماز ده رکعت نافله دارد.<sup>۱</sup>  
۲- نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند؛ ولی نافله عشاء را به نیت اینکه شاید مطلوب باشد، (به قصد رجاء) می توان خواند.<sup>۲</sup>

## نماز شب

یکی از نمازهای مستحبّی که ثواب بسیار زیادی دارد، نماز شب است.

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود:

- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شفع.
- یک رکعت ← به نیت نافله و تَر.<sup>۳</sup>

## وقت نماز شب

۱- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح

خوانده شود.<sup>۴</sup>

۲- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند،

می تواند آن را در اول شب به جا آورد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۷۶۴. ۲. همان، م ۷۶۷. ۳. همان، م ۷۶۵. ۴. همان، م ۷۷۳. ۵. همان، م ۷۷۴.

در بیشتر روزهای سال، روزه گرفتن مستحب است؛ ولی در ماه مبارک رمضان، واجب و در روز عید فطر و عید قربان حرام است.<sup>۱</sup>

## روزه کامل و حقیقی

گرچه با پرهیز از کارهایی که روزه را باطل می‌کند، تکلیف از عهده انسان برداشته می‌شود و روزه صحیح است، ولی روزه کامل و حقیقی، تنها به نخوردن و نیاشامیدن نیست؛ بلکه حقیقت روزه، خودداری و پرهیز است از آنچه که مورد علاقه نفس است و انسان را از خدا دور می‌کند.

## فواید روزه

روزه گرفتن فواید بی‌شماری دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

- ۱- صبر و بردباری
- ۲- فروتنی
- ۳- بی‌نیازی از دیگران و عزت نفس
- ۴- تقویت اراده
- ۵- سلامتی بدن
- ۶- تقوا و دوری از گناه
- ۷- کم‌خوری و همدردی با محرومان

## نیت روزه

۱- روزه‌داری در اسلام، اعتصاب غذا برای رسیدن به هدفهای مادی نیست؛ بلکه

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ و ۱۷۴۸.

یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگر و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.<sup>۱</sup>  
- در قنوت‌های نماز عید، خواندن هر دعا و ذکر کافی است؛ ولی بهتر است به امید ثواب، این دعا خوانده شود:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ النَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكَرَامَةً وَمَزِيداً، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلِّوْا تِلْكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».<sup>۲</sup>

## چند مسئله

- ۱- تمام نمازهای مستحبی، دور کعت است، مگر نماز وتر.
- ۲- هیچ یک از نمازهای مستحبی، اذان و اقامه ندارد.<sup>۳</sup>
- ۳- در نمازهای مستحبی، پس از حمد اگر سوره نخوانند، اشکال ندارد؛ مگر آنکه خواندن سوره یا آیه معینی در آن شرط شده باشد.<sup>۴</sup>

## روزه

روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت از فرمان خدا، از برخی کارها - که شرح آن خواهد آمد - بپرهیزد.

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۹.

۲. همان، م ۱۵۲۰.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱.

۴. توضیح المسائل، ص ۱۵۱۵، م ۱ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۵، م ۲.

۵- قی کردن.

۶- استسناء.

۷- باقی ماندن بر جنابت، یا حیض و نفاس تا اذان صبح.

۸- جماع (آمیزش).

۹- اماله کردن با چیز روان.

اکنون به بیان برخی از احکام مُبطلات روزه می‌پردازیم:

## خوردن و آشامیدن

۱- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی، چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۲- تزریق آمپول<sup>۳</sup>، اگر خوراکی نباشد - یعنی به جای غذا به کار نمی‌رود - هرچند عضو را بی‌حس کند، روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۳- به نظر حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - دامت برکاته - روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید از آمپولهای مقوی یا مغذی، یا آمپولهایی که به رگ تزریق می‌شود، و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند؛ ولی تزریق آمپول برای بی‌حس کردن و نیز دارو گذاشتن بر زخمها و جراحتها اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

۴- مسواک زدن با خمیر دندان در حال روزه، اشکال ندارد؛ ولی باید از فرو رفتن

۱. اماله = تنقیه، وارد کردن داروی مایع از طریق مخرج مدفوع به داخل بدن.

۲. همان، م ۱۵۷۵.

۳. آیه‌الله تبریزی، آیه‌الله سیستانی: تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند ولی بهتر است از تزریق آمپولی که به جای غذا به کار می‌برند خودداری کند.

۴. آیه‌الله صافی: تزریق آمپول، روزه را باطل نمی‌کند؛ ولی احتیاط مستحب است اگر لازم نباشد، تزریق نکند.

۵. راهنمای فتاوا، ص ۸۹.

این عمل، پیوندی با پروردگار جهان دارد و باید به قصد انجام دستور خداوند و با نیت خاص معنوی و به دور از هر گونه ریا و خودنمایی باشد. لازم نیست نیت روزه را بزبان آورد؛ بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم، از اذان صبح تا مغرب کارهای باطل‌کننده روزه را انجام ندهد، کافی است.<sup>۱</sup>

۲- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان، برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است در شب اول ماه، روزه همه ماه را نیت کند.<sup>۲</sup>

۳- در روزه واجب، اگر کسی به واسطه عذری<sup>۳</sup> مانند فراموشی یا سفر - نیت روزه نکرده باشد، در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند.<sup>۴</sup>

## مُبطلات روزه

به کارهایی که روزه را باطل می‌کند و روزه‌دار، از اذان صبح تا اذان مغرب باید از آنها خودداری کند، «مُبطلات روزه» گویند.

### این کارها روزه را باطل می‌کند

۱- خوردن و آشامیدن.

۲- رساندن غبار غلیظ به حلق.

۳- فرو بردن تمام سر در آب.

۴- دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان او.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.

۲. همان، م ۱۵۵۰.

۳. آیه‌الله تبریزی: در ماه رمضان، اگر بدون نیت روزه خوابیده باشد، اگرچه پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، لازم است آن روزه را به پایان برود و قضای آن را نیز به جا آورد.

۴. توضیح المسائل، م ۱۵۵۴ و ۱۵۶۱.

۵. همان، م ۱۵۷۲.



۲- اگر روزه‌دار، بی‌اختیار در آب بیفتد، یا شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

۳- شنا کردن در حال روزه، اشکال ندارد؛ ولی روزه‌دار باید از رسیدن آب به حلق و فرو بردن تمام سر در زیر آب خودداری کند.

### دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱- اگر روزه‌دار، به خداوند یا پیغمبر ﷺ یا یکی از جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد، روزه‌اش باطل است.<sup>۲</sup>

۲- اگر روزه‌دار به سایر پیامبران علیهم‌السلام یا حضرت زهرا علیها‌السلام عمداً نسبت دروغ بدهد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است.<sup>۳</sup>

۳- در باطل شدن روزه، با نسبت دروغ به خدا و پیغمبر، فرقی میان موارد زیر نیست:  
- در امور دنیایی باشد یا آخرتی.

- دروغ نسبت داده‌شده، نسبت به گفته‌های حضرت باشد یا اعمال ایشان.  
- با گفتار باشد، یا نوشته، یا اشاره.

- با صراحت باشد یا با کنایه.  
- دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری.<sup>۴</sup>

### استمناء

استمناء، آن است که انسان با خودش کاری کند که منی از او بیرون آید.<sup>۵</sup> این

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۱۳ و ۱۶۱۵.
۲. همان، م ۱۵۹۶.
۳. همان.
۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۴ و ۲۸۶؛ توضیح المسائل، م ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۰.
۵. توضیح المسائل، م ۱۵۸۸.

آب دهان جلوگیری شود.<sup>۱</sup>  
۵- فرو بردن آب دهان - هر چند زیاد باشد - روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۲</sup>

۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده، روزه را باطل نمی‌کند؛ ولی اگر به فضای دهان آمده است، بنا بر احتیاط واجب نباید آن را فرو ببرد.<sup>۳</sup>

### رساندن غبار غلیظ به حلق

۱- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند،<sup>۴</sup> روزه‌اش باطل می‌شود، چه غبار خوراکیها باشد - مانند آرد - چه غیر خوراکی - مانند خاک.

۲- در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:  
- غباری که به حلق رسیده، غلیظ نباشد.

- غبار غلیظ فقط به فضای دهان برسد و به حلق نرسد.  
- نمی‌داند روزه است و غبار غلیظ به حلق برساند.

- بی‌اختیار غبار غلیظ به حلق برسد.  
- نمی‌داند غبار غلیظی به حلق رسیده است یا نه.<sup>۶</sup>

### فرو بردن سر در آب

۱- اگر روزه‌دار از روی آگاهی، تمام سر را در آب مطلق فرو برد، روزه‌اش باطل است.<sup>۷</sup>

۱. استفتاات، ج ۱، ص ۳۰۷، س ۱۱.
۲. توضیح المسائل، م ۱۵۷۹.
۳. آیة‌الله سیستانی: اگر به فضای دهان هم رسیده باشد و فرو دهد، روزه باطل نیست ولی احتیاط مستحب است فرو نبرد.
۴. توضیح المسائل، م ۱۵۸۰.
۵. آیة‌الله مکارم: رساندن غبار غلیظ به حلق، هر گاه در حلق تبدیل به گِل شود و فرو رود، روزه را باطل می‌کند؛ در غیر این صورت روزه صحیح است.
۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷.
۷. توضیح المسائل، م ۱۶۰۸ و ۱۶۱۲.

بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزهاش باطل است<sup>۱</sup> و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.<sup>۲</sup>

### باقی ماندن بر حیض و نفاس

۱- اگر زن، پیش از اذان صبح از خون پاک شود، باید برای روزه فردا غسل کند و: **الف:** اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، تیمم نکند، روزه‌اش باطل است.

**ب:** اگر برای غسل وقت ندارد:

- در روزه ماه رمضان و قضای آن، باید تیمم کند<sup>۳</sup> و روزهاش صحیح است.  
- در روزه واجب دیگر<sup>۴</sup> یا روزه مستحب، گرچه روزه‌اش بدون تیمم نیز صحیح است، ولی احتیاط مستحب است که تیمم کند.<sup>۵</sup>

۲- اگر نزدیک اذان صبح پاک شود و برای تیمم یا غسل وقت نداشته باشد، روزه‌اش صحیح است.<sup>۶</sup>

۳- اگر بعد از اذان صبح بفهمد که قبل از اذان پاک شده، روزهاش صحیح است.<sup>۷</sup>

۴- اگر بعد از اذان صبح پاک شود، روزه‌اش باطل است.<sup>۸</sup>

۱. آیه الله سیستانی: باید روزه آن روز را تمام کند و قضای کفاره نیز بر او واجب می‌شود.
۲. توضیح المسائل، م ۱۶۲۵.
۳. آیه الله تبریزی: باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط واجب، تا اذان صبح بیدار بماند.
- آیه الله صافی: چنانچه بخواهد روزه مستحب یا روزه واجب بگردد که مثل روزه کفاره وقت آن معتین نیست، نمی‌تواند با تیمم روزه بگیرد.
۴. آیه الله فاضل: چنانچه بخواهد روزه واجب بگیرد که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معتین است، یا تیمم روزه‌اش صحیح است و لازم است تا صبح بیدار بماند، و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجب بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معتین نیست، نمی‌تواند با تیمم روزه بگیرد.
۵. توضیح المسائل، م ۱۶۳۷ و ۱۶۳۸.
۶. همان، ۱۶۳۹.
۷. همان، م ۱۶۴۰.
۸. همان.

عمل، از گناهان بزرگی است که خداوند وعده عذاب بر آن داده است و اختلافات جسمی و روحی فراوانی را به دنبال دارد.

- ۱- اگر روزه دار استمناء کند، روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر روزه دار روزه خود را با استمناء باطل کند، باید آن را قضا کرده و بنا بر احتیاط واجب،<sup>۲</sup> کفاره جمع بدهد.<sup>۳</sup> (توضیح این مسئله خواهد آمد.)
- ۳- اگر روزه دار در خواب جنب شود (مختم شود)، روزه‌اش باطل نیست.<sup>۴</sup>

### باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم نکند،<sup>۵</sup> در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود که به آنها می‌پردازیم:

۱- اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، تیمم نکند:

- در روزه ماه رمضان و در قضای روزه، روزه‌اش باطل است.

- در بقیه روزه‌ها: روزه‌اش صحیح است.<sup>۶</sup>

۲- اگر به سبب فراموشی غسل یا تیمم نکند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید:

- در روزه ماه رمضان: باید آن روزها را قضا کند.

- در روزه قضای ماه رمضان: بنا بر احتیاط واجب، باید آن روزها را قضا کند.<sup>۷</sup>

۳- اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند که برای غسل، قبل از اذان صبح

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۸۸.
۲. آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب است کفاره جمع بدهد.
۳. توضیح المسائل، م ۱۶۶۵.
۴. همان، م ۱۵۹۰.
۵. آیه الله سیستانی: اگر وظیفه‌اش تیمم است و تا اذان صبح تیمم نکند، باید روزه آن روز را تمام کند و روزه دیگری نیز روزه بگیرد، و چون معلوم نیست آن روز قضا است یا عقوبت است، به قصد مافی‌الدمه انجام دهد، نه به قصد قضا.
۶. توضیح المسائل، م ۱۶۳۴ و ۱۶۳۶.
۷. همان، م ۱۶۲۲.

اگر روزه برای خودش ضرر دارد، باید علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب<sup>۱</sup>، برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.<sup>۲</sup>

۴- زنی که بچه شیر می دهد و روزه برای خودش یا بچه‌ای که شیر می دهد، ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست؛ ولی وظیفه‌اش نسبت به قضا و کفّاره مانند زن باردار است که در مسئله قبل گفته شد.<sup>۳</sup>

## قضا و کفّاره

اگر انسان، روزه را در وقت آن نگیرد، باید به جای آن، روز دیگری روزه بگیرد که به آن «روژه قضا» گویند.

کفّاره، همان جریمه‌ای است که برای نگرفتن روزه یا باطل کردن آن معین شده است.

کفّاره روزه یکی از سه مورد زیر است:

۱- آزاد کردن یک برده.<sup>۴</sup>

۲- دو ماه روزه گرفتن، که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد.

۳- به شصت نفر فقیر، هر کدام یک وعده غذا دادن تا سیر شوند، یا به هر یک از آنها یک مدّ (۷۵۰ گرم) طعام دادن.<sup>۵</sup>

## کفّاره جمع

اگر روزه‌دار با کار حرامی - مانند استمناء - روزه خود را باطل کند، بنا بر احتیاط<sup>۶</sup>

۱. آیه‌الله تبریزی: احتیاط مستحب است برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۲۸.

۳. هم‌اکنون برده به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود؛ بنابراین کسی که کفّاره بر او واجب شده است، باید یکی از آن دو نای دیگر را انجام دهد.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۶۰.

۵. آیه‌الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که کفّاره جمع بدهد.

۵- اگر در بین روزه، خون حیض یا نفاس ببیند، هر چند نزدیک اذان مغرب باشد، روزه آن روز باطل است.<sup>۱</sup>

۶- اگر مستحاضه غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد، به جا آورد، روزه‌اش صحیح است.<sup>۲</sup>

## کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

روزه بر افراد زیر واجب نیست؛ ولی در برخی موارد، قضا و گاهی کفّاره بر آنها واجب می‌شود:

۱- کسی که به واسطه پیری نمی‌تواند روزه بگیرد یا برایش مشقت دارد، چنانچه بعد از ماه رمضان بتواند، باید<sup>۳</sup> قضای آن را به جا آورد.<sup>۴</sup>

۲- کسی که بیماری دارد و زیاد تشنه می‌شود، به حدّی که نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد، چنانچه بعد از ماه رمضان بتواند، بنا بر احتیاط واجب<sup>۵</sup> باید قضای روزه‌ها را به جا آورد.<sup>۶</sup>

۳- خانم بارداری که روزه برای خودش یا حملش ضرر دارد، وظیفه او بدین شرح است:

- قضای روزه‌ها را باید به جا آورد.

- اگر روزه برای حملش ضرر دارد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مدّ (۷۵۰ گرم) طعام به فقیر بدهد.

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۴۰.

۲. همان، م ۱۶۴۳.

۳. آیه‌الله صافی، آیه‌الله سیستانی: قضای روزه واجب نیست؛ ولی احتیاط مستحب است.

۴. آیه‌الله تبریزی: لازم نیست روزه را قضا نماید.

۵. آیه‌الله سیستانی: واجب نیست قضای روزه را به جا آورد.

۶. توضیح المسائل، م ۱۷۲۷.

مسجد برای عبادت خداوند.<sup>۱</sup>

۲- معتكف مدتی راكه در مسجد است، باید روزها را روزه‌دار باشد. پس کسی كه

نمی‌تواند روزه بگیرد، یا می‌تواند روزه بگیرد، ولی روزه نگیرد، اعتكاف او صحیح

نیست.

۳- حداثقل اعتكاف سه روز است؛ ولی در زیاده حدی ندارد؛ به این شرط اگر پنج

روز معتكف شود، روز ششم نیز واجب است بماند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب، هرگاه دو

روز اضافه کرد، روز سؤمش هم باید بماند؛ پس اگر هشت روز معتكف شد، روز نهم نیز

واجب است.<sup>۲</sup>

## مکان اعتكاف

انسان در یکی از این مساجد می‌تواند معتكف شود:

مسجد الحرام، مسجد النبی ﷺ، مسجد کوفه، مسجد بصره؛ و در غیر این چهار

مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر به قصد رجاء<sup>۳</sup> مانع ندارد؛ و در سایر مساجد

جایز نیست.<sup>۵</sup>

## محرّمات اعتكاف

انسان در حال اعتكاف، علاوه بر آنكه روزها نباید مبطلات روزه را انجام دهد، در

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب سوم، خاتمة فی الاعتكاف، ص ۳۰۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروط الاعتكاف.

۳. آیات عظام، سیستانی، صافی، مکارم: اعتكاف در مسجد جامع نیز صحیح است؛ هر چند احتیاط آن است که در یکی از آن چهار مسجد معتكف شود.

۴. آیة الله خامنه‌ای: اعتكاف در مسجد جامع مانع ندارد و در مسجد غیر جامع نیز به قصد رجاء اشکال ندارد.

۵. به قصد رجاء، یعنی به قصد نواب و امید مطلوب بودن.

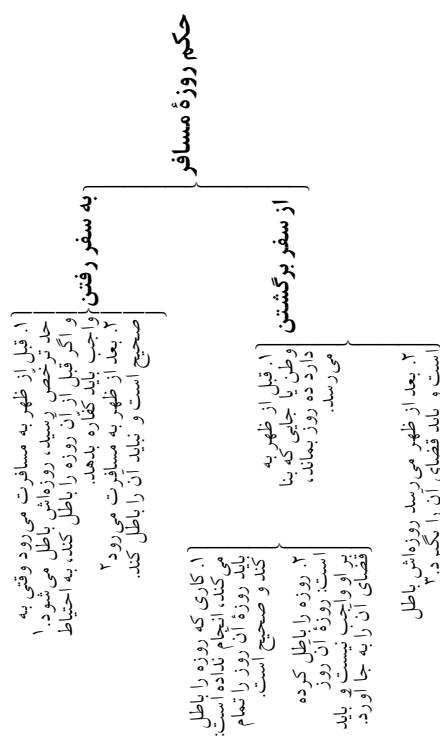
۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴، القول فی شروط الاعتكاف.

هر سه کفار به او واجب می‌شود و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام از آنها را که ممکن است، باید انجام دهد.<sup>۱</sup>

## روزه مسافر

مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد؛ ولی باید

قضای آن را به جا آورد. مسافری که نمازش را تمام می‌خواند - مانند کسی که شغل او



## اعتكاف

۱- یکی از کارهای مستحب، اعتكاف است و اعتكاف عبارت است از ماندن در

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۶۵.

۲. آیة الله تبریزی: اگر بعد از ظهر به سفر می‌رود، در صورتی که از شب نیت سفر داشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و گرنه، بنا بر احتیاط واجب روزه را تمام کند.

۳. اگر قبل از ظهر به مسافرت برود و همان روز برگردد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد و قبل از ظهر نیز به وطن برسد، باید روزه آن روز را تمام کند و صحیح است، و حد ترخص جایی است که دیوارهای شهر دیده نمی‌شود و اذان از آنجا شنیده نمی‌شود.

۴. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳.

بنابراین، کسی که تا مغرب روز دُوم به قصد اعتکاف در مسجد بماند، واجب است روز سوّم نیز بماند.<sup>۱</sup>

۴- اگر معتکف عمداً و با اختیار از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود؛ هر چند جاهل به حکم باشد. ولی از روی ضرورت - چه ضرورت عقلی یا شرعی یا عرفی - خارج شدن از مسجد اشکال ندارد؛ مانند این موارد:

- اقامه شهادت (شهادت دادن در دادگاه)

- عیادت مریض

- تشییع جنازه

- بدرقه مسافر

- استقبال کسی که از سفر بر می‌گردد

- برای قضای حاجت (تخلی)

- انجام غسل جنابت<sup>۲</sup>

۵- اگر به خاطر ضرورت از مسجد بیرون رود، بنا بر احتیاط واجب، باید نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند<sup>۳</sup> و بیش از مقدار نیاز بیرون مسجد نماند و ننشیند، و زیر سایه حرکت نکند و در صورت امکان، نباید زیر سایه بنشیند.<sup>۴</sup>

## حج

حج، عبادت دسته‌جمعی مسلمانان است که هر سال در مکه و اطراف آن برگزار می‌شود.

۱. تحریر الوسیله، ص ۳۰۶، م ۳.
۲. همان، التایع و ص ۳۰۷، م ۹.
۳. آیة الله مکارم: انتخاب نزدیک‌ترین راه واجب نیست، مگر آنکه اختلاف در راه بسیار زیاد باشد.
۴. همان.

تمام شبانه‌روز از این کارها نیز باید پرهیز کند:

- ۱- بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات<sup>۱</sup>، حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذت.
- ۲- خرید و فروش.
- ۳- سایر انواع تجارت، مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنا بر احتیاط واجب).
- ۴- جدال در امور دینی و دنیوی، برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.
- ۵- امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش.
- ۶- استمناء. این عمل در هر حال حرام و جزو گناهان بزرگ است و بنا بر احتیاط واجب، جزو محرمات اعتکاف نیز هست و چنانچه کسی در حال اعتکاف مرتکب این عمل شود، گناه آن بیشتر است.<sup>۲</sup>

## احکام اعتکاف

- ۱- معتکف باید از اذان صبح که آغاز روزه است، به نیت اعتکاف در مسجد باشد. بنابراین کسی که دیرتر از اذان صبح به مسجد برسد، آن روز نمی‌تواند اعتکاف را شروع کند.<sup>۳</sup>
- ۲- روزه معتکف لازم نیست برای اعتکاف باشد؛ بلکه می‌تواند روزه ماه رمضان، قضای آن، یا روزه نذری باشد.<sup>۴</sup>
- ۳- رها کردن اعتکاف مستحبی، در روزهای اوّل و دوّم جایز است؛ ولی پس از تمام شدن دو روز، ماندن روز سوّم واجب می‌شود و قطع اعتکاف جایز نیست.

۱. آیة الله سیستانی، آیة الله مکارم: نسبت به عطریات، لذت بردن معتبر نیست؛ پس اگر بوی آن را احساس می‌کند، هر چند لذت نبرد، حرام است.
۲. آیة الله فاضل: اگر بوی را احساس می‌کند، ولی لذت نمی‌برد، بنا بر احتیاط واجب باید پرهیز کند.
۳. همان، التائی، ص ۳۰۹.
۴. همان، ص ۳۰۵، الثالث.



## پرهیزگاری و پاکدامنی

آیات زیادی درباره تقوا و ضرورت آن، در قرآن آمده و از پیامبران الهی و پیشوایان دین نیز سخنان و احادیث بسیاری درباره اهمیت آن رسیده است، که تقوای عملی را «عمل به واجبات» و «ترک محرمات» دانسته و دو رکن اساسی درستکاری به شمار آورده‌اند؛ یعنی اگر انسان از کارهای زشت و ناپسند پرهیز کند و به کارهای لازم و پسندیده پایبند باشد، فردی درستکار خواهد بود. در بخش گذشته، احکام و مسائل عبادی را که شیوه پرستش را به ما می‌آموزد، به طور خلاصه یادآور شدیم و در این بخش به بیان احکام و مسائل گناه‌شناسی، که روش پرهیزگاری را نشان می‌دهد، خواهیم پرداخت. هر چند برخی از آنها در بخشهای دیگر کتاب خواهد آمد؛ اما آنچه در این قسمت لازم می‌دانیم، بدین شرح است:

### دروغ

۱- دروغ، از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است.<sup>۱</sup>

حج، یکی از پایه‌های اساسی دین اسلام شمرده می‌شود و به عنوان یک عبادت سیاسی و اجتماعی، دارای شکوه و عظمتی خاص می‌باشد.

در حج، تمام مسلمانها از سراسر جهان برای شرکت در این مراسم بزرگ به مکه می‌روند و همه آنها از هر رنگ و نژاد، برادرانه در کنار هم لباس احرام می‌پوشند، به دور کعبه طواف می‌کنند، در مسجدالحرام نماز می‌خوانند و یاد پیامبران خدا، حضرت ابواهییم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام، بنیانگذاران خانه توحید - را گرامی می‌دارند و به یاد مادر اسماعیل - حضرت هاجر - از صفا تا مروه را راهپیمایی می‌کنند و سپس در روزهای نهم تا دوازدهم ذی حجه، در اجتماع بزرگ «عرفات»، «مشعر» و «منا» شرکت می‌کنند و با انجام اعمال مخصوص، قدرت عظیم خود را به نمایش می‌گذارند.

کسانی که خرج سفر حج را داشته باشند و بتوانند در زمان معین آن به مکه روند و اعمال مخصوص حج را انجام دهند، حج بر آنها واجب می‌شود.

حج برای هر کس، تنها یک بار در طول زندگی واجب می‌شود. مراجع تقلید، احکام عمره و حج را در کتاب مناسک آورده‌اند، که زائرین محترم، هنگام عزیمت به مکه، با مطالعه آن اعمال خود را بر آن اساس انجام خواهند داد.

۱. استفتانات، ج ۲، ص ۱۶، س ۴ و ۲.

- پوشاندن ده فقیر؛ یعنی به ده نفر فقیر هر کدام یک دست لباس بدهد. و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

## غیبت

اگر صفتی ناروا در شخصی باشد، یا کاری انجام داده باشد که خلاف است و دیگران از آن بی‌اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او پیش دیگران، «غیبت» محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

۱- غیبت، برای گوینده و شنونده حرام است.<sup>۳</sup>

۲- اگر کسی از شخصی غیبت کرده، باید از آن گناه توبه کند، و لازم نیست به او بگوید.<sup>۴</sup>

۳- اگر شخصی مثلاً نماز نمی‌خواند، ولی این گناه خود را آشکار نمی‌کند، غیبت او جایز نیست [گرچه باید او را امر به معروف کرد].<sup>۵</sup>

## غنا

۱- غنا، کشیدن صدا و بالا و پایین کردن آن است، با کیفیتی خاص که مُطرب باشد و با مجالس لهُو و محافل طرب و انزار لهُو و ادوات موسیقی تناسب داشته باشد. بنابراین غنا تنها زیبا خواندن نیست.<sup>۶</sup>

۲- س: لطفاً مسئله غنا و موسیقی و آلات آن را به طور ساده و قابل فهم برای بنده شرح دهید.

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۱۳.
۲. استفتانات، ج ۲، ص ۶۱۸ س ۹.
۳. همان.
۴. همان، ص ۲۰، س ۱۵ و ۱۶.
۵. همان، س ۱۸.
۶. تحریرالوسیله، ج ۱، فی‌المکاسب المحرّمة، ص ۴۹۷، م ۱۳.

۲- انسان در حال ناچاری، اگر می‌تواند، نباید دروغ بگوید؛ بلکه باید «توریه» کند؛ یعنی چیزی دیگری غیر از آنچه شنونده متوجه شود، قصد کند؛ مثلاً شخصی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کند که خوردن آن غذا برایش حرام است، ولی نمی‌تواند واقعیت را بگوید و در جواب می‌گوید: میل ندارم.<sup>۱</sup>

۳- اگر امر بسیار مهمتی در پیش باشد - مانند کشته شدن یک فرد یا به هم خوردن نظام خانواده - گفتن دروغی که از آن جلوگیری کند، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

## قسم دروغ

۱- کسی که قسم می‌خورد - چه از گذشته خبر دهد، چه برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.<sup>۳</sup>

۲- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم؛ مانند «الله» و «خدا» قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا کاری را ترک کند - مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد - چنانچه با اختیار و قصد باشد و کاری که برای آن قسم خورده، میاح یا مطلوب باشد، واجب است به آن عمل کند.<sup>۴</sup>

۳- اگر عمداً به سوگندی که خورده عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است:

- آزاد کردن یک برده.
- طعام دادن به ده فقیر؛ یعنی یک وعده غذا به آنها بدهد تا سیر شوند.

۱. المکاسب المحرّمة، ج ۱، فی حرمة الکذب، ص ۴۷.
۲. استفتانات، ج ۲، ص ۶۱۶، س ۱.
۳. توضیح المسائل، م ۳۶۷۰ و ۳۶۷۱.
۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۱۳، م ۸.

س ۲- موزیک نظامی و سرودهایی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، و همچنین سرودهایی که به وسیلهٔ خانمها در حضور مردها اجرا می‌شود، شرعاً جایز هستند یا خیر؟

ج- اشکال ندارد؛ مگر مُحرز شود که موسیقی مُطرب است.<sup>۱</sup>

س ۳- آیا آواز خواندن زن برای شوهر خود، در صورتی که منجر به غنا شود، جایز است یا خیر؟

ج- حرام است.<sup>۲</sup>

س ۴- آیا مطالعه در کتابخانه‌ای که صدای موسیقی به گوش می‌رسد، جایز است؟

ج- مطالعه جایز است و به مجرد رسیدن صدا، بدون استماع (گوش دادن) حرام

نیست.<sup>۳</sup>

۱. مطرب بودن آن معلوم است ← حرام.

۲. مطرب نبودن آن معلوم است ← جایز.

۳. مطرب بودن آن معلوم نیست ← جایز.

## رقص

رقص، چون مظنهٔ تحریک غریزهٔ جنسی را دارد، بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ مگر رقص همسر برای همسر.<sup>۴</sup>

س- رقص زن در میان زنان یا محارم و همچنین مرد در میان مردان یا محارم در

۱. استفتائات، ص ۱۸، س ۴۴. ۲. همان، ص ۱۵، س ۳۴.

۳. همان، ص ۲۱، س ۵۵.

۴. آیة‌الله بهجت: رقص مطلقاً اشکال دارد.

آیة‌الله تبریزی: رقص از لهُو است و سزاوار مؤمن نیست.

۵. استفتاء از دفتر امام خمینی (قدس سره)، استفتائات، ج ۲، ص ۱۵، س ۳۵ و ج ۳، ص ۶۰۶، س ۱۱۸.

ج: غنا عبارت است از خوانندگی‌های مخصوص و متناسب با مجالس عیش و لهُو و خوش‌گذرانی، و این نوع خوانندگی، خواندن و شنیدنش حرام است. سازها و آلات موسیقی نیز اگر به نحوی به کار رود که معمولاً در آن‌گونه مجالس از آن استفاده می‌شود، به کار بردن و شنیدنش حرام است. بنابراین، موسیقی اگر از نوع غنا (خوانندگی مخصوص آن مجالس) یا از نوع آنچه‌ان صداهای آلات موسیقی باشد، حرام محسوب می‌شود و اگر از این قبیل نباشد، حلال است.<sup>۱</sup>

۳- اشتغال به غنا و شنیدن و کسب از این راه حرام است.<sup>۲</sup>

۴- یادگیری و یاد دادن غنا حرام است.<sup>۳</sup>

۵- گوش دادن به صداهای مشکوک - اعم از آهنگ یا آواز - که غنا و مطرب بودن

آن معلوم نیست، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

## استفتاء

س ۱- بعضی از سرودهایی که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش می‌شود، آهنگ‌های تندی دارد که حتی انسان را از حالت طبیعی خارج می‌کند، شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد؟ و آیا شنیدن کلیهٔ آهنگهایی که از رادیو پخش می‌شود، موافق شرع است؟ و دیگر اینکه نواختن آهنگ برای نوازنده چه حکمی دارد؟ مثلاً شخصی که آهنگهای سرود شهید مطهری را می‌نوازد و غم‌انگیز است، [برای او] چه حکمی دارد؟

ج- موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.<sup>۵</sup>

۱. راهنمای فتاوا، ص ۱۳۸، م ۱.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، فی‌المکاسب المحرمة، ص ۴۹۷، م ۱۳.

۳. استفتائات، ج ۲، ص ۱۲، س ۲۶. ۴. همان، ص ۲۷، ۲۸ و ۲۹.

۵. همان، ص ۱۷، س ۴۰.



۴- واگذار کردن حق خود از اجناس جیره‌بندی شده و سهمیه دریافت کالا به دیگران، بر خلاف مقررات دولت اسلامی بوده و جایز نیست.<sup>۱</sup>

### استفتاء

س ۱- آیا اگر کسانی سهمیه قند و شکر را که به قتادی‌ها داده می‌شود، بفروشند، سود آن حلال است؟

ج- باید مقررات دولت اسلامی را مراعات نمایند.<sup>۲</sup>

س ۲- شخصی از انشعاب آب خانه یا مغازه‌اش، علاوه بر مصرف خودش، بدون اجازه سازمان آب به دیگران هم آب می‌دهد و پول آن را می‌گیرد، این کار برای صاحب انشعاب و برای کسانی که با دادن پول آب و هزینه انشعاب فرعی از آن آب استفاده می‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج- تصرف در آب مزبور، بدون مقررات دولت اسلامی جایز نیست.<sup>۳</sup>

س ۳- عده‌ای می‌گویند، اجناس قاچاق که معاملات آن غیر مجاز اعلام شده، منحصر به سلاح، مواد مخدر و از این قبیل اجناس می‌باشد و معاملات سایر اجناس قاچاق -مانند قماش، خزری و غیره- را مجاز می‌دانند. خواهشمند است نظر خود را در این زمینه اعلام فرمایید.

ج- فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت مواظبتی ندارد و در بازار فروخته می‌شود، مانع ندارد.<sup>۴</sup>

س ۴- انجام اعمالی که به نظر کارمند مخالف قانون هستند، ولی مسئول بالاتر ادعای می‌کند که اشکال ندارد و خواهان انجام آنهاست، چه حکمی دارد؟

۱. استفتانات، ج ۴، ص ۵۴، ۱۴۸.
۲. همان، ص ۵۳، ۱۴۴.
۳. همان، ص ۵۰، ۱۳۵.
۴. همان، ج ۲، ص ۴۷، ۱۳۲.

عروسی‌ها چه حکمی دارد؟

ج- رقص اگر موجب تهییج شهوت یا مستلزم مفسده یا حرام باشد، جایز نیست؛ مگر رقص زن برای شوهر و بالعکس در خلوت.<sup>۱</sup>

### ستم و کمک به ستمکاران

۱- ظلم به دیگران و یاری ظالم در ستم به دیگران، بلکه در هر کار حرامی که مرتکب می‌شود، حرام است. در این خصوص روایات زیادی از پیامبر ﷺ وارد شده است.<sup>۲</sup>

۲- کمک به ستمگران در غیر کار حرام، تا وقتی که جزو اعوان و اطرافیان و منسوبان آنها به حساب نیاید و اسمش در دفتر آنها ثبت نشود و کمک و سبب زیادی قدرت و شوکت آنان نباشد، جایز است.<sup>۳</sup>

### تخلف از مقررات دولت اسلامی

۱- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست.<sup>۴</sup>

۲- خرید و فروش اجناسی که از سوی دولت اسلامی قاچاق اعلام شده و برای خرید و فروش آنها مقررات ویژه‌ای وجود دارد، باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.<sup>۵</sup>

۳- استفاده از دفتر تعاونی و دفترچه خدمات درمانی دیگران، یا دفترچه خود را برای استفاده در اختیار دیگران گذاشتن، در صورتی که واگذاری و استفاده بر خلاف مقررات دولت اسلامی باشد، جایز نیست.<sup>۶</sup>

۱. راهنمای فتاوا، ص ۱۳۸.
۲. تحریرالوسیله، ج ۱، فی‌المکاسب المحرمة، ص ۴۹۷، م ۱۴.
۳. همان.
۴. استفتانات، ج ۱، ص ۷۴، ۱۷۷.
۵. همان، ص ۴۷، ۱۳۲.
۶. همان، ص ۵۴، ۱۴۸.

خسارت زده، یا از بین برد و آن را به صاحبش برنگرداند، گویند در امانت خیانت کرده است.

۲- اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.<sup>۱</sup>

### احکام امانتداری

۱- کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنا بر احتیاط واجب نباید آن را قبول کند.<sup>۲</sup>

۲- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد، می‌تواند آن را پس بگیرد، و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد، می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.<sup>۳</sup>

۳- اگر امانتدار برای امانت جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.<sup>۴</sup>

۴- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.<sup>۵</sup>

۵- در صورتی که امانت مردم از بین برود:

۱- اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

۲- اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی، آن مال از بین رفته - مثلاً سیل برده است - امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۲۷. ۲. همان، م ۲۳۳۰.  
 ۳. همان، م ۲۳۳۲. ۴. همان، م ۲۳۳۴.  
 ۵. همان، م ۲۳۳۵. ۶. همان، م ۲۳۳۵.

ج- کسی حق عمل نکردن به قوانین و مقررات حاکم بر اداره‌های دولتی و عمل برخلاف آنها را ندارد و هیچ مسئولی نمی‌تواند از کارمند تقاضای انجام کاری خلاف قانون را بنماید و نظر مسئول اداره در این رابطه اثری ندارد.<sup>۱</sup>

### عُصَب

۱- عصب، آن است که انسان به ناحق بر اموال یا حقوق دیگران مسلط شود.

۲- اگر انسان چیزی را عصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده است، باید آن را به صاحبش بازگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.<sup>۲</sup>

۳- اگر چیزی را که عصب کرده، خراب کند، باید آن را با مزد ساختش به صاحب آن بدهد، و اگر تفاوت قیمت ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.<sup>۳</sup>

۴- اگر چیزی را که عصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد؛ - مثلاً طلای عصب کرده را گوشواره ساخته - اگر صاحب مال بگوید، آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده، مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.<sup>۴</sup>

### خیانت در امانت

۱- یکی از گناهان بزرگ، خیانت در امانت است؛ یعنی اگر انسان امانتی را پذیرفت و آن را حفاظت نکرد و از بین رفت، یا خسارتی بر آن وارد شد یا خودش به آن

۱. رساله‌ آجوبه الاستغاثات، ص ۴۸۵، س ۱۹۸۶.  
 ۲. توضیح المسائل، م ۲۵۴۸. ۳. همان، م ۲۵۵۳.  
 ۴. همان، م ۲۵۵۴.



## قطع رحم (قطع ارتباط با خویشاوندان)

مسئله خویشاوندی و ارتباط با آنها، برنامه طبیعی زندگی اجتماعی انسانهاست. کسانی که حالت انزوا گرفته و از مردم، به ویژه از بستگان خود کناره گیری می کنند، افراد غیر طبیعی و بیمارند که باید در پی درمان این بیماری برآیند و به حالت طبیعی و عادی برگردند.

دین اسلام بر اساس همین خواسته طبیعی و نیاز حقیقی و ضروری بشر، دستور اکید به ایجاد ارتباط و علاقه با خویشاوندان داده و چنانچه فردی رابطه خود را با هریک از اقوام و خویشان خود به طور کامل قطع کند، مرتکب گناهی بزرگ شده است و باید برای پایان دادن به این حرام الهی، وسیله ارتباط با آنها را فراهم آورد، و چنانچه رفت و آمد با آنها ممکن نیست - مثلاً در مکان دوری زندگی می کنند - می توان با تماس تلفنی یا نوشتن نامه این ارتباط را داشت.

## استفتاء

س- آیا انسان می تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی تقوا و بی نماز و ضد انقلابند - مانند پدر، مادر، خواهر و غیره - قطع رحم نماید؟  
ج- قطع رحم جایز نیست؛ ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.<sup>۱</sup>

## حقوق همسری

### حقوق زن بر شوهر

- ۱- از جمله حقوق زن بر شوهر خود در ازدواج دائم، تأمین مخارج زندگی (نقغه) اوست.<sup>۱</sup>
- ۲- مخارج زندگی مقدار معینی ندارد؛ بلکه بر شوهر واجب است آنچه را که همسرش در زندگی نیاز دارد - مانند خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل برای پختوپز، خوردن، آشامیدن، نظافت، خوابیدن و استراحت کردن - تأمین کند.<sup>۲</sup>
- ۳- در پرداخت نفقه، فقیر بودن و نیاز همسر شرط نیست. بنابراین، زن بر شوهر حق نفقه دارد؛ هر چند از خودش درآمدی داشته باشد و جزو بی نیازترین مردم باشد.<sup>۳</sup>
- ۴- مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن او باشد، با شوهر نیست. مثلاً اگر زن خودش به مسافرت رفته باشد و در سفر بیشتر از وطن خرج داره، اضافه آن بر عهده شوهر است.<sup>۴</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، ص ۳۱۳، م ۱.  
۲. همان، ص ۳۱۵، م ۸.  
۳. همان، ص ۳۱۹، م ۱۹.

- ۹- اگر زن در اموری که اطاعت از شوهر واجب است، تخلف کند و به وظیفه خود عمل نکند، حق نفقه ندارد.<sup>۲</sup>
- ۱۰- مرد حق ندارد همسر خود را به خدمت خانه مجبور کند.<sup>۳</sup>
- ۱۱- مرد نمی تواند زن دائمی خود را طوری ترک کند که نه مثل زن شوهر دار باشد، نه مثل زن بی شوهر؛ لکن واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند.<sup>۴</sup>
- ۱۲- شوهر نمی تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با همسر دائمی خود را ترک کند.<sup>۶</sup>
- ۱۳- اگر زن در عقد از دواج شرط کند که شوهرش او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.<sup>۷</sup>
- ۱۴- مرد باید نسبت به کارهایی که همسرش از روی ناآگاهی انجام داده است، گذشت داشته باشد و با او تشریفی و بداخلاقی نکند.<sup>۸</sup>
- ### حقوق شوهر بر زن
- ۱- زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود؛ هر چند برای دیدن اقوام و خویشان و پدر و مادر باشد.<sup>۹</sup>
- ۲- زنی که عقد دائمی شده، باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد، تسلیم کند و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند.<sup>۱۰</sup>
- 
۱. اموری که زن باید در آنها از شوهر خود اطاعت کند، خواهد آمد.
۲. توضیح المسائل، م ۲۴۱۳.
۳. همان، م ۲۴۱۴.
۴. همان، م ۲۴۱۷.
۵. آیات عظام مکارم، تبریزی، صافی، سیستانی: همسر جوان خود.
۶. توضیح المسائل، م ۲۴۱۸.
۷. همان، م ۲۴۵۱.
۸. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۳۰۳، فصل فی القسم و التشرؤ و الشقاق.
۹. توضیح المسائل، م ۲۴۱۲.
۱۰. همان.

- شوهر نیست؛ ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را به سفر ببرد، باید خرج سفر او را بدهد.<sup>۱</sup>
- ۱۵- اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر می گذارد، او نمی تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد. ولی چنانچه مخارج خودش را به صورت وجه نقد می پردازد، یا آن مبلغ را به او می بخشد، یا برای مصرف به او اختیار کامل داده است، بخشش و صدقه و صرف در امور دیگر نیاز به اجازه او ندارد.<sup>۲</sup>
- ۱۶- چگونگی پرداخت نفقه همسر، یا بدین گونه است که زن نیز مانند سایر اعضای خانواده طبق معمول با شوهرش هم خوراک می شود، یا شوهر خوراک و لباس راتهیته می کند و در اختیار او می گذارد.<sup>۳</sup>
- ۱۷- اگر زن و شوهر توافق کنند که نفقه به صورت پول پرداخت شود، اشکال ندارد و زن آن پول را مالک می شود و در چگونگی مصرف، اختیار با خود اوست، و شوهر نیز به وظیفه خود عمل کرده و وجوب پرداخت نفقه از او ساقط می شود؛ ولی هیچکدام حق ندارند دیگری را به پرداخت نفقه به صورت پول نقد وادار کنند.<sup>۴</sup>
- ۱۸- اگر شوهر مخارج چند روز همسرش را - مثلاً یک هفته یا یک ماه را - به او بپردازد و این مدت بگذرد و زن، تمام یا قسمتی از آن را خرج نکند - مثلاً از درآمد خودش خرج کند یا شخص دیگری، مثلاً پدرش خرج او را بدهد یا با صرفه جویی بخشی از آن را پس انداز کند - آنچه از نفقه زیاد آمده، متعلق به زن و ملک اوست و شوهر حق پس گرفتن آن را ندارد.<sup>۵</sup>
- 
۱. توضیح المسائل، م ۲۴۱۵.
۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، ص ۳۱۷، م ۱۱۰۱ و ۱۱۰۲.
۳. همان، م ۱۲.
۴. همان، ص ۳۱۸، م ۱۴.
۵. توضیح المسائل، ص ۳۱۷، م ۱۱.

است و باید در آن سفر نماز را تمام بخواند. ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.<sup>۱</sup>

### آرایش زن برای همسر

۱. همان گونه که گذشت، اگر شوهر خواستار تمیزی و آراستگی همسر خود باشد، بر زن واجب است که خود را برای او تمیز و آرایش کند؛ ولی زیور و آرایش خود را باید از نامحرم بپوشاند.<sup>۲</sup>

### آرایش زن برای غیر همسر

آرایش کردن زنها برای شرکت در مجالس زنانه - مثل عروسی یا میهمانی زنانه - که نامحرم آنها را نمی بیند، اشکال ندارد.

۱- آرایش کردن زن به قصد نشان دادن به نامحرم حرام است و همان گونه که نشان دادن آن به نامحرم جایز نیست، نگاه کردن نامحرم نیز به آراستگی و زیور بانوان جایز نیست.<sup>۳</sup>

۲- هر چه عرفاً آرایش و زینت حساب شود - مثل لاک زدن به ناخنها، اصلاح ابرو، سرمه کشیدن به چشمها، الگو و انگشتر زینتی - باید از نامحرم پوشانده شود.<sup>۴</sup>

### عطر و ادکلن

۱- خوشبو کردن خود - چه در نماز، چه غیر نماز - مستحب است و در برخی از

۱. توضیح المسائل، پس از مسئله ۱۲۹۴.
۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب التکاح، ص ۳۰۵، فصل فی القسم و التمشور و الشقاق؛ العروة الوثقی، ص ۵۵۱، م ۴ و ۵.
۳. استفتانات، ج ۳، صص ۲۵۷ - ۲۵۶.
۴. همان، ج ۳، م ۲۵۷ - ۲۵۶.

۳- بر زن لازم است که آنچه را که موجب تنفر شوهر است و ضد کامیابی و لذت بردن امور جنسی است، از خود دور کند.<sup>۱</sup>

۴- اگر شوهر خواستار پاکیزگی و آرایش همسرش باشد، بر زن واجب است که خود را برای همسرش تمیز کند و بیاراید.<sup>۲</sup>

۵- اگر زن نسبت به اموری که در مسائل گذشته گفته شد، از شوهرش اطاعت نکند، ناشزه شده و حق نفقه و همخوانی ندارد؛ ولی مهریه او از بین نمی رود.<sup>۳</sup>

۶- ترک اطاعت شوهر در کارهایی که بر زن واجب نیست، سبب ناشزه شدن او نخواهد بود. بنابراین، اگر زن از خدمات خانه و خواسته های شوهر که مربوط به امور جنسی نمی شود - مانند تمیز کردن منزل و پختن غذا و آب دادن به شوهر و بهن کردن رختخواب - خودداری کند، ناشزه نیست.<sup>۴</sup>

۷- اگر به واسطه گرفتن روزه مستحبی توسط زن، حق شوهر از بین برود، یا شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی بازدارد، بنا بر احتیاط واجب نباید روزه بگیرد.<sup>۵</sup>

۸- نذر زن بی اجازه شوهر باطل است؛ اما اگر با اجازه شوهر نذر کند، شوهر نمی تواند نذر او را به هم زند یا او را از عمل به نذر بازدارد.<sup>۶</sup>

۹- اگر زن بدون اجازه همسرش سفری برود که بر او واجب نباشد، سفر معصیت

۱. تحریر الوسیله، همان.
۲. همان.
۳. همان، م ۱۷۴۰.
۴. آیات عظام فاضل، مکارم، صافی، سیستانی؛ نذر زن اگر با حق شوهر منافات داشته باشد، بدون اجازه او باطل است.
۵. آیة الله فاضل؛ اگر نذر زن مزاحم حق شوهر هم نباشد، احتیاط واجب آن است که با اجازه او باشد؛ خصوصاً در نذر مال؛ گرچه مال متعلق به خود زن باشد.
۶. آیة الله خامنه ای؛ چنانچه شوهرش حاضر باشد و بخواهد نذر کند، بنا بر احتیاط باید از او اجازه بگیرد؛ ولی چنانچه حضور ندارد - مثلاً در سفر است یا زن در مسافرت است - اجازه او شرط نیست.
۷. توضیح المسائل، م ۲۶۴۴ و ۲۶۴۵.



موارد سفارش بیشتری شده است، و این امر اختصاص به مردان یا زنان ندارد و در جایی که انسان می‌داند نامحرم بوی خوش را استشمام نمی‌کند، یا استشمام می‌کند، ولی مَحْرُک نیست و مفسده‌ای ندارد، بی‌اشکال است؛ ولی چنانچه انسان بداند که موجب مفسده یا تحریک است، جایز نیست.<sup>۱</sup>

۲- زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استفاده کرده، مستحب است، غسل کند؛ یعنی یکی از غسل‌های مستحبی، غسل زنی است که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کرده است.<sup>۲</sup>

## فرزند خواهی

فرزند سالم و صالح، از نعمتهای بزرگ خداوند و ثمره شیرین زندگی مشترک است. کمتر کسی است که به داشتن فرزند علاقه نداشته باشد، و شاید همه پدرها و مادرها علاقه دارند بدانند:

- بهترین زمان برای فرزنددار شدن کدام است؟

- برای آنکه فرزند سالم و زیبایی به دنیا آورند، چه وظیفه‌ای دارند؟

- چه تعداد فرزند داشتن مایه خوشبختی است؟

- آیا دین به آنها اجازه می‌دهد از فرزنددار شدن مجدد جلوگیری کنند؟

- برای آنکه فرزندان خود را درست تربیت کنند، چه وظایفی دارند؟

در پاسخ به این پرسشها، مطالب بسیاری در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و فتاوی فقها وجود دارد و کتابهای زیاد نگاشته شده است که در این بخش از کتاب به برخی از آنها به طور اجمال اشاره می‌کنیم:

۲. توضیح المسائل، م ۶۴۴.

۱. استفتاء.

### زمانهایی که آمیزش با همسر، مکروه است:

- شب چهارشنبه.
- شب عید فطر.
- شب عید قربان.
- شب اول ماه، به جز شب اول ماه مبارک رمضان.
- شب نیمه ماه - به ویژه شب نیمه ماه شعبان.
- شب آخر ماه.
- شب یا روزی که در آن خسوف یا کسوف یا زلزله رخ دهد.
- شب یا روزی که باد سیاه و سرخ بوزد یا یکی از آیات هولناک الهی رخ دهد.
- فاصله میان طلوع فجر تا طلوع آفتاب.
- ظهر، به جز ظهر پنجشنبه.
- غروب آفتاب، تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.
- فاصله بین اذان و اقامه.
- هنگام سفر که آب به اندازه غسل موجود نباشد.
- و زمانی که مرد شب هنگام از مسافرت برمی گردد.<sup>۱</sup>

### در برخی از مکانها نیز آمیزش با همسر مکروه است؛ مانند:

- زیر آسمان؛ یعنی جایی که سقف ندارد.
- پشت بام.
- زیر آفتاب، مگر پوششی داشته باشد.
- زیر درختی که میوه دارد.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۰ م ۱۰.

### زمان فرزنددار شدن

هر چند بخشی از پاسخ به پرسش اول - بهترین زمان برای فرزنددار شدن کدام است؟ - به سن ازدواج و زمان خواستگاری و عقد برمی گردد، ولی بخش دیگر آن مربوط به زمان مقاربت و آمیزش زن و شوهر است، که در برخی از اوقات، ممنوع و حرام است و در برخی مستحبّ و پسندیده و در برخی دیگر مکروه است.

### زمانهایی که آمیزش با همسر حرام است:

- در ایام عادت ماهیانه (حیض).
- در ایام استحاضه، پیش از انجام غسل استحاضه.
- در ایام خونریزی پس از زایمان (نفاس).
- و هر گاه آمیزش برای آنها ضرری داشته باشد؛ مثلاً در هنگام بارداری نزدیک زایمان برای بعضی از خانمها.<sup>۱</sup>

### زمانهایی که آمیزش با همسر، مستحبّ است:

- شبهای دوشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه.
- شب اول ماه مبارک رمضان.
- ظهر روز پنجشنبه.
- عصر روز جمعه.
- هنگامی که زن تمایل به آمیزش دارد.<sup>۲</sup>

۱. تریالوسیه، ج ۱، فصل فی الاغسال، صص ۵۲، ۶۰، ۶۲ و کتاب الحج، ص ۴۱۹.  
۲. همان، ج ۲، ص ۲۳۹ م ۸؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۰ م ۱۰.

- یکی از دعاهایی را که از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است، بخواند؛ مثلاً این دعا را: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَنَّا زُرْفَتْنِي»<sup>۱</sup>

- اگر پس از آمیزش با همسر، بی آنکه غسل کند، بخواهد دوباره آمیزش کند، مستحب است عورتش را بشوید و وضو بگیرد.<sup>۱</sup>

### مستحبات شب زفاف (عروسی)

- زفاف در شب انجام گیرد.
  - عروس و داماد با وضو باشند.
  - داماد دور کعت نماز بخواند.
  - در حالی که رو به قبله هستند، داماد پس از نماز دستش را بر پیشانی همسرش گذاشته و این دعا را بخواند:
- «اللَّهُمَّ عَلَيَّ كِتَابِكَ تَزَوُّجْتَهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَجْمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسَلِّماً سَوِيّاً وَ لَا تَجْعَلْهُ شَرَكَ الشَّيْطَانِ».<sup>۲</sup>

### پیشگیری از بارداری

- ۱ - پیشگیری از بارداری پیش از انعقاد نطفه، به وسیله قرص، تزریق آمپول، بستن رگها یا نصب دستگاه مخصوص، با شرایط زیر اشکالی ندارد:
- با رضایت شوهر باشد.
  - برای بدن ضرر نداشته باشد.
  - به طور موقتی باشد و سبب نازایی نشود.

- در کشتی.

- در جایی که ممکن است کسی آنها را ببیند، حتی کودک غیرممیز.<sup>۱</sup>

### در برخی حالتها نیز آمیزش با همسر کراهت دارد؛ مانند:

- با شکم پر.
- ایستاده.
- عریان.
- در حالی که موی سر خود را رنگ کرده باشد؛ خواه زن، خواه مرد.
- در حالی که انگشتری به دست دارد که نام خدا یا آیه‌ای از قرآن بر آن نقش شده باشد.
- در حال جنابت پیش از انجام غسل.
- رو به قبله یا پشت به قبله.

### و برخی کارها نیز در حال آمیزش کراهت دارد؛ مانند:

- سخن گفتن؛ به خصوص برای مرد؛ مگر ذکر خدا.
- نگاه به عورت همسر.<sup>۲</sup>

۱. جامع عباسی، صص ۲۶۷ و ۲۷۸.

۲. منهاج، ج ۲، ص ۲۸۲، م ۱۳۳۰، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۷.

۱. جامع عباسی، صص ۲۶۷ و ۲۷۸.

۲. همان.



- استخوان گوشت دار بدون روح ← ۱۰۰ مثقال

- روح دمیده باشد:

۱. پسر ← ۱۰۰۰ مثقال

۲. دختر ← ۵۰۰ مثقال

در تمام موارد پیش گفته، مثقال شرعی ملاک است، که تقریباً  $\frac{3}{4}$  مثقال بازاری است و طلای سکه دار باید محاسبه شود.

و اگر زن خودش کاری کند که بچهاش سقط شود، مطابق آنچه گفته شده، باید دیه آن را به وارث طفل بدهد.<sup>۱</sup>

### بارداری مصنوعی (تلقیح)

۱- چنانچه زن و شوهر مشکلی برای آمیزش یا مشکل دیگری داشته باشند و این امر سبب باردار نشدن زن باشد و بخواهند به طریق تلقیح بار دار شود، با شرایط زیر اشکال ندارد:

- با رضایت زن باشد.

- منی از شوهر باشد، نه از مرد دیگری.

- در گرفتن منی مرتکب حرام نشود - مثلاً استمناء نکند - ولی اگر با همسرش بازی کند و منی بیاید، اشکال ندارد.

- انتقال منی به رحم زن، همراه با کار حرام نباشد؛ یعنی غیر شوهر - حتی پزشک زن - به عورت او نگاه نکند و نامحرمی به بدن او نگاه نکند یا تماسی نداشته باشد. بنابراین، اگر این کار توسط شوهر انجام شود، بی اشکال است.<sup>۲</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الدیات، القول فی اللواحق، ص ۵۹۷.

۲. توضیح المسائل، م ۲۸۷۴.

- همراه با کار حرامی مانند نگاه کردن غیر شوهر به عورت زن - هر چند پزشک زن باشد - یا نگاه به بدن او یا لمس بدن وی توسط نامحرم نباشد.

۲- اگر مرد هنگام آمیزش، منی را بیرون رحم همسر بریزد - مثلاً از کاندوم استفاده کند - و با این کار مانع بارداری همسر شود، حرام نیست؛ ولی اگر بدون اجازه همسر این کار را بکند، کراهت دارد. البته اگر همسرش بدزبان است، یا بچه را شیر نمی دهد، یا شوهر می داند او بچه دار نمی شود، بدون اجازه او هم مکروه نیست.<sup>۱</sup>

### سقط جنین

حکم از بین بردن جنین به این شرح است:

الف: پیش از چهار ماهگی (پیش از روح دمیدن در آن):

- باقی ماندن جنین برای مادر خطر دارد ← جایز است.

- باقی ماندن جنین برای مادر خطر ندارد ← جایز نیست.

ب: پس از دمیده شدن روح در آن (پس از چهار ماه) ← جایز نیست؛ هر چند برای مادر خطر داشته باشد؛ که علاوه بر دیه، کفاره نیز دارد.

### دیه سقط جنین

اگر کسی کاری کند که زن، جنین خود را سقط کند، دیه آن بدین شرح است:

- نطفه ← ۲۰ مثقال طلا

- علقه (خون بسته) ← ۴۰ مثقال

- مضعه (پاره گوشت) ← ۶۰ مثقال

- استخوان ← ۸۰ مثقال

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۴۲، م ۱۴.

اسلام نیز برای آن، اهمیت ویژه‌ای قائل است، و از هر کاری که برای چنین ضرر یا خطری داشته باشد، باید پرهیز کند؛ تا جایی که روزه‌داری، هر چند گاهی به عنوان یک تکلیف و وظیفه واجب است، ولی چنانچه برای خانم باردار ضرر داشته باشد - برای خودش یا بر حملش - در آن صورت، نه تنها روزه بر او واجب نیست، بلکه گاهی حرام است، که تفصیل آن در بحث احکام روزه گذشت.

به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیه‌الله خامنه‌ای - دامت برکاته - تلقیح نطفه مرد اجنبی (غیر از شوهر) به رحم زنی که چندهار نمی‌شود، با شرایط زیر اشکال ندارد:

- با مقدمات حرام - مثل نگاه و لمس نامحرم - همراه نباشد.

- کسی، غیر شوهر به عورت زن نگاه نکند.

هر چند این عمل با شرایطی که گفته شد، منعی ندارد، ولی اگر با این روش کودکی به دنیا بیاید، فرزند مرد صاحب نطفه و زنی است که او را زاییده، و فرزند شوهر این زن نخواهد بود [ولی اگر آن فرزند، دختر باشد، به شوهر مادرش نیز محرم است].<sup>۲</sup>

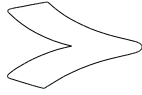
۲- اگر منی مرد را به رحم زنش وارد کردند، هر چند به طریق حرام باشد و از آن بچه‌ای متولد شود، آن کودک فرزند آن زن و شوهر است و تمام احکام فرزند را دارد.<sup>۳</sup>

۳- چنانچه با آگاهی و از روی عمد، منی مردی غیر شوهر را به رحم زن منتقل کنند و بچه‌ای به دنیا آید، اگر بچه دختر باشد، صاحب نطفه و شوهر این زن هیچ کدام نمی‌توانند با او ازدواج کنند و فرزندان آنها نیز نمی‌توانند با او ازدواج کنند، و اگر پسر باشد، مادر وی و دختران او نمی‌توانند با او ازدواج کنند و در سایر مسائل نیز باید احتیاط کنند.<sup>۴</sup>

## دوران بارداری

یکی از مسائل مهم برای بانوان در دوره بارداری، مراقبت از فرزند است که دین

۱. آیات عظام تبریزی، سیستانی، صانعی، مکارم: استفاده از نطفه مردی غیر از شوهرش برای بارداری جایز نیست.
۲. ترجمه اجوبه الاستفتائات، چاپ انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۲۸۲، س ۱۲۷۴.
۳. توضیح المسائل، م ۲۸۷۵.
۴. همان، م ۲۸۷۷.



## فرزندداری

### تولد نوزاد<sup>۱</sup>

از لحظه تولد فرزند تا زمان بلوغ، دوره‌ای حسّاس ولی شیرین است که پدر و مادر ضمن توجه به وظایف خود در این دوره و عمل به آنها، نه تنها شیرینی فرزندداری در این چند سال را احساس می‌کنند، بلکه پس از آن نیز با خاطری آسوده به فرزند خود افتخار خواهند کرد و در آینده، مشاور و یابوری خوب برای زندگی خود خواهند داشت. در این قسمت، به برخی از احکام کودک - از تولد تا بلوغ - می‌پردازیم:

### شست و شوی بدن (غسل دادن)

- ۱- غسل دادن نوزاد، مستحبّ است.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر غسل دادن برای نوزاد ضرر داشته باشد، مستحبّ نیست.<sup>۳</sup>

---

۱. برخی از مسائل این بخش، از جامع عتّاسی شیخ بهایی رحمته الله و توضیح المسائل آية الله علیه السلام یگانی رحمته الله و آية الله علیه السلام خویی رحمته الله گرفته شده است.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۵۶، الثالث.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۲.

- به اندازه وزن موها، طلا یا نقره صدقه دهند.<sup>۱</sup>
- ۲- مکروه است قسمتی از موی سر نوزاد را تراشیده و قسمتی را باقی گذارند.<sup>۲</sup>

### ختنه

- ۱- واجب است فرزند پسر ختنه شود.<sup>۳</sup>
- ۲- مستحب است ختنه نوزاد را در روز هفتم انجام دهند.<sup>۴</sup>

### عقیقه

- ۱- عقیقه، گوسفند یا حیوان دیگری است که برای هر شخصی کشته می شود، و گوسفند، گاو یا شتر در عقیقه کافی است؛ ولی قوچ از همه آنها بهتر است.
- ۲- مستحب است عقیقه سالم و چاق باشد.
- ۳- مستحب است عقیقه پسر، حیوان نر و عقیقه دختر، حیوان ماده باشد.
- ۴- مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک بدهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد، همچنان مستحب است؛ حتی اگر فرزند بالغ شد و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است خودش عقیقه را بدهد.<sup>۵</sup>
- ۵- در عقیقه می توانند گوشت خام یا پخته شده را تقسیم کنند، یا بپزند و گروهی از مؤمنین - حداقل ده نفر - را دعوت کنند و به آنها غذا بدهند.<sup>۶</sup>
- ۶- مستحب است پا و ران عقیقه را به قابله (ماما) دهند.<sup>۷</sup>
- ۷- صدقه دادن قیمت عقیقه به جای عقیقه کافی نیست.<sup>۸</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۲.
۲. همان، م ۴.
۳. همان، م ۵ و ۴.
۴. همان، م ۹.
۵. همان، م ۱۰.
۶. همان، م ۹.
۷. منهاج، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۹.
۸. همان، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۹.

- ۳- اگر غسل دادن نوزاد دو یا سه روز تأخیر بیفتد، مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

### نخستین غذا (کام برداشتن)

مستحب است - حتی پیش از خوردن شیر مادر - با آب فرات و تربت سیدالشهدا علیه السلام کام طفل را بردارند.<sup>۲</sup>

### نخستین سخن (اذان و اقامه)

مستحب است در روز اول تولد نوزاد، یا پیش از افتادن بند ناف او، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.<sup>۳</sup>

### نامگذاری

- ۱- پس از تولد نوزاد، مستحب است نام نیکویی برایش برگزینند.
- ۲- برگزیدن نام نیکو، یکی از حقوق فرزند بر پدر خویش است.
- ۳- بهترین نامها برای فرزند، نامهایی است که بندگی خداوند را دربر داشته باشد - مانند عبدالله، عبدالرحمن، عبدالرحیم - و در مرتبه دوم، نامهای پیامبران و امامان علیهم السلام.
- ۴- از میان نامهای پیامبران و امامان علیهم السلام نام محمد بهترین نامهاست.
- ۵- کسی که چهار فرزند پسر دارد، مکروه است نام یکی از آنان را «محمد» بگذارد.<sup>۴</sup>

### تراشیدن سر

- ۱- در روز هفتم تولد نوزاد - دختر یا پسر - مستحب است موی سر او را تراشیده و

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۵، م الثالث.
۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۲.
۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱، م ۷.
۴. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۲.

- زمانی که نگهداری نوزاد با غذایی غیر از شیر ممکن نبوده یا غذای دیگر

برایش زیان داشته باشد.

- زمانی که شیر دهنده‌ای غیر از مادر موجود نباشد.<sup>۱</sup>

### مدت شیر دهی

۱- شیر دهی کامل کودک، دو سال تمام است.<sup>۲</sup>

۲- کودک را می‌توانند بیش از دو سال شیر دهند.<sup>۳</sup>

۳- در صورتی که ممکن باشد، مستحب است دو سال تمام کودک را شیر دهند.<sup>۴</sup>

### شیر دایه

۱- مستحب است که مرد، همسرش را از شیر دادن به نوزادان متعدد باز دارد؛

چون ممکن است با گذشت زمان، فراموش شود که به چه کسانی شیر داده و در نتیجه، افرادی که با شیر خوردن محروم شده‌اند، با هم ازدواج کنند.<sup>۵</sup>

۲- زنی که برای شیر دادن کودک انتخاب می‌شود، مستحب است دارای

خصوصیات زیر باشد:

- مسلمان، عاقل، عقیف و زیبا.

- شیعه دوازده امامی.

- داشتن سایر خصوصیات نیکو.<sup>۶</sup>

۳- انتخاب چنین زنانی برای شیر دهی کودک مکروه است:

۱. توضیح المسائل، ص ۳۱۲، م ۱۱. ۲. همان، ص ۳۱۵، م ۱۵.

۳. جامع عباسی، ص ۳۰۴، س آخر؛ منهاج، ج ۲، ص ۲۱۰، م ۱۲۸۷.

۴. توضیح المسائل، م ۲۴۹۱. ۵. همان، م ۲۴۸۹.

۶. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۸.

۸- مکروه است که پدر نوزاد یا یکی از خانواده او از گوشت عقیقه فرزندشان بخورند، و مادر نوزاد نیز اگر از عقیقه نخورد، به احتیاط نزدیک تر است.<sup>۱</sup>

۹- در مورد اینکه در بعضی از روستاها رسم است که استخوان عقیقه را در پارچه

سفیدی پیچیده و دفن می‌کنند، مدرکی نیافتیم.<sup>۲</sup>

### ولیمه<sup>۳</sup>

۱- ولیمه دادن در تولد فرزند مستحب است.

۲- لازم نیست ولیمه تولد فرزند در روز تولد وی باشد؛ بلکه اگر چند روزی هم

بگذرد، مانعی ندارد.

۳- ولیمه دادن برای ختنه فرزند نیز مستحب است.<sup>۴</sup>

### تغذیه

#### شیر مادر و تأثیر آن

۱- مستحب است نوزاد از شیر مادر تغذیه کند؛ چون شیر مادر بهترین است.<sup>۵</sup>

۲- برای شیر دادن کودک، مادر او از هر دایه‌ای بهتر است.<sup>۶</sup>

۳- روایاتی که از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام رسیده و نیز تجربیات و آزمایش‌های گویای

این حقیقتند که شیر، تأثیر کامل در نوزاد شیر خوار دارد.<sup>۷</sup>

۴- در موارد زیر، شیر دادن به کودک بر مادرش واجب است:

۱. توضیح المسائل، ص ۳۹۰، م ۱۲۸۲. ۲. همان، م ۱۲۸۲.

۳. ولیمه: طعامی است که در جشن و شادی به افراد داده می‌شود.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۳. ۵. همان، م ۱۴.

۶. توضیح المسائل آیه‌الله علیه‌السلام یگانی رحمته‌الله، ص ۴۲۱، م ۲۴۹۶؛ منهاج، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۱۲۸۶.

۷. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۸.

آغوش بگیرد و شیر دهد.<sup>۱</sup>

۲- زنی که کودکی را نگهداری می‌کند، با شرایطی می‌تواند در لباس نجس نماز بخواند، که تفصیل مسئله در بحث طهارت، ص ۱۶ گذشت.

۳- زن شیردهی که شیر او کم است و روزه برای خودش یا کودکی که شیر می‌دهد، زیان دارد، روزه گرفتن بر او واجب نیست؛ خواه زنی شیرده مادر کودک شیرخوار باشد، خواه دایه او. تفصیل این مسئله در ص ۹۷ گذشت.

### خوردنی و نوشیدنی

- ۱- خوردن هر چیز مست‌کننده به کودک حرام است.<sup>۲</sup>
- ۲- خوردن عین نجاسات به کودک حرام است.<sup>۳</sup>
- ۳- احتیاط واجب است که آب نجس را به کودک ننوشانند، و بقیه چیزهای نجس نیز حکمشان مثل حکم آب نجس است.<sup>۴</sup>
- ۴- خوردن غذایی که برای کودک ضرر دارد، جایز نیست.<sup>۵</sup>

### حضانت

حضانت به معنای پرورش دادن کودک و پرستاری اوست، که در احکام دینی دارای مراتب و شرایطی خاص است.

- ۱- حضانت پسر در مدت دو سالی که شیر می‌خورد، با مادر اوست.
  - ۲- پس از آنکه دو سال پسر تمام شد، حق حضانتش تا زمان بلوغ با پدر اوست.
- 
- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۲۲، ۲.
  - ۲- همان، ص ۹۳، ۳۳.
  - ۳- همان، ص ۴۶، ۱۲۲.
  - ۵- توضیح المسائل آیه‌الله علی‌ها یگانی رحمته‌الله، ص ۲۵، م ۱۴۲.

- زن کم‌عقل و زشت.
- غیرمسلمان.
- غیر دوازده‌امامی.
- بد اخلاق.
- زنا زاده.
- زنی که شیرش از تولد نوزاد نامشروع به وجود آمده باشد.
- زنی که دارای خصوصیات نیکو نیست.
- ۴- استفاده از شیر زنان کافر بسیار کراهت دارد.<sup>۱</sup>

### اجرت شیردهی

- ۱- شوهر، مالک شیر زن نیست. به همین جهت است که زن می‌تواند بابت شیر دادن کودک خود مزد بخواهد.<sup>۲</sup>
- ۲- سزاوار است مادر کودک، برای شیر دادن به فرزند خود مزدی نخواهد؛ و خوب است که پدر کودک به همسرش مزد بدهد.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر مادر کودک برای شیر دادن فرزندش مزد بخواهد، باید به او پرداخت شود.<sup>۴</sup>

### نماز و روزه زن شیرده

۱- اگر ضرورت داشته باشد، مادر کودک می‌تواند فرزندش را در حال نماز در

- 
- ۱- تحریر الوسیله، ص ۲۷۶، م ۸.
  - ۲- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۶۱۹، م ۸.
  - ۳- توضیح المسائل آیه‌الله علی‌ها یگانی رحمته‌الله، ص ۴۲۱، م ۲۴۹۶؛ توضیح المسائل آیه‌الله خویی رحمته‌الله، ص ۴۲۶، م ۲۴۹۶.
  - ۴- جامع عباسی، ص ۳۰۴، س آخر؛ منهاج، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۱۳۸۶.

## تحصیل

۱- خواندن، درس دادن، نوشتن، نگهداری و حتی خرید و فروش کتابهای گمراه کننده حرام است؛ مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکالهای آن.<sup>۱</sup>

۲- دادن قرآن به کودک برای آموزش، جایز است؛ هر چند معلوم باشد که بدون وضو دست به خط قرآن می زند.<sup>۲</sup>

۳- بر ولی دانش آموز حرام است فرزند خود را تحت تعلیم معلمان فاسق و بی ایمانی که باعث فساد عقیده و اخلاق او می شوند، قرار دهد.<sup>۳</sup>

۴- حاضر شدن در کلاس درسی که استاد آن فساد عقیده داشته و در ضمن درس علیه اسلام تبلیغ می کند، جایز نیست.<sup>۴</sup>

۵- فرستادن کودک به مدرسه‌ای که بانی آن بهایی یا معتقد به یکی از فرقه‌های گمراه است، چنانچه باعث تقویت آنان شود، حرام است.<sup>۵</sup>

## مراقبتهای تربیتی

۱- احتیاط واجب آن است که مرد نامحرم دختر بچه شش ساله را در دامن نگیرد.<sup>۶</sup>

۲- مرد می تواند دختر بچه نامحرمی را که شش سالش تمام نشده، بر دامن خود بنشاند؛ ولی از روی شهوت جایز نیست.<sup>۷</sup>

۱. تحریر الوسیله، کتاب المکاسب، م ۲۲. ۲. استفتائات، ج ۲، ص ۶۱۶، س ۳.  
 ۳. توضیح المسائل آیة الله علیا یگانی رحمته الله علیه، ص ۲۳۴، م ۱۲۹۸.  
 ۴. همان، ص ۴۹۳، م ۲۸۷۹.  
 ۵. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۳۰، م ۶۷.  
 ۶. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۵.  
 ۷. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴، م ۳۶.

۳- حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر اوست.

۴- پس از آنکه دختر هفت ساله شد، حضانتش با پدر اوست.

۵- بهتر است کودک را تا هفت سالگی در حضانت مادر باقی گذارند؛ هر چند پسر باشد.

۶- در حضانت مادر نسبت به کودکی که دو سالش تمام نشده، فرقی نیست که

مادر، خودش کودک را شیر دهد یا دیگری او را شیر دهد.

۷- مادر کودک مجاز است که حضانت او را بپذیرد، یا نپذیرد.<sup>۱</sup>

۸- پس از مرگ پدر و مادر، حضانت کودک به ترتیب اولویت به عهده افراد زیر

است:

- جد پدری کودک

- وصی پدر یا وصی جد پدری

- نزدیک ترین خویشان کودک بر مبنای مراتب ارث<sup>۲</sup>

۹- افرادی که حضانت کودک به آنها می رسد، اگر در مرتبه ارث با هم یکسان

باشند و بر سر حضانت میان آنها مشاجره شود، باید به قید فرعه یکی از ایشان

انتخاب شود.<sup>۳</sup>

## تعلیم و تربیت

از مهم ترین مسائل اسلامی، توجه به وضع تعلیم و تربیت فرزندان و مراقبت در حُسن ترقی و تکامل آنهاست، که پدر و مادر مسئولیت بسیار خطیر و حساسی دارند که باید به آن توجه داشته باشند و فرزندان خود را یاری دهند.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۱۶. ۲. همان، ص ۳۱۳، م ۱۷.  
 ۳. همان.

البته به این شرط که کودک به حدی نباشد که نگاه کردن به او باعث تحریک شهوت زن شده و یا امکان تحریک شهوت داشته باشد.<sup>۱</sup>

۱۲- نگاه کردن به بدن دختر بچه نابالغ، با قصد لذت حرام است و بدون قصد، اگر

باعث تحریک شهوت نشود، جایز است.<sup>۲</sup>

۱۳- مرد نامحرم، بدون قصد لذت و وجود شهوت، بنا بر احتیاط واجب فقط به

جاهایی از بدن دختر نابالغ می تواند نگاه کند که رسم بر پوشاندن آن نیست، ولی

جاهایی که معمولاً آن را می پوشانند - مثل ران و باسن و پشت و سینه - احتیاط واجب آن است که نگاه نکند.<sup>۳</sup>

۱۴- بر ولی کودک لازم است که او را از آنچه موجب فساد اخلاقش می شود و به عقایدش ضرر می زند، حفظ کند.<sup>۴</sup>

۱۵- پدر و مادر می توانند برای تربیت فرزندان خود، آنها را به انجام کارهای خانه -

مانند جارو کردن و لباس شستن و خرید نان و... - امر کرده و بدون مزد آنان را به این کارها وادار کنند.<sup>۵</sup>

## حفظ شخصیت و احترام کودکان

۱- غیبت کودک ممیز برای مکلفان جایز نیست.<sup>۶</sup>

۲- دشنام دادن به کودک موجب تعزیر<sup>۷</sup> است.<sup>۸</sup>

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۶.

۲. همان، م ۲۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۳، م ۳۵.

۳. تحریرالوسیله، همان.

۴. مجمع المسائل، ج ۳، ص ۴۴، م ۱۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۵۶۸، م ۱۱.

۶. تعزیر = تادیب، مجازاتی است که از سوی حاکم شرع برای گناه مشخص و اجراء می شود و این مجازات

از حدکمتر است و در مورد گناهانی است که حد ندارد.

۸. جامع عباسی، ص ۴۲۸، س ۴.

۳- بنا بر احتیاط واجب، بوسیدن دختر شش ساله برای مرد نامحرم جایز نیست.<sup>۱</sup>

۴- بستن کودکان ده ساله باید از یکدیگر جدا شود.<sup>۲</sup>

۵- فرزند نباید بی اجازه وارد اتاقی شود که پدرش با همسر خود در آن خلوت گزیده اند.<sup>۳</sup>

۶- لمس کردن پسر بچه و دختر بچه غیر ممیز، توسط زن یا مرد، اگر تحریک شهوت را در بی نداشته باشد، جایز است؛ وگرنه جایز نیست.<sup>۴</sup>

۷- پوشاندن عورت از پسر بچه ها و دختر بچه های ممیز، به ویژه آنهایی که در آستانه بلوغند، بر مردان و زنان واجب است.<sup>۵</sup>

۸- نگاه کردن به عورت کودکان ممیز جایز نیست؛ خواه نگاه کننده زن باشد یا

مرد، به پسر بچه نگاه کند یا به دختر بچه.<sup>۶</sup>

۹- زن نامحرم در مقابل پسر بچه ممیز، اگر باعث تحریک شهوت پسر شود، باید خودش را از او ببوشاند و اگر باعث تحریک او نشود، پوشاندن واجب نیست.<sup>۷</sup>

۱۰- اگر عادتاً امکان داشته باشد که شهوت پسر بچه در اثر نگاه کردن تحریک شود، احتیاط واجب آن است که زن بدن و موی خود را از او ببوشاند.<sup>۸</sup>

۱۱- زن می تواند جز عورت، به سایر اعضای بدن پسر بچه غیر ممیز نگاه کند؛

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۵.

۲. همان، م ۴۲.

۳. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۴؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۳، م ۳۵.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶۴، م ۳-۱، و ص ۵۵۰؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۷.

۵. همان.

۶. همان، ج ۳، ص ۲۴۴، م ۲۶.



یا زیان فرزند شود.<sup>۱</sup>

۴- اگر بیدار نکردن افراد خانواده برای نماز، باعث سهل انگاری و سبک شمردن

نماز باشد، باید آنها را بیدار کنند.<sup>۲</sup>

۵- نماز پسر بچه، مثل نماز مرد، و نماز دختر بچه مثل نماز زن است؛ مثلاً

همان گونه که مردان باید حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشاء را بلند بخوانند،

پسر بچه نیز باید بلند بخواند.<sup>۳</sup>

۶- پوشش دختر بچه در حال نماز، مانند پوشش زنان بالغ است؛ ولی پوشاندن

سر و گردن بر او لازم نیست.<sup>۴</sup>

۷- مستحب است که موهای دختر بچه را در حال نماز ببوشانند.<sup>۵</sup>

## نماز جماعت

۱- بر پایی نماز جماعت توسط کودکان، برای تمرین آنان مانعی ندارد.<sup>۶</sup>

۲- امامت جماعت کودکان برای افراد بالغ صحیح نیست.<sup>۷</sup>

۳- با اقتدای کودک ممیز به مرد بالغی که شرایط امامت جماعت را دارد، جماعت

برقرار شده و صحیح است.<sup>۸</sup>

۴- ایستادن کودک ممیز در صف نماز جماعت اگر طوری باشد که اتصال افراد

فقط با او باشد، تا زمانی که باطل بودن نمازش معلوم نباشد، جماعت صحیح است.<sup>۹</sup>

۱. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۲۷، م ۵۱. ۲. استفتانات، ج ۱، ص ۱۳۳، م ۲۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۰۲، م ۱۷.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۲، م ۱۴۶، ج ۱، ص ۱۴۶، م ۲۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵۲، م ۸.

۵. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷۴.

۶. منهای، ج ۱، ص ۲۲۸، الفصل الثالث؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۹، م ۱۰.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۴. ۸. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۶، م ۸.

۹. همان، ج ۱، ص ۷۸۲، م ۲۲.

۳- اگر کودک ممیزی بر کسی سلام کند، بنا بر احتیاط باید جواب سلامش را بدهد.<sup>۱</sup>

۴- جواب سلام، واجب کفایی است. پس اگر کسی به گروهی سلام کند و یکی از

آنان جواب دهد، کافی است و اگر آن یک نفر کودک ممیز باشد، جوازش کافی است و

لازم نیست بزرگ‌ترها هم جواب بدهند.<sup>۲</sup>

۵- برتری دادن فرزندی بر فرزند دیگر در هدیه دادن، کراهت دارد.<sup>۳</sup>

۶- اگر یکی از فرزندان دارای خصوصیتی باشد که سزاوار برتری است، چنانچه

باعث فساد نشود، برتری دادن او در هدیه خوب است.<sup>۴</sup>

۷- اگر هدیه دادن به فرزندی به جهت برتری او بر فرزندان دیگر، باعث تحریک

حسادت و کینه سایرین شده و فتنه برانگیزد، حرام است.<sup>۵</sup>

## عبادت کودکان

### تمرین عبادت

۱- عبادت‌های کودک ممیز - در صورتی که درست انجام شود - مورد قبول شرع

بوده و صحیح است.<sup>۶</sup>

۲- تمرین دادن کودک ممیز بر تمام عبادتها، مستحب است.<sup>۷</sup>

۳- پسندیده است که انسان، فرزند خود را پیش از تکلیف یا پس از آن، برای

نماز از خواب بیدار کند؛ مگر آنکه به خاطر بیماری یا عذر دیگری باعث آزار

۱. مسائل و ردود، ص ۱۲۱، م ۳۴۰. ۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۱۵، م ۳۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۱، م ۲۲. ۴. همان.

۵. همان.

۶. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۹۱، م ۱۵ و ص ۷۱۴، م ۳۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۱۷، م ۲.

۷. همان، ص ۷۱۴، م ۳۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۱۷، م ۲.

## هزینه زندگی فرزندان

- ۱- واجب است انسان - در صورتی که بتواند - هزینه زندگی فرزندان، نوه‌ها و نتیجه‌های خود و فرزندان آنها را، که فقیر بوده و توانایی کسب و کار ندارند، بدهد؛ خواه کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر.<sup>۱</sup>
- ۲- فقط هزینه زندگی فرزندان و فرزندان فرزندان، اگر فقیر باشند، بر پدر واجب است، و هزینه زندگی همسر فرزندش بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>
- ۳- پرداخت هزینه فرزندی که فقیر است و توانایی کسب ندارد، بر پدر و مادر او واجب است. اما هزینه ازدواج او بر والدینش واجب نیست.<sup>۳</sup>

## پرداخت خمس و زکات به فرزند

- چون مخارج فرزند بر عهده ولی اوست، بنا بر احتیاط واجب، دادن خمس یا زکات به فرزند برای توسعه در زندگی جایز نیست.<sup>۴</sup>

---

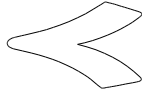
۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۹، م ۱.  
 ۲. همان، ص ۳۲۱، م ۱۰.  
 ۳. مجمع المسائل، ج ۲، ص ۱۸۴، م ۵۲۴.  
 ۴. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۱۹، م ۹، الثالث؛ توضیح المسائل، م ۱۸۳۵ و ۱۸۴۱.

## نماز مسافر

- ۱- کودک نابالغ اگر بخواهد در سفری که قصد ماندن ده روز را نکرده، نماز بخواند، باید نمازش را شکسته بخواند.<sup>۱</sup>
- ۲- وطن فرزند، همان وطن پدر و مادر اوست؛ مگر آنکه پس از بلوغ، از وطن پدر و مادرش اعراض کرده و وطن دیگری را برای خود برگزیند. در این حکم، تفاوتی نیست که آن وطن، وطن اصلی والدین و محل تولد فرزند باشد، یا اینکه پدر و مادر، پیش از بلوغ فرزند، وطنی جدید را برگزیده باشند و سپس فرزند بالغ شود.<sup>۲</sup>
- ۳- پس از بلوغ فرزند، اگر پدر و مادرش از وطن اصلی خود اعراض کرده و وطنی جدید را برگزینند، فرزند تابع آنان نیست؛ مگر اینکه خودش قصد کند آنجا را وطن قرار دهد.<sup>۳</sup>
- ۴- کسی که در زندگی قدرت تصمیم‌گیری ندارد، در فرار دادن وطن، تابع کسی است که در زندگی او تصمیم می‌گیرد و در این جهت، میان کودک و بزرگسال فرقی نیست؛ چه بسا کودکی که تابع نیست و بسا بالغی که تابع است.<sup>۴</sup>
- ۵- ملاک تبعیت فرزند از پدر و مادر در وطن جدید، این است که فرزند از خود استقلالی در انتخاب محل زندگی نداشته و عرفاً تابع پدر و مادر حساب شود، خواه بالغ باشد یا نباشد.<sup>۵</sup>
- ۶- اگر کودک در شهر یا روستایی متولد شده و بزرگ شده آنجا باشد، آن شهر یا روستا وطن او حساب می‌شود.<sup>۶</sup>

---

۱. العروة الوثقی، ص ۱۱۴، م ۱۱ و ج ۲، ص ۱۴۸، م ۱۷.  
 ۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۲، م ۳.  
 ۳. همان.  
 ۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۵۸، م ۳.  
 ۵. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۴۲، م ۳.  
 ۶. استفتانات، ج ۱، ص ۲۶۵، م ۴۳۱ و ۴۳۲.



## روابط اجتماعی

انسان به حکم طبیعت و فطرت، موجودی اجتماعی است و نه تنها به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند و نیازهای خود را برطرف سازد، بلکه انسان سالم، همیشه علاقه‌مند برقراری ارتباط با دیگران، رفت و آمد با آنها و دیدن و بازدید از آنهاست، و این علاقه، نسبت به ارحام و خویشاوندان بیشتر است.

دین اسلام که بر اساس فطرت بشر بنیان نهاده شده و هماهنگ با خواسته‌های ضروری وی بر نامه و قانون وضع کرده، نه تنها از این نیاز بشر و شیوه ارتباط انسانها غافل نبوده، بلکه دستورهای دقیق و سعادت‌بخشی را صادر کرده است.

احکام اسلام هرگز انسانها را به خانه‌نشینی و گوشه‌گیری و عزلت‌گزینی دعوت نکرده است؛ بلکه آنان را به کار و تلاش در جامعه و برقراری ارتباط با دیگران خوانده است.

با نگاه کلی به برخی از برنامه‌های عبادی اسلام که روح جمعی بر آن حاکم است و فلسفه آن را ایجاد ارتباط و وحدت و همبستگی مسلمانان شمرده‌اند. همچون حج و

### نگاه و تماس زن و شوهر

از نظر احکام اسلام، در نگاه و تماس زن و شوهر یا یکدیگر، هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد و این دو، به تمام بدن یکدیگر، هر چند برای لذت بردن باشند، می‌توانند نگاه کنند، و لمس هر جای بدن یکدیگر نیز جایز است، جز در موارد محدودی که کراهت دارد و در بحث فرزندخواهی گذشت.<sup>۱</sup>

### نگاه و تماس با همجنس

۱- مرد نباید به عورت مرد دیگر و زن نیز نباید به عورت زن دیگر نگاه کند.<sup>۲</sup>  
 ۲- مرد می‌تواند بدون قصد لذت به تمام بدن مرد دیگری - بجز عورت<sup>۳</sup> - نگاه کند؛ خواه پیر باشد یا جوان، زیباروی باشد یا زشت‌رو؛ و لمس بدن او نیز چنانچه به قصد لذت بردن نباشد و با تماس بدنی تحریک نشود، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>  
 ۳- زن نیز می‌تواند همان‌گونه که در مسئله قبل گفته شد، به بدن زن دیگر بنگرد یا بدن او را لمس کند.<sup>۵</sup>

### نگاه و تماس با غیر همجنس

۱- نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد، خواه همجنس - مانند نگاه مرد به مرد دیگر - یا غیر همجنس - مانند نگاه مرد به زن - یا به عکس، و خواه از محارم باشد یا غیر محارم و به هر جای بدن که باشد، حرام است.<sup>۶</sup>

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳، م ۱۹ - ۱۵. ۲. همان، کتاب التکاح، ص ۲۴۲، م ۱۶.  
 ۳. آیة‌الله صافی: احتیاط واجب آن است که به مابین ناف و زانوها نگاه نکند.  
 آیة‌الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب، به قسمتهایی از بدن که در میان افراد محرم نگاه به آن معمول نیست، نگاه نکنند.  
 ۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳، م ۱۹ - ۱۵.  
 ۵. همان، صص ۲۴۲ و ۲۴۳، م ۱۹ - ۱۵.

جمعه و جماعات - و بخش زیادی از قرار دادهای اقتصادی که بدون ارتباط با دیگران هرگز عملی نخواهد بود - همچون معامله، مضاربه، مسافقات، مزارعه، اجاره و... - و احکام ویژه اجتماعی - همچون امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و دفاع - و مسائل حکومتی آن - همچون قضا و شهادت و حدود و دیات - هرگز نمی‌توان گوشه‌نشینانی را پذیرفت و دین اسلام را جدای از مسائل اجتماعی و سیاسی و مدیریتی جامعه دانست؛ و بی‌شک برای عملی شدن این احکام گسترده و دقیق، تمام افراد جامعه در ارتباط با یکدیگر باید به تلاش پی‌گیر و مستمر بپردازند. ولی از آنجا که در این ارتباط و تعامل طرفینی، اگر مقررات دقیق و ظریفی وجود نداشته باشد تا وظیفه انسانها را در صحنه اجتماع مشخص کند، هرج و مرج اخلاقی و اقتصادی و سیاسی رخ خواهد داد که آبرو و جان و مال افراد را به خطر می‌اندازد و کانون گرم خانواده‌ها را متلاشی می‌کند، لذا مکتب اسلام، جدا از احکامی که برای سالماندگی برنامه‌های اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی وضع کرده است، دستورالعملی ویژه برای شیوه ارتباط زنان و مردان دارد که با مراعات آنها، سعادت افراد بشر در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی‌شان تأمین خواهد شد.

### نگاه و تماس

در فقه اسلامی، شیوه ارتباط افراد و حد و مرز آن مشخص شده است، که می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد:

نگاه و تماس	}	۱. زن و شوهر
		۲. همجنس
		۳. غیر همجنس: ۱. محرم ۲. نامحرم

۸- پزشک مرد برای معالجه زن نامحرم و پزشک زن برای معالجه مرد نامحرم، در صورتی که ناچار باشد او را نگاه کند یا دست به بدن او بزند، اشکال ندارد؛ ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند، نباید دست بزند و اگر با دست زن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند.<sup>۱</sup>

۹- اگر پزشک همجنس وجود دارد و معالجه بیماری نیاز به دیدن یا لمس بدن دارد، بر او جایز نیست به پزشک غیر همجنس مراجعه کند.<sup>۲</sup>

۱۰- مردی که تصمیم دارد با زنی ازدواج کند، می تواند به او نگاه کند، به شرط آنکه:

- با قصد لذت نگاه نکند و هدف او ازدواج باشد.
- احتمال توافق از دواج را بدهد.
- با نگاه کردن، شناخت نسبت به وی افزوده شود.
- زنی باشد که اکنون بتواند با او ازدواج کند؛ مثلاً شوهر دار یا در عده نباشد.
- با شرایطی که گفته شد، مرد می تواند به بدن زن مورد خواستگاری نگاه کند، و احتیاط مستحب است که تنها به صورت و دستها و نیکویی های او - مانند موی سرش - اکتفا کند و مستحب است که از پشت لباس نازک ببیند.<sup>۳</sup>
- ۱۱- لمس بدن نامحرم، حتی لمس دست و صورت او، حرام است؛ چه بدون قصد لذت یا با قصد لذت.<sup>۴</sup>

۱۲- مرد و زن نامحرم نمی توانند به هم دست بدهند (مصافحه کنند)، مگر از زیر لباس، و در آن صورت نیز بنا بر احتیاط واجب، نباید دست یکدیگر را بفشارند.<sup>۵</sup>

۱. تحریر الوسیله، ص ۲۴۳، م ۲۲.  
 ۲. همان.  
 ۳. همان، ص ۲۴۵، م ۲۸.  
 ۴. همان، ص ۲۴۳، م ۲۰.  
 ۵. همان، م ۲۴۳، م ۲۰.

۲- مرد می تواند به بدن زنی که با او محرم است - مثل مادر و خواهر و خاله - بدون قصد لذت نگاه کند.<sup>۱</sup>

۳- زن می تواند به بدن مردی که با او محرم است - مثل پدر، برادر، دایی و عمو - بدون قصد لذت نگاه کند.<sup>۲</sup>

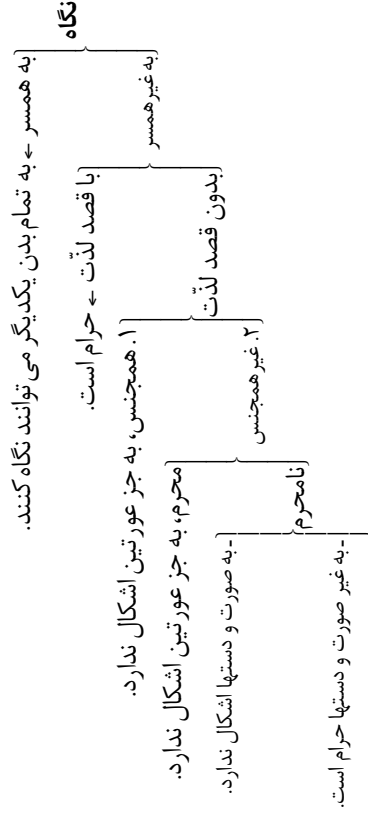
۴- مرد می تواند به دست و صورت زن نامحرم، بدون قصد لذت نگاه کند.<sup>۳</sup>

۵- زن می تواند به دست و صورت مرد نامحرم، بدون قصد لذت نگاه کند.<sup>۴</sup>

۶- زن و مرد نامحرم نباید به سایر قسمتهای بدن یکدیگر - بجز صورت و دستها تا میچ - حتی بدون قصد لذت نگاه کنند.<sup>۵</sup>

۷- نگاه کردن به زن غیر مسلمان، بدون قصد لذت اشکال ندارد و احتیاط آن است که به جاهایی که به طور متعارف می پوشانند، نگاه نکنند.<sup>۶</sup>

## خلاصه احکام نگاه



۱. تحریر الوسیله، صص ۲۴۲ و ۲۴۳، م ۱۹-۱۵.  
 ۲. همان.  
 ۳. همان.  
 ۴. همان.  
 ۵. همان، ص ۲۴۴، م ۲۷.

## شرایط لباس

- ۱- در احکام دین، دستور خاصی درباره نوع لباس وارد نشده است؛ ولی لباس انسان باید شرایط زیر را داشته باشد:
  - به مقدار لازم، بدن را بپوشاند.
  - نازک و بدن نما نباشد.
  - برجستگی های بدن را بپوشاند.
  - لباس شهرت نباشد.
  - لباس جنس مخالف نباشد.
  - مروج فرهنگ ابتذال و دشمنان نباشد.
  - لباس مردان، از حریر و زربفت نباشد.<sup>۱</sup>
- ۲- پوشیدن لباس شهرت - چه برای مرد و چه برای زن - بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ و لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای انسان به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علت های دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می شود.<sup>۲</sup>
- ۳- پوشیدن لباس مخصوص بانوان - مانند چادر - برای مردان و پوشیدن لباس مخصوص مردان - مانند کت و شلوار مردانه - برای بانوان، بنا بر احتیاط واجب حرام است.<sup>۳</sup>
- ۴- پوشیدن لباسهایی که ترویج کننده فرهنگ غیراسلامی دشمن است، اشکال دارد.<sup>۴</sup>
- ۵- پوشیدن لباس ابریشم خالص و زینت کردن به طلا - مثل آویختن زنجیر طلا

۱. رساله أجوبة الاستفتانات، صص ۳۰۵ - ۳۰۴.

۲. توضیح المسائل، م ۸۴۵، رساله أجوبة الاستفتانات، ص ۳۰۴.

۳. توضیح المسائل، م ۸۴۶.

۴. رساله أجوبة الاستفتانات، ص ۳۰۷، س ۱۳۷۷.

## نگاه به عکس و فیلم

- ۱- نگاه کردن به عکس نامحرمی که حجاب لازم را رعایت نکرده، در صورتی که صاحب عکس را نشناسد و مفسده ای نداشته باشد - مثلاً تحریک شهوت نکند - اشکال ندارد.<sup>۱</sup>
  - ۲- نگاه به فیلم، حکم نگاه به شخص را ندارد و در صورتی که حجاب لازم را مراعات نکرده باشد، نگاه به آن بدون قصد لذت، چنانچه مفسده ای نداشته باشد، مانع ندارد.<sup>۲</sup>
- ## پوشش (حجاب)
- ۱- بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ، واجب نیست.<sup>۳</sup>
  - ۲- اگر زن بفهمد زنی یا مرد محرمی (بجز همسر) با قصد لذت به او نگاه می کند، باید تمام بدن را از او بپوشاند.<sup>۴</sup>
  - ۳- انسان باید عورت خود را از تمام افراد، بجز همسر، بپوشاند.<sup>۵</sup>
  - ۴- بچه غیر ممیز (بچه ای که خوب و بد را تشخیص نمی دهد) از احکامی که در باب نگاه کردن و پوشش گفته شد، خارج است؛ اما احتیاط واجب آن است که زن، بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند.<sup>۶</sup>

۱. استفتانات، ج ۳، ص ۲۵۹، س ۶.

۲. تحریر الواسطه، ج ۲، کتاب التکاح، ص ۲۴۴، م ۲۳.

۳. همان، ص ۲۵، م ۲۵.

۴. همان، ج ۲، کتاب التکاح، ص ۲۴۴، م ۲۶.

## محارم نسبی

هفت دسته از زن‌ها و مرد‌ها به سبب خویشاوندی بر یکدیگر محرمند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند:

### افرادى که بر پسر ها و مردان محرمند:

- ۱- مادر و مادر بزرگ.
- ۲- دختر و دختر فرزند.
- ۳- خواهر.
- ۴- خواهرزاده (دختر خواهر).
- ۵- برادرزاده (دختر برادر).
- ۶- عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).
- ۷- خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).<sup>۱</sup>

### دو مسئله

۱- عمه عمه و خاله خاله، در صورتی که عمه و خاله پدر یا مادر نباشند، محرم نیستند؛ مثل اینکه عمه انسان با پدر وی، فقط از طریق مادر منسوب باشد، که در این صورت عمه عمه، عمه پدر نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

۲- بجز افرادی که نوشته شد و برخی افراد دیگر که به سبب ازدواج یا شیر خوردن محرم می‌شوند،<sup>۳</sup> زن‌ها و دخترهای دیگر نامحرمند؛ حتی همسر برادر و خواهر همسر؛ گرچه ازدواج با خواهر زن نامدتی که خواهرش همسر اوست، حرام می‌باشد؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۶۳-۲۶۴.  
 ۲. همان.  
 ۳. در صفحات بعدی خواهد آمد.

به سینه، انگشتر یا حلقه طلا به دست کردن - برای مردان حرام است.<sup>۱</sup>

## گفت‌وگو با نامحرم

سخن گفتن با نامحرم و شنیدن صدای او، اگر با قصد لذت نباشد، اشکال ندارد. اما بر زن حرام است که با مردان نامحرم به صورت تحریک‌آمیز - مثلاً با صدای نازک و نرم - صحبت کند؛ زیرا کسی که در قلبش مرض است، طمع می‌کند.<sup>۲</sup>

شایسته است بانوان محترم و همچنین آقایان عزیز در سخن گفتن با نامحرم به مقدار نیاز اکتفا کنند و از صحبت‌های غیر ضروری و تحریک‌آمیز بپرهیزند.

## مَحْرَم و نامحرم

چون در مسائل گذشته سخن از محرم و نامحرم به میان آمد، اکنون بجاست اسباب محرمیت و کسانی که با یکدیگر محرم هستند، بازشناخته شود:

۱- محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او و تماس بدنی با او، محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست، وجود ندارد (به تفصیلی که در احکام نگاه و تماس گذشت).

## اسباب محرمیت

- ۱- نسب (همزاد بودن)
- ۲- سبب (ازدواج)
- ۳- رضاع (شیر دادن)

یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر آنکه اولی را طلاق بدهد یا از دنیا برود.<sup>۱</sup>

### افرادى که بر دخترها و زنان محرمند:

- ۱- پدر و پدربزرگ.
- ۲- پسر و پسر فرزند (نوه).
- ۳- برادر.
- ۴- خواهرزاده (پسر خواهر).
- ۵- برادرزاده (پسر برادر).
- ۶- عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).
- ۷- دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).<sup>۲</sup>

### محارم سببى

- الف - افرادی که به واسطه ازدواج، بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، عبارتند از:
- ۱- همسر.
  - ۲- مادر همسر و مادر بزرگ او.
  - ۳- دختر همسر؛ هر چند دختر خودش نباشد. (در صورتی که با آن زن آمیزش کرده باشد، و عقد، به تنهایی سبب محرمیت نمی‌شود).
  - ۴- زن پدر (نامادری).
  - ۵- زن پسر (عروس).<sup>۳</sup>
- ب - افرادی که به واسطه ازدواج، بر دخترها و زنها محرم می‌شوند عبارتند از:

۱. توضیح المسائل، ص ۲۸۰، م ۱۵.  
 ۲. کتاب النکاح، ص ۲۷۷، م ۱.  
 ۳. تحریر الواسطه، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۷۷، م ۱.

- ۱- شوهر.
  - ۲- پدر شوهر و پدربزرگ او.
  - ۳- پسر شوهر - هر چند فرزند خودش نباشد - و نوه او.
  - ۴- شوهر مادر (به شرط آنکه با هم آمیزش کرده باشند).
  - ۵- شوهر دختر (داماد).<sup>۱</sup>
- به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند، دیگر مردها نامحرمند؛ حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.<sup>۲</sup> ولی همچنان که گذشت، ازدواج با شوهر خواهر حرام است.

### محارم رضاعى

اگر کودکی، با شرایطی که خواهد آمد، از زنی شیر بخورد، موجب محرمیت برخی افراد می‌شود.

### شرایط شیر دادنی که سبب محرمیت می‌شود:

- کودک، شیر زن زنده را بخورد.
- شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده، اثر ندارد).
- کودک، شیر را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند، اثر ندارد).
- شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند).
- دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی ۲۴ ماه قمری).
- شیر از یک شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیر دار شود و شیر دادن را تکمیل کند،

۱. توضیح المسائل، ص ۲۷۷، م ۱.  
 ۲. همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.



- این گونه شیر دادن سبب محرمیت نمی شود).
- کودک، به سبب بیماری شیر را قی نکند.
- حداقل یک شبانه‌روز شیر سیر بخورد و در بین آن، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد؛ یا ۱۵ مرتبه شیر بخورد و در بین ۱۵ مرتبه شیر زن دیگری را نخورد؛ یا مقداری شیر بخورد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک شود.<sup>۱</sup>
- اگر کودکی که شیر خورده، پسر باشد، با این افراد محرم می شود:**

- ۱- زنی که به او شیر داده.
  - ۲- مادر و مادربزرگ آن زن.
  - ۳- خواهر آن زن.
  - ۴- دختران و نوه‌های او.
  - ۵- عمه و خاله آن زن.
  - ۶- عمه و خاله شوهر آن زن.
- و شوهر آن زن که از او شیر دار شده نیز پدر رضاعی این کودک به حساب می آید.
- و اگر کودکی که شیر خورده، دختر باشد، با این افراد محرم می شود:**
- ۱- شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست.
  - ۲- پدر آن شوهر.
  - ۳- پسرها و نوه‌های او.
  - ۴- برادران او.
  - ۵- عمو و دایی او.
  - ۶- برادران زنی که به او شیر داده است.
  - ۷- فرزندان و نوه‌های آن زن.

- ۸- پدر و پدربزرگ او.
  - ۹- عمو و دایی آن زن.
- و زنی که به او شیر داده، مادر رضاعی او به حساب می آید.
- افرادی که گفته شد، تنها به کودکی که شیر خورده است محرم می شوند، نه با خویشاوندان او؛ حتی به پدر و برادران وی هم محرم نمی شوند.<sup>۱</sup>

### فعالیت‌های اجتماعی بانوان

بانوان، نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و در پیشبرد اهداف عالی انسانی و ترقی جامعه، نقشی بسزا دارند. لذا بازداشتن آنها از فعالیت‌های اجتماعی و تلاش‌های مؤثر و ویژه‌ای که دارند، کاری درست نیست و بی تردید، دین اسلام نیز به این جایگاه و نقش و اثر آنان بی توجه نبوده و قطعاً راهکار علمی برای این مسئله اندیشیده است.

با توجه به اینکه اسلام، برای حفظ عفت عمومی و شخصیت معنوی افراد و پایداری کانون خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل است، باید فعالیتها و مسئولیت‌های اجتماعی بانوان لطمه‌ای به این امور مهم نزند؛ بلکه هر دو مسئله به طور مطلوب مراعات گردد. اکنون به چند پرسش و پاسخ فقهی در این مورد توجه فرمایید:

- ۱- س: با توجه به اینکه وظیفه و مسئولیت زن در جامعه و نظام اسلامی، تربیت فرزند و اداره خانواده است، آیا در حال حاضر با توجه به نیازهای جامعه، ضروری است - در کنار آن وظیفه - در مراکز فرهنگی و درمانی مشغول خدمت شود، مانند دبیری، معلمی، پرستاری، پزشکی، که لازمه‌اش رفتن به دانشگاه است؟ و آیا رفتن به جنبه برای کارهای امدادی و فرهنگی، در صورت نیاز، اشکالی دارد؟

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۶۸، م ۷.

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۶۵؛ توضیح المسائل، م ۲۴۷۴.

است، و در موردی که معالجه بیمار در بیرون بر پزشک زن واجب شود، شوهر او حقّ ممانعت او را ندارد.<sup>۱</sup>

۴-س: زنی معلم است و این امر را یک فریضه شرعی می‌داند؛ ولی شوهرش عقیده دارد که کار او بیرون خانه، مانع رسیدگی و تربیت صحیح فرزندانش می‌شود و باید یا وقت کارش را صرف در خانه نماید، یا وقت خانه را صرف در کارش. تکلیف چیست؟

ج: خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد؛ ولی شوهر نمی‌تواند او را وادار به رسیدگی به فرزندان نماید.<sup>۲</sup>

۵-س: آیا شرکت مازنان و دختران در نماز جمعه و راهپیمایی‌ها احتیاج به اجازه پدر و مادرمان دارد یا خیر؟ و در صورتی که بدون اجازه آنها باشد، آیا گناه و معصیتی مرتکب شده‌ایم؟

ج: زن، بدون اجازه شوهر نباید از منزل خارج شود و اجازه پدر و مادر شرط نیست؛ ولی از کاری که موجب اذیت آنان باشد، باید اجتناب نمایید.<sup>۳</sup>

۲. همان، ص ۳۴۶، س ۵.

۱. استفتانات، ص ۳۴۷، س ۱۰.

۳. همان، ص ۳۵۵، س ۲۶.

ج: شرکت زن در خدمات فرهنگی و اجتماعی و رفتن به دانشگاه، با مراعات کامل حجاب شرعی مانعی ندارد؛ ولی خروج زن شوهردار از منزل منوط به اجازه شوهر است.<sup>۱</sup>

۲-س: بسیاری از زنان جامعه کنونی، مایلند در جبهه‌ها فعالیت کنند و یا در رشته‌های گوناگونی مثل کمکهای اولیه، یا در بیمارستانها خدمت کنند. نظر آنان در این مورد چیست، اگر جایز نیست زن به جبهه برود، پس از چه راهی می‌تواند به اسلام و مسلمین خدمت کند که برابر جایزیهایی برادران رزمنده در جبهه باشد (البته این موضوع هم مهم است که تربیت نسل آینده، خدمتی بزرگ به اسلام است؛ ولی این وظیفه را همه مادران جامعه انجام داده و می‌دهند) لطفاً بفرمایید چه کارهای دیگری بر عهده زنان است؟ آیا رفتن به جبهه برای زن ممنوع است؟

ج: بزرگ‌ترین وظیفه زن، کوشش در انجام وظایف شوهرداری و تربیت صحیح و اسلامی فرزندان است، و شرکت در خدمات اولیه در مانی، با مراعات کامل حجاب شرعی - در صورتی که شوهر داشته باشد، با اجازه شوهر - مانع ندارد، ان شاء الله موفق باشید.<sup>۲</sup>

۳-س: خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر، در چه مواردی جایز است، و آیا شوهر می‌تواند مانع خروج زن پزشک خود که متخصص زنان و زایمان است (و برای معالجه بیماران مجبور است در بعضی از شبها خانه را ترک کند) بشود؟

ج: کارکردن زن در بیرون منزل، اگر منافعی با حقوق زناشویی شوهر نباشد، با حفظ حجاب اشکال ندارد؛ ولی خروج زن از منزل برای غیر واجبات، منوط به اجازه شوهر

۱. استفتانات، ج ۳، ص ۳۵۱، س ۱۴.

۲. این استفتاء مربوط به دوران دفاع مقدس است که جبهه‌های نبرد حق علیه باطل نیاز به نیرو داشت.

۳. استفتانات، ص ۳۴۸، س ۱۱.

## احکام اجتماعی

### جامعه سالم

خداوند، انسانها را با استعدادهای گوناگون آفریده است. هر یک نیاز دیگری را برآورده می‌سازد و خود از جهتی دیگر به دیگران نیازمند است. این احساس نیاز دوجانبه، آنچنان افراد را به هم مرتبط نموده که همه، اعضای یک پیکر گردیده‌اند؛ اگر یکی آسیب ببیند و یا آلوده گردد، به دیگران نیز سرایت می‌کند.

پیامبر خدا ﷺ افراد جامعه را به سر نشینان یک کشتی تشبیه فرموده‌اند که اگر یکی از آنان گوشه‌ای از کشتی را سوراخ کند، نه تنها به خود، که به دیگران نیز آسیب می‌رساند و همگان باید از کار جلوگیری کنند.

جامعه‌ای سالم است که در آن، سه چیز محفوظ و محترم باشد:

- ۱- جان مردم
- ۲- مال مردم
- ۳- آبروی مردم

و جامعه‌ای که در آن، این سه چیز یا یکی از آنها محترم نباشد، بیمار است.

۲- پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«همانا خداوند بر مؤمن ناتوانی که دین ندارد، خشم می‌گیرد. پرسیدند

مؤمن ناتوانی که دین ندارد، کیست؟! فرمود: کسی که نهی از منکر

نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

«امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش شنایستگان است؛

واجبی است که دیگر واجبات با آن برپا می‌شود.»<sup>۲</sup>

### چگونگی امر به معروف و نهی از منکر

آنچه در این واجب مهم دینی اهمیت بسیار دارد، چگونگی اجرای آن است.

افرادی که به این وظیفه اقدام می‌کنند، باید شرایطی داشته باشند و در عمل نیز از مهم‌ترین شیوه بهره جویند.

اگر گروهی با رعایت شرایط، به فرد خلافتاری تذکر دهند، در اواخر می‌گذارد و دست از کارهای ناشایست بر می‌دارد؛ چرا که انسان دوست دارد در جامعه عزیز و دوست‌داشتنی باشد.

اگر این واجب بزرگ ترک شود، جامعه فاسد می‌شود، مال و جان و آبروی مردم به‌خطر می‌افتد و ستمگران حاکم می‌گردند و برکت و فراوانی رخت برمی‌بندد.

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱- کسی که امر یا نهی می‌کند، باید بداند آنچه که دیگری انجام می‌دهد، حرام است و آنچه که ترک کرده، واجب است. بنابراین، اگر کسی بخواد کاری را انجام دهد

قوانین اجتماعی اسلام، تنها برای تأمین آخرت انسانها نیست؛ بلکه در راستای حفظ و حراست از این سه عنصر نیز برنامه‌های دقیقی دارد.

اسلام تمام راههای تجاوزه به اموال دیگران، ریختن آبروی آنان و از بین بردن جان آنها - همچون دزدی، غضب اموال دیگران، غیبت، ناسزاگویی، تهمت، قصد ناروا به ناموس دیگران، صدمه زدن و معروح کردن و از بین بردن آنان - را ممنوع و حرام می‌داند.

### جلوگیری از گناه در جامعه

پیشگیری از بروز گناهان علنی در جامعه، از راه قوانین و مجازاتها به تنهایی کارساز نیست. حضور مأمور در گوشه و کنار جامعه و نظارت همیشگی، ناممکن است.

بهترین راه برای پیشگیری و مقابله با گناهان، ایجاد انگیزه عمومی برای این کار است. ابتکار اسلام در زمینه پیشگیری و مقابله با گناهان اجتماعی از طریق نظارت مردمی، «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد.

اهمیت مقابله و پیشگیری از آلوده‌سازی روح و روان جامعه، به مراتب بالاتر از پیشگیری از آلوده‌سازی محیط زیست است.

### اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

قرآن و روایات، از این واجب الهی به بزرگی یاد نموده و آن را برای اصلاح جامعه لازم می‌دانند. به چند نمونه توجه کنید:

۱- خداوند می‌فرماید:

«شما بهترین امت در میان امتها هستید؛ چرا که امر به معروف و نهی از

منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳. ۲. همان، ص ۳۹۵، ح ۶.

۱. آل عمران: ۱۱۰.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای - دامت برکاته - نسبت به چگونگی اجرای مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر چنین نگاه داشته‌اند:

«با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی، امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد، به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر، متوقف بر تصرف در اموال مرتکب‌شونده می‌باشد، یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بر مکلفین واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اول اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسئله را به نیروهای انتظامی و قضایی ارجاع دهند.»<sup>۱</sup>

## جهاد

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن، سر باز زده‌اند، «جهاد ابتدایی» نام دارد. جهاد ابتدایی دارای روشها و شیوه‌های ویژه‌ای است که تنها به دست پیامبر خدا ﷺ و جانشینان وی که از هر گونه لغزش و اشتباه در امان هستند، عملی می‌گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین علیهم‌السلام دارد، و در زمان ما، که عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام است، واجب نیست. ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان، که «جهاد دفاعی یا دفاع» نام دارد، حق مسلم همه مسلمانان است که در هر زمان و در هر جای عالم که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند، یا آیین و مذهبشان در خطر باشد، برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود، با دشمنان بجنگند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

۱. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، س ۱۰۹۰.

و انسان نداند آن کار حرام است یا نه، نهی کردن واجب نیست.

۲- احتمال بدهد امر یا نهی او مؤثر واقع می‌شود.

۳- شخص گناهکار قصد تکرار عمل ناشایست خود را داشته باشد.

۴- امر و نهی، سبب ضرر جانی یا برویی یا مالی قابل توجه به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهان، یا دیگر مؤمنان نباشد (مگر آنکه معروف یا منکر، از اموری باشد که در اسلام مهم تلقی می‌شود و اهمیت بسیار دارد؛ مثل تغییر دادن احکام خدا). رهبر معظم انقلاب اسلامی - حضرت آیه الله خامنه‌ای - دام ظلّه - در این زمینه خطاب به جوانان چنین نگاه داشته‌اند:

«بر جوانان عزیز لازم است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر را با جدیت پیگیری نموده، شرایط و احکام شرعی آن را با دقت فراگیرند، و بر آنان است که این حرکت را گسترش دهند و از روشهای اخلاقی و کارساز برای تشویق بر انجام معروف و جلوگیری از وقوع منکرات استفاده نمایند.»<sup>۲</sup>

## مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱- در مرتبه اول، با معصیت کار به گونه‌ای برخورد شود که بفهمد این طرز رفتار، به خاطر انجام گناه است؛ مثلاً از او روی گرداند یا با چهره عبوس و برافروخته با او برخورد کند، یا او رفت و آمد نکند.

۲- در مرتبه بعد، او را با زبان امر و نهی کند؛ یعنی به او بگوید و دستور دهد.

۳- مرتبه سوم، استفاده از زور برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب است؛ یعنی زدن گناهکار.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل، صص ۳۹۶-۳۹۵.

۲. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۲۷، س ۱۰۹۹.

۳. توضیح المسائل، صص ۴۰۰-۳۹۸.

## آموزش فنون نظامی

در این زمان، که مسائل نظامی پیشرفت بسیار کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاحهای پیشرفته مجهز شده‌اند و هر روز در حال توطئه علیه مسلمانان و نقشه‌های جدید برای چنگ انداختن به کشورهای اسلامی هستند، و دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست، لذا بر تمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری آن را دارند و احتمال می‌رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.<sup>۱</sup>

## خدمت سربازی

دفاع از کشورهای اسلامی و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان، اختصاص به زمان جنگ و درگیری ندارد؛ بلکه در هر حال، افراد زیادی باید با آمادگی کامل رزمی در مرزهای کشور برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن، حاضر باشند و گروهی دیگر برای مبارزه با دشمن داخلی و تبهکاران اقدام کنند. بنابراین، بر تمام افرادی که توانایی دارند، لازم است که در برهه‌ای از عمر خود، این خدمت مقدس را انجام دهند.

س: آیا رفتن به سربازی برای مشمولانی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟

ج: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند، و تخلف جایز نیست.<sup>۲</sup>

۱. استفتاء، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲. استفتاء.

## اقسام دفاع

۱- دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

۲- دفاع از جان و حقوق شخصی<sup>۱</sup>

## دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی واجب است:

- اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد.

- اگر نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد.

- و اگر نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد.

آری، بر همه مسلمانان واجب است هر گونه که بتوانند، در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه‌های آنان مخالفت کنند.<sup>۲</sup>

## دفاع از جان و حقوق شخصی

۱- جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسانی دیگر، یا به افرادی

که وابسته به وی هستند - مانند پسر، دختر، همسر، پدر، مادر و برادر - هجوم آورد،

دفاع و جلوگیری از او واجب است؛ هر چند منجر به قتل مهاجم شود.<sup>۳</sup>

۲- اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان به حریم وی تجاوز کند، دفاع و جلوگیری

از او واجب است.<sup>۴</sup>

۳- اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری او از آن کار

واجب است؛ هر چند با زدن او باشد.<sup>۵</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع، ۲. توضیح المسائل، م ۲۸۲۶ تا ۲۸۲۹.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع، القول فی القسم الثانی، م ۳.

۴. همان، م ۳۰.

۵. همان، م ۳۰.



## آداب کفش

- ۱- پوشیدن کفش سفید یا زرد رنگ مستحب است.
- ۲- پوشیدن کفش سیاه، مکروه است؛ مگر چکمه سیاه.
- ۳- پوشیدن کفشی که کف آن صاف است و پاشنه ندارد، مکروه است.
- ۴- هنگام پوشیدن کفش یا لباس و نیز در زمان آوردن لباس، خواندن دعاهایی مستحب است که در کتابهای آداب و ادعیه آمده است.

## آداب مسکن

- ۱- در ساخت و خرید منزل مسکونی، امور زیر مستحب است:
  - زود به زود خانه را عوض نکنند؛ مگر آنکه در منزل اول راحت نباشند.
  - خانه وسیع باشد.
  - به قدر نیاز باشد، نه زیادتر از آن.
  - پشت بام آن حفاظ داشته باشد.
  - خانه به تصویر انسان یا حیوان نقاشی نشود.
  - وقتی کسی خانه‌ای ساخت یا خرید، گوسفند چاقی ذبح کند، غذا بپزد و یا گوشت آن را به فقرا بدهد.
- ۲- برخی از کارها و اموری که در خانه‌داری مستحب است:
  - نظافت و جارو کردن داخل منزل و جلوی در آن.
  - انباشتن خاکروبه و زباله در خانه و پشت در.
  - بیرون بردن خاکروبه و زباله پیش از فرا رسیدن شب.
  - پاک کردن اتاقها از تار عنکبوت.
  - روشن نکردن چراغ بیشتر از نیاز.

## آداب شخصی

### آداب لباس

مستحب است:

- ۱- لباس انسان همیشه پاک و تمیز باشد.
- ۲- سفید و از جنس پنبه باشد.
- ۳- هنگام پوشیدن لباس، ابتدا سمت راست آن را بپوشد.
- ۴- بر سر گذاشتن عمامه با تحت الحنک<sup>۱</sup>، به ویژه در نماز مکروه

است:

- ۱- پوشیدن لباس سیاه؛ مگر عمامه، عبا و چادر.
- ۲- پوشیدن لباس بلند، که از برآمدگی روی پا بگذرد.
- ۳- باز بودن تکمه‌های لباس.

## آداب انگشتی

- ۱- انگشتی را به دست راست کردن، مستحب و به دست چپ انداختن، مکروه است.
- ۲- مستحب است انسان انگشتی را به انگشت کوچک دست کند، و اگر در

انگشت دیگر انگشتی دارد، این انگشت را نیز از انگشتی خالی نگذارد.

- ۲- بهتر است انسان انگشتی را به انگشت میانه و سبابه نکند.

- ۴- بهتر است انگشتی، سر انگشت دست نباشد.

- ۵- به دست کردن انگشتی عمیق مستحب است و نماز با آن ثواب بیشتری دارد.

و فرقی میان عمیق سرخ و زرد و سفید نیست.

۱. تحت الحنک، گوشه‌ای از عمامه است که از روی تواضع و فروتنی زیر گلو قرار می‌دهند.



- ۴- در ابتدا و انتهای دعا صلوات بفرستد.
- ۵- ابتدا برای دیگران دعا کند، سپس برای خودش.
- ۶- با حضور قلب و خضوع و خشوع و اطمینان به استجابت، دعا کند.
- ۷- برای دعا، مؤمنان جمع شوند؛ که اگر چهل نفر باشند، و چیزی از خداوند بخواهند، زودتر مستجاب می شود.
- ۸- در اوقات و اماکنی که دعا زودتر مستجاب می شود، دعا کنند؛ مانند وقت اذان، پس از نماز، در سجده، هنگام ظاهر شدن یکی از نشانه‌های قدرت الهی - مثل خورشید گرفتگی، یاماه گرفتگی -، هنگام بارش باران، هنگام درگیر شدن لشکر حق و باطل، در حال بیماری و درد، در وقت سحر و طلوع و غروب آفتاب، در مسجد - به ویژه مسجد الحرام - در عرفات و در کنار قبور اولیای الهی.

### آداب نظافت

- دین اسلام برای نظافت انسان و محیط زندگی او اهمیت بسیار قائل است؛ تا جایی که نظافت و پاکیزگی را جزو ایمان می داند و برای حفظ آن، احکام و آداب خاصی دارد. اکنون به برخی از آنها که جزو مستحبات شمرده شده‌اند، اشاره می کنیم:
- ۱- عطر زدن و خوشبو بودن.
  - ۲- مسواک کردن دندانها، که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است.
  - ۳- شانه زدن موهای سر و صورت.
  - ۴- کوتاه کردن ناخن‌ها.
  - ۵- زدودن موهای زاید بدن.
  - ۶- نگاه کردن به آئینه و مرتب کردن سر و وضع خود.

- روشن کردن چراغ خانه پیش از غروب و تاریک شدن هوا.
- هنگام وارد شدن به اتاق، اگر کسی داخل اتاق هست، بگوییم: «السَّلَام عَلَیْکُمْ» و اگر کسی در اتاق نیست، بگوییم: «السَّلَام عَلَیْنَا مِنْ رَبَّنَا» یا بگوییم: «السَّلَام عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ، السَّلَامُ عَلَی الْأُمَّةِ الْهَادِیَةِ الْمَهْدِیَّةِ، السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ».
- برای وارد شدن به منزل و بیرون رفتن از آن و روشن کردن چراغ منزل، دعاهایی نیز آورده شده است.

### آداب خوابیدن

مستحب است:

- ۱- گرفتن وضو پیش از خواب.
- ۲- خواندن دعاهایی که از معصومین علیهم‌السلام رسیده است و نیز خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام، و آیه‌الکرسی و سوره‌های توحید و فلق و کافرون.
- ۳- مسواک کردن دندانها پیش از خواب.
- ۴- پیش از خواب، خود را محاسبه کند و خواب را مرگ انگارد.

### آداب دعا

- برخی از آداب دعا و حاجت خواستن از خداوند عبارت است از:
- ۱- هنگام دعا با طهارت باشد.
  - ۲- پیش از دعا، حمد و ثنای الهی گوید، نعمتهای خداوندی را یاد کند و شکر آن را به جا آورد.
  - ۳- دعا را با نام خدا آغاز کند.

- ۱۱- عیادت کردن از بیماران.
  - ۱۲- شرکت در تشییع جنازه مؤمن و تسلیت‌گویی به بازماندگان.
  - ۱۳- هر چه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست داشته باشد.
- در معاشرت با دیگران، سزاوار است از امور زیر پرهیز شود:**
- ۱- دست‌بسته در مقابل دیگری ایستادن، یا ایستادن در مقابل کسی که نشسته است؛ برای احترام.
  - ۲- بوسیدن زمین در مقابل دیگری برای احترام به وی.
  - ۳- زیاد و بیش از حد سخن گفتن.
  - ۴- خنده بی‌جهت و قهقهه.
  - ۵- نجوا و درگوشی صحبت کردن با کسی در حضور دیگران.

## آداب مُجالست

- برخی از آداب همنشینی (مجالست) با دیگران بدین شرح است:
- ۱- سزاوار است انسان بیشتر با فقرا مجالست و همنشینی داشته باشد، نه با اغنیا و ثروتمندان.
  - ۲- همنشینی با کسانی که برای انسان نفع دینی دارد.
  - ۳- وقتی کسی وارد مجلسی شد، در هر جای مجلس که جا برای نشستن هست، بنشینید، یا در هر جایی که برای او آماده کرده‌اند و یا هر جا که با تواضع تناسب دارد، بنشینید.
  - ۴- وقتی کسی به خانه دیگری وارد می‌شود، هر جا که صاحب خانه گفت، بنشینید.
  - ۵- برای ورود سادات و ذریه پیامبر خدا ﷺ به احترام از جای خود برخاستن.

- ۷- یک روز در میان حمام رفتن؛ ولی هر روز حمام رفتن مکروه است.

## آداب اجتماعی

بسیاری از احکام دین، مربوط به زندگی اجتماعی مسلمانان است. بخش عمده‌ای از آن، شامل واجبات و محرمات است که در سایر بخش‌های این نوشته آمده و در این قسمت، با برخی از آداب اجتماعی که همان مستحبات و مکروهات است، آشنا می‌شوید:

## آداب معاشرت

- ۱- خوش اخلاقی و خوش رفتاری با دیگران، به ویژه با خانواده و اقوام و خویشان.
- ۲- گرمی داشتن مؤمنان، به ویژه سالمندان و صاحبان علم و فضیلت و شرف.
- ۳- دوستی و مراوده و رفت و آمد با دیگران.
- ۴- معانقه و مصافحه با مؤمن و بوسیدن پیشانی او.<sup>۱</sup>
- ۵- سلام کردن به مؤمن، هنگام وارد شدن بر وی.
- ۶- خدا حافظی هنگام جدا شدن از مؤمن.
- ۷- تبسم و خوش رویی با مؤمن (مگر تبسم بر روی نامحرم).
- ۸- دعا و استغفار برای مؤمن.
- ۹- کمک به مؤمن با دست و زبان و مال.
- ۱۰- راهنمایی مؤمن در مواقع نیاز او.

۱. «مصافحه» به معنای دست یزدیگر را گرفتن (دست دادن) و «معانقه»، گردن به گردن نهادن و یزدیگر را در آغوش گرفتن است. ابونصر فراهی در کتاب نصاب الصبیان گوید: تعانق است گرفتن کنار و جگر کنار تصافح است گرفتن چه دست یزدیگر واضح است که مصافحه و معانقه با محرمان و همجنس مستحب است نه با نامحرمان.

بودن غذا عذر خواهی کند.

۷- بر میهمان مکروه است پذیرایی میزبان را کم بشمارد.

۸- بر میهمان مستحب است بدون خجالت و کم‌رویی غذا بخورد تا سیر شود، که

سبب خوشحالی میزبان خواهد بود.

۹- بر میزبان مستحب است هنگام آمدن میهمان، به او کمک کند، ولی در زمان

رفتن یاری اش نکند؛ مگر آنکه به کمک نیاز داشته باشد.

۱۰- ولیمه و میهمانی دادن در بازگشت از سفر حج، رفتن به خانه جدید و برای

عروسی و عقیقه و ختنه فرزند، مستحب است.

۱۱- در میهمانی، تنها از ثروتمندان دعوت کردن، بدون آنکه از فقر کسی دعوت

شود، مکروه است.

## آداب سفر و زیارت

هر چند آداب سفر را می‌توان جزو آداب شخصی شمرد، ولی امروزه بیشتر

مسافرتها از حالت سفر شخصی بیرون آمده و با فعالیتها و روابط اجتماعی همراه

گشته و جنبه شغل و تلاش برای کسب روزی در عرصه اجتماع پیدا کرده است. اکنون

آداب آن را به‌طور مختصر در پایان این بخش می‌آوریم:

۱- آگاه کردن بستگان و دوستان از سفر و خداحافظی کردن با آنان.

۲- وصیت کردن؛ به ویژه نسبت به کارهای واجب و امور مالی خود.

۳- صدقه دادن هنگام سفر، و خواندن دعاهایی که وارد شده است.

۴- همراه برداشتن چیزهایی که در سفر به آنها نیاز می‌شود.

۵- آغاز کردن سفر با یاد خدا و توکل بر او و با حمد و شکر الهی.

۶- خواندن سوره‌های حمد، توحید، قدر و آیه‌الکرسی.

۶- سزاوار است با افراد فاسق، دروغگو، بخیل، احمق و کسی که با اقوام و خویشان

خود قطع رابطه کرده، همنشینی نکنیم.

۷- از نشستن سر کوچک و سر راه مردم بپرهیزیم.

۸- از رفتن به مجلس گناه و مجلسی که مورد اتهام قرار می‌گیرد، بپرهیز

کنیم.

## آداب میهمانی

برای میهمانی رفتن و میهمان کردن دیگران، احکام و آداب بسیاری است که در

اینجا تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- میهمان کردن مؤمنان مستحب است، و در روایت است که هر کس صدای

میهمان را بشنود و خوشحال شود، گناهایش آمرزیده می‌شود.

۲- اگر میهمان چند شب می‌ماند، مستحب است دو شب اول به خوبی از او

پذیرایی کنند و در شبهای بعد مانند اهل خانه است؛ یعنی هر چه برای اهل خانه

مهیّا می‌شود، بخورد و چیز اضافهای برای او تهیه نشود.

۳- بر اهل شهر یا روستا مستحب است کسی که به آن شهر یا روستا وارد می‌شود،

تا وقتی که در آنجاست، از او پذیرایی کنند.

۴- مستحب است صاحب خانه برای میهمان غذا بیاورد و اگر غذا نخورد، آب یا

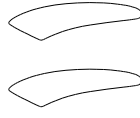
نوشیدنی دیگری بیاورد.

۵- مستحب است میزبان غذای خوب برای میهمان بیاورد؛ ولی مکروه است خود

را به زحمت بیندازد و بیش از توان خود چیزی تهیه کند؛ بلکه هر چه دارد، برایش

بیاورد و از آنچه دارد، دریغ نکند.

۶- بر میزبان مکروه است که آنچه را برای میهمان آورده، کم بشمارد و برای ناچیز



## برای زیارت قبور اولیای الهی، امور زیر مستحب است:

- ۱- غسل کردن، هنگام رفتن به حرم.
  - ۲- پوشیدن پاکیزه‌ترین لباسها.
  - ۳- خوشبو کردن خود - مثلاً عطر زدن - بجز برای رفتن به حرم امام حسین علیه السلام.
  - ۴- با طهارت و وضو به حرم رفتن.
  - ۵- کوتاه برداشتن گامها و باوقار و آرام حرکت کردن و به ذکر الهی مشغول شدن، هنگام رفتن به حرم.
  - ۶- هنگام ورود به حرم، پای راست را به داخل گذاشتن.
  - ۷- به ضریح نزدیک شدن و ابتدا گونه راست و پس از آن، گونه چپ را بر ضریح گذاشتن و دعا خواندن؛ البته اگر مزاحمت برای دیگران نباشد.
  - ۸- خواندن زیارتیهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده است؛ مانند زیارت جامعه و امین الله.
  - ۹- رو به قبله ایستادن هنگام خواندن زیارت.
  - ۱۰- خواندن دو رکعت نماز زیارت.
  - ۱۱- دعا کردن برای خود و دیگران، به ویژه برای ستمدیدگان و بر ضد ستمگران، پس از زیارت.
  - ۱۲- توبه و استغفار از گناهان.
  - ۱۳- خواندن قرآن، به ویژه سوره «قدر» و آن را به صاحب مزار هدیه کردن.
- سفر حج و زیارت بیت الله الحرام، آداب دیگری دارد که در کتب ادعیه و مناسک آمده است.

## درآمدهای مالی

در اسلام، نسبت به کار و تلاش برای تأمین معاش تأکید فراوان شده و بیکاری و تنبلی و سربرار دیگران بودن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. در سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: «جوان بیکار مورد غضب خداوند است و کسی که به جهت تنبلی و بیکاری سربرار جامعه باشد، از رحمت خدا به دور و مورد لعن و نفرین اوست.»<sup>۱</sup>

همان گونه که در اسلام آموختن دانش و طلب علم به عنوان فریضه و کاری ضروری و واجب شمرده شده، به دنبال کار رفتن و کسب درآمد حلال نیز وظیفه و تکلیف الهی است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «طَلَبُ الْخَلَالِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»<sup>۲</sup> «در بی

روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زنی لازم است.»

چنانچه این تلاش، به قصد خیر و به نیت رفع نیاز خود و افراد تحت تکفل و نیز

۱. فروع کافی، ج ۵، ص ۷۳.  
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

۳- آموختن احکام معاملات به قدری که مورد احتیاج است، لازم است.<sup>۱</sup>

### برخی از شرایط خرید و فروش

- ۱- خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند. پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.
- ۲- فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آنها را مجبور نکند.
- ۳- فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشند.
- ۴- شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالا است، یا وزن یا پیمانه یا شماره مقدار آن معلوم شود و اگر ملک است، قطعه آن مشخص گردد.
- ۵- اگر چیز مورد معامله خصوصیات دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند؛ یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.
- ۶- فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت آن را داشته باشند. پس فروش مال به سرفرت رفته صحیح نیست.
- ۷- دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که فرو گذاشته، بدون اجازه‌گیرنده نمی‌تواند بفروشد.<sup>۲</sup>

### مستحبات خرید و فروش

- بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد.
- در قیمت جنس، سختگیری نکند.

کمک به مستمندان صورت گیرد، عبادتی بزرگ است.

هر چند اسلام، انسانها را به کار و تلاش تشویق کرده، ولی هر کاری را مجاز و هر درآمدی را مشروع نمی‌داند؛ بلکه درآمدها و جمع‌آوری ثروت باید حاصل کار و تلاش انسان باشد و در راه به دست آوردن آن، به حقوق دیگران تجاوز و اموال دیگران به ناحق تصاحب نشود. لذا برای قانون‌مند شدن فعالیت‌های اقتصادی و به سامان رسیدن تلاشهای درآمدزا، مقررات ویژه‌ای دارد و درآمدهایی که مطابق آنها به دست بیاید، مشروع و خلاف آن را نامشروع می‌داند؛ مثلاً درآمدی را که از راه فعالیت شخصی در کشتزارها و بستانها به دست آید، یا از راه تجارت و خرید و فروش یا اجاره و استخدام، یا مزارعه و مساقات و مانند اینها کسب شود، درآمد حلال می‌داند و آنچه از راه سرفرت، ربا، رشوه و امثال اینها به دست آید، درآمد حرام است، که در این قسمت به بخشی از آن احکام و مقررات می‌پردازیم:

### خرید و فروش

- ۱- بر کسی که جز از راه خرید و فروش نتواند مخارج زندگی خود را تأمین کند، واجب است با خرید و فروش خرج زندگی خود را به دست آورد و محتاج دیگران نشود.<sup>۱</sup>
- ۲- خرید و فروش برای توسعه در مخارج اهل و عیال و نفع رساندن به مسلمانان، مستحب است؛ مثلاً کارگر یا کشاورزی که با مزد کار خود یا محصول به دست آمده از مرزعه، مخارج خود را به دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.<sup>۲</sup>

۱. همان، م ۲۰۸۱ و ۲۰۹۰.

۲. همان.

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۵۳.

می‌دهم، ده درصد از قیمتی که نقد می‌فروشم، گران‌تر حساب می‌کنم و اقبال کند - اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### اختیار فسخ و به هم زدن معامله

۱- در برخی موارد، خریدار یا فروشنده و یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را فسخ کنند. حق فسخ معامله را «اختیار» یا «اختیار فسخ» گویند.

۲- مواردی که اختیار فسخ معامله وجود دارد، بدین شرح است:

- اختیار مجلس
- اختیار تدلیس
- اختیار شرکت
- اختیار حیوان
- اختیار غبن
- اختیار تخلف شرط
- اختیار رؤیت
- اختیار تعدر تسلیم<sup>۲</sup>
- اختیار شرط
- اختیار عیب
- اختیار تأخیر

### توضیح:

- ۱- **اختیار مجلس:** تا زمانی که خریدار و فروشنده از مجلس معامله متفرق نشده
۱. توضیح المسائل، م ۲۱۰۸.
۲. همان، م ۲۱۲۴.

- در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد، از او بپذیرد و این، در اصطلاح، «اقاله» نام دارد.<sup>۱</sup>

### برخی از مکروهات خرید و فروش

- تعریف کردن از کالا.
- بدگویی کردن مشتری از کالایی که می‌خواهد بخرد.
- قسم راست خوردن در معامله (قسم دروغ حرام است).
- قبل از همه برای معامله وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن.
- تقاضای کم کردن قیمت پس از تمام شدن معامله.<sup>۲</sup>

### احکام معامله نسیه

۱. در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشند که هر وقت خواست، قیمت آن را بگیرد، چون مدت آن کاملاً مشخص نشده، معامله باطل است.<sup>۳</sup>
۲. اگر کسی جنسی را نسیه بفروشد، بعد از تمام شدن مدتی که با خریدار فرار گذاشته، می‌تواند پول آن را بگیرد؛ ولی اگر خریدار نتواند بپردازد، باید فروشنده به او مهلت دهد.<sup>۴</sup>

۳. اگر شخصی به کسی که قیمت جنسی را نمی‌داند، مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند، نسیه دهد و گران‌تر حساب کند - مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسیه

می تواند معامله را فسخ کند. ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند، فاسد می شود -

مثل برخی میوه ها - تأخیر تا شب است.

۱۰- **خيار حيوان:** اگر کسی حیوانی - مثلاً گوسفندی - را خریده باشد، تا سه روز

حق دارد معامله را فسخ کند.

۱۱- **خيار تغیر تسليم:** اگر فروشنده نتواند جنسی را که فروخته، تحویل دهد -

مثلاً منزلی را که فروخته، مستأجر تخلیه نکند - مشتری می تواند معامله را فسخ کند.<sup>۱</sup>

## احکام خيارات

۱- اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در وقت معامله غفلت کند و جنس را گران تر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده باشد که مردم او را مغنون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، اختیار فسخ معامله را دارد؛ و همچنین است نسبت به فروشنده.<sup>۲</sup>

۲- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً معامله را فسخ نکند،<sup>۳</sup> دیگر حق به هم زدن معامله را نخواهد داشت.<sup>۴</sup>

۳- هر گاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می تواند معامله را فسخ کند.<sup>۵</sup>

۴- در موارد زیر، اگر خریدار بفهمد مال معیوب است، حق فسخ ندارد:

- هنگام خریدن، عیب مال را بداند.

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۲۴.  
 ۲. همان، م ۲۱۲۵.  
 ۳. آیة الله تبریزی: لازم نیست فوراً معامله را فسخ کند، و بعداً هم حق فسخ معامله را دارد؛ و همچنین است حکم در سایر خيارات.  
 ۴. توضیح المسائل، م ۲۱۳۲.  
 ۵. همان، م ۲۱۳۳.

باشند، می توانند معامله را فسخ کنند.

۲- **خيار غيب:** در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، حق فسخ معامله را دارد.

۳- **خيار شرط:** اگر در معامله قرار بگذارند که تا مدت معینی، هر دو یا یکی از آنها بتوانند معامله را فسخ کنند، مطابق همان شرط، حق فسخ وجود دارد.

۴- **خيار تدليس:** زمانی که خریدار یا فروشنده کالای خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد و طوری وانمود کند که قیمت آن در نظر دیگری ارزشمندتر جلوه نماید، در این صورت می توان معامله را فسخ کرد.

۵- **خيار تخلف شرط:** اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد، یا شرط کند کالایی را که می دهد، به گونه ای مخصوص باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می تواند معامله را فسخ نماید.

۶- **خيار عيب:** اگر در جنس یا عوض آن عیبی باشد و بعد از معامله معلوم شود، حق فسخ معامله را دارد.

۷- **خيار شرکت:** اگر معلوم شود مقداری از جنسی که فروخته شده، مال دیگری است - یعنی شریک دارد - اگر صاحب آن مقدار، به معامله راضی نشود، خریدار می تواند معامله را فسخ کند، یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد؛ و همچنین است نسبت به جنسی که مشتری داده است، اگر در مقابل کالایی که خریده است، پول نداده باشد، بلکه کالایی داده باشد.

۸- **خيار رؤيت:** فروشنده، خصوصیات جنس معینی را که خریدار ندیده است، به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته، نبوده است یا به عکس.

۹- **خيار تأخير:** اگر مشتری، پول جنسی را که نقد خریده، تا سه روز ندهد یا فروشنده جنس را تحویل ندهد، در حالی که تأخیر آن شرط نشده است، فروشنده

مالی، روابط تنگاتنگ جهانی، داد و ستدهای بین‌المللی و در نتیجه، بالا رفتن درآمدهای افراد و دولت‌ها و عدم توانایی آنان در حفظ و نگهداری سرمایه‌های شخصی و ملی، و لزوم سرعت بخشیدن به دریافت و پرداخت قیمت‌ها، نظام جدید بانک‌داری را پدید آورده است تا امانت‌دار دارایی آنان و کمک‌کار فعالیت‌های اقتصادی‌شان باشد. ولی از آنجا که بانک‌ها نیز نمی‌توانند بدون سرمایه و دریافت مزد و سود فعالیت کنند و تنها واسطه‌ی داد و ستد باشند، در حالی که برای این‌گونه کارها نیاز به سرمایه دارند، لذا به عنوان یک شخصیت حقوقی وارد میدان کار شده و با دریافت سپرده و وارد کردن آن در کارهای درآمدزا، به سودهای کلانی دست یافته و گاهی بخشی از آن را نیز به سپرده‌گذاران می‌دهند. از سوی دیگر، با استفاده از سرمایه‌های اندوخته‌ی خود، وام‌هایی به مشتریان می‌دهند و سودی از آنان می‌گیرند، و از آنجا که هیچ عملی از نظر اسلام بدون حکم نخواهد بود، قطعاً معاملات بانکی دارای احکام خاصی است و بی‌شک این مسئله نیز در نظام اقتصادی اسلام بی‌جواب نیست.

۱- قراردادهایی که بین بانک و افراد سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده برقرار می‌شود و همچنین سایر فعالیت‌های اقتصادی بانکها، اگر مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، جایز است و اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

۲- پولی که به بانک داده می‌شود، ممکن است یکی از عناوین زیر را داشته باشد: **الف) قرض بدون سود (قرض الحسنه)** که این عمل بدون اشکال است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند، و چنانچه بانک جایزه‌ای به صاحبان سپرده بپردازد، اشکال ندارد و دریافت آن جایزه نیز حلال است.<sup>۲</sup>

ب) قرض به شرط سود - نه به عنوان شرکت یا مضاربه و... - که در این قرض، هر

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۵۳. ۲. همان، م ۲۸۵۴ و ۲۸۵۸.

- به عیب مال راضی شود.  
- فروشنده هنگام معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت، پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.

- فروشنده در زمان معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد، می‌فروشم.<sup>۱</sup>  
۵- اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا را معین کند و بگوید آن را با این عیب می‌فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده است، کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت بگیرد.<sup>۲</sup>  
۶- در موارد زیر، اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده، فقط می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد:

- بعد از معامله تغییری در کالا بدهد؛ به طوری که مردم بگویند: آن طور که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده است.  
- پس از انجام معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کند.  
- بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود؛ به جز در حیوان که تا سه روز می‌تواند برگرداند.<sup>۳</sup>

## معاملات بانکی

پیشرفت علوم بشری و پیچیده شدن فعالیت‌های اقتصادی، و پیش‌آمدهای ناگوار

۲. همان.

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۳۴.

۳. همان، م ۲۱۳۵.



حرام است.<sup>۱</sup>

۲- چک و سفته در حکم پول نیست و معامله خود آن دو صحیح نمی باشد و دادن آن به طلبکار، ادای دین یا پرداخت قیمت کالا محسوب نمی شود؛ برخلاف پول که معامله بر خود آن واقع می شود؛ مگر چک های تضمینی که در ایران متداول و به جای پول است.<sup>۲</sup>

۳- کسی که سفته در اختیار دارد، اگر از دیگری پول قرض بگیرد و سفته بدهد تا در موعد مقرر، بیشتر از آنچه قرض گرفته، بدهد، ربا و حرام است؛ ولی اصل قرض صحیح است؛ یعنی قرض گیرنده می تواند در آن پول تصرف کند.<sup>۳</sup>

۴- در رساله احکام، از قول حضرت عالی نوشته شده است که خرید و فروش سفته و چک تضمینی به کم یا زیاد اشکال ندارد. چند سؤال در اینجا مطرح است:  
۱- آیا این مسئله شامل چک های بانکی کنونی، که هم اکنون در دست مردم است، می باشد یا نه؟

ج- فروش چک یا سفته به شخص ثالث به قیمت کمتر، ربا و حرام است.

۲- آیا می شود چک های بانکی برای مدت دو ماه آینده یا بیشتر را به قیمت کمتر، نقداً خرید یا نه؟

ج- حکم آن معلوم شد.<sup>۴</sup>

۳- آیا می شود به طرفی که می خواهد چک حقوقی آینده را بفروشد، بگویم مثلاً:

فلان مقدار بنویس تا من آن را به این مقدار پول حاضر بخرم؟

ج- در حکم دو مسئله قبل است.<sup>۵</sup>

→ و در حقیقت، دارنده چک طلب خود را به دیگران به پول نقد می فروشد، مانعی ندارد.

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۸۴۰.

۳. همان، م ۲۸۴۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵.

چند اصل قرض صحیح است و بانک می تواند در آن پول تصرف کند، ولی قرارداد سود، باطل و پرداخت و دریافت آن حرام است، و این همان ربای فرضی است.<sup>۱</sup>  
ج) ودیعه و امانت؛ که در این صورت تصرف در آن پول باید با اجازه صاحب سپرده باشد و اگر بانک بدون اجازه یا رضایت صاحب سپرده در آن تصرف کند، ضامن است.<sup>۲</sup>  
د) نه قرض و نه ودیعه یا امانت؛ بلکه مطابق یکی از قرارداد های شرعی باشد - مانند مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، جعاله یا شرکت - که اگر مطابق همین قراردادها نیز عمل شود، بدون اشکال است و سودی که به صاحب پول داده می شود، حلال است.<sup>۳</sup>

۳- پولی که بانک به افراد یا مؤسسات می پردازد، اگر قرض بدون سود یا مطابق یکی از قرارداد های شرعی باشد - مثلاً قرارداد مضاربه بین بانک و آن فرد یا مؤسسه باشد - اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۴- اگر بانک برای نگهداری پول افراد یا دیگر خدماتی که به آنها می دهد - مثلاً پولی که می گیرد و حواله می کند تا صاحب پول آن را از شعبه ای دیگر یا بانکی دیگر دریافت کند - مزدی بگیرد، اشکال ندارد؛ هر چند مزد خود را از همان پول بردارد، و فرقی نیست که بانک، پول را به عنوان قرض بگیرد یا به عنوانی دیگر.<sup>۵</sup>

## احکام چک و سفته

۱- اگر طلبکار مبلغ چک مدت دار یا سفته را به طور نقدی به قیمت کمتر به بدهکار بفروشد، اشکال ندارد؛ ولی فروش آن به شخص سوم<sup>۶</sup> به قیمت کمتر، ربا و

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۵۴.

۲. همان، م ۲۸۵۳.

۳. همان، م ۲۸۶۰.

۴. همان، تیرنزی، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم؛ اگر چک به ازاء بدهی صادر شده ←

۳- اگر کسی خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند و صاحب آن ملک شرط کند که تنها خودش از آن استفاده ببرد، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره دهد.<sup>۱</sup>

۴- در اجاره منزل و مانند آن، پرداخت ودیعه برای کم کردن اجاره، اگر به حساب ودیعه اجاره را کم کند، حکم ربا دارد؛ ولی اگر منزل را به مبلغ معینی اجاره دهد و ضمن آن شرط کند که مستأجر مبلغ معینی به او قرض بدهد، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### استخدام

۱- انسان می‌تواند برای انجام عملی، اجیر (استخدام) شود و همین که با رضایت صاحب کار، مشغول به کار گردید، اجاره صحیح است.<sup>۳</sup>

۲- کارمند یا کارگری که استخدام می‌شود تا چند ساعت در روز، تنها برای استخدام کننده کار کند، جایز نیست در آن مدت برای خود یا برای شخص دیگری کار انجام دهد؛ مگر برخی کارهای جزئی که منافاتی با قرارداد استخدامی ندارد.<sup>۴</sup>

۳- اگر انسان کاری را از کسی بپذیرد و در قرارداد شرط نشده باشد که خودش شخصاً باید آن کار را انجام دهد، می‌تواند کار را به شخص دیگر، با همان دستمزد یا دستمزد بیشتر واگذار کند؛ ولی با مزد کمتر جایز نیست، مگر اینکه مقداری از کار را خودش انجام داده باشد.<sup>۵</sup>

۴- اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد - مثلاً اجرها را داخل ساختمان ببرد یا گچ بسازد - و آن کارگر سر کار حاضر شود، هر چند کاری به او محول نگردد - مثلاً اجری موجود نباشد که داخل ساختمان ببرد - صاحب کار باید

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۸۰.  
 ۲. همان، صص ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷ و ۲۵.  
 ۳. همان، م ۲۱۷۸.  
 ۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۸۴.  
 ۵. همان، ج ۱، ص ۵۸۴.

### اجاره

اگر اجاره‌دهنده به مستأجر بگوید: «ملک خود را به تو اجاره دادم» و او بگوید: «قبول کردم»، صحیح است و حتی اگر چیزی هم نگوید، بلکه صاحب مال به قصد اجاره دادن، آن را به مستأجر تحویل دهد و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، صحیح است؛ مثلاً کلید خانه را به او بدهد و او هم بگیرد.<sup>۱</sup>

### شرایط مالی که اجاره می‌دهند

چیزی که به اجاره داده می‌شود، باید دارای شرایطی باشد؛ از جمله آنهاست:

- مال معین باشد. پس اگر بگوید: یکی از اتاقهای این خانه یا یکی از مغازه‌های این بازارچه را به تو اجاره می‌دهم، صحیح نیست.

- مستأجر باید آن را ببیند، یا طوری خصوصیات آن را برایش بگوید که کاملاً معلوم باشد.

- از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصل مال از بین می‌رود. پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکیها صحیح نیست.<sup>۲</sup>

### احکام اجاره

۱- در اجاره، باید مدت استفاده از مال معین شود؛ مثلاً بگوید: «یک سال» یا «یک ماه».<sup>۳</sup>

۲- اگر صاحب مال، چیزی را که اجاره داده، تحویل دهد، گرچه مستأجر تحویل نگیرد یا اینکه تحویل بگیرد، ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره‌بها را بپردازد.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۷۷.  
 ۲. همان، م ۲۱۸۴.  
 ۳. استفتانات، م ۲۱۸۷.  
 ۴. همان، م ۲۱۹۶.

## سرقفلی

به پول یا چیزی که کسی به شخص دیگری می‌دهد تا خانه یا مکانی را که در اجاره اوست، به وی واگذار کند، سرقفلی گفته می‌شود.

۱- شخصی که مدت اجاره‌اش تمام شده، اگر چیزی به عنوان سرقفلی از صاحب محل دریافت کند، حرام است.<sup>۱</sup>

۲- اگر کسی محلی را از شخصی اجاره کرده و حق داشته باشد که در مدت اجاره، آن مکان را به دیگری اجاره دهد، و در این مدت اجاره محل ترقی کند، می‌تواند آن محل را به شخصی به همان قیمت که اجاره کرده اجاره دهد و مبلغی هم به عنوان سرقفلی دریافت کند.<sup>۲</sup>

۳- اگر شخصی محلی را اجاره کند و با صاحبش شرط نماید که مثلاً تا ۲۰ سال اجاره محل را بالا نبرد، و همچنین شرط کند که اگر محل را به دیگری اجاره داد، او هم به همین نحو عمل کند و همچنین شخص ثالث هم اگر خواست محل را به دیگری اجاره دهد، به همین نحو عمل کند و اجاره را بالا نبرد، در این صورت مستأجر اول می‌تواند محل را به دیگری اجاره دهد و مبلغی به عنوان سرقفلی از او بگیرد، و سرقفلی بدین نحو حلال است، و نیز دومی به سومی و سومی به چهارمی برحسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.<sup>۳</sup>

## رهن

رهن آن است که بدهکار، مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداده، از آن مال طلب خود را به دست آورد.<sup>۴</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۱۵، م ۳.  
 ۲. توضیح المسائل، م ۲۸۴۹.  
 ۳. همان، م ۲۸۵۰.  
 ۴. همان، م ۲۳۰۰.

مزد او را بدهد.<sup>۱</sup>

۵- کودکی که شاگردی می‌کند و مزدش بیش از خرج اوست، بر پدر (سرپرست) واجب است که مازاد بر مخارج را نگهدارد و بعد از بلوغ به او بدهد.<sup>۲</sup>

## استفتاء

س- کارمند دولت جمهوری اسلامی، گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن اداره یا نهاد و یا سازمان، برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می‌شود. حقوق او چه صورتی دارد؟

ج- اگر از وظیفه کوتاهی نموده، به مقداری که کوتاهی کرده، مدیون است.<sup>۳</sup>

س- آموزگاری پیمان بسته است که در مقابل ۲۴ ساعت خدمت در هفته، حقوق دریافت نماید. حال اگر بعضی ساعتها، کارهای شخصی انجام داده و دانش‌آموزان بدون معلم بوده‌اند، یا معلم دیگری جایش بوده است، آیا حق استفاده از حقوق را دارد و اگر بگیرد، جایز است یا خیر؟

ج- تابع مقررات استخدای است و اگر برخلاف [عمل] نموده، استحقاق اجرت ندارد.<sup>۴</sup>

س- کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام می‌دهد - چه در زمان بلوغ یا غیربلوغ - حق ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟

ج- اگر به دستور پدر نیست، یا به قصد مغان انجام می‌دهد، استحقاق اجرت ندارد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۹۷.  
 ۲. همان (چاپ آستان قدس رضوی، تصحیح شده) ص ۴۳۳، م ۹۲.  
 ۳. استفتائات، ج ۲، ص ۵۰، م ۱۳۷.  
 ۴. همان، ج ۲، ص ۲۱۷، م ۵۵.  
 ۵. همان، ص ۲۱۳، م ۴۶.

شود که پولی به صاحب‌خانه به عنوان ودیعه یا قرض یا غیر آن داده شود، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۲-س: شخصی مبلغ پنج‌هزار تومان به صاحب‌خانه‌ای داده است تا دو اتاق را رهن کند، و دیگر اجاره نمی‌دهد. چه صورت دارد؟  
ج- محکوم به ریاست و اگر در اتاق تصرف کند، اجرت‌المثل را ضامن است.<sup>۲</sup>

## درآمدهای نامشروع

همه وجدان‌های بیدار، زشتی، سرقت، اختلاس و رشوه را درک می‌کنند. در جامعه، نوعی از درآمدها هست که از نظر دین، در ردیف همینهاست، ولی پلیدی و زشتی آن در نظر بعضی از مردم روشن نیست؛ بلکه گاهی در بین برخی افراد نیز رواج پیدا کرده و از روی ناآگاهی، آن را درآمد مشروع می‌پندارند؛ مانند برخی از اقسام ربا، که به تعبیر حضرت علی علیه السلام مخفی تر و ناپیداتر از جای پای مورچه‌ای است که در شب تاریک بر سنگی عبور می‌کند؛<sup>۳</sup> که عقل بشری نیز زشتی آن را درک نمی‌کند، و اینجاست که باید به سراغ آموزه‌های دینی و وحی الهی برویم تا گرفتار این گونه اموال نامشروع نشویم. در این بخش، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

### کسب درآمد با انجام کار حرام

از نظر اسلام، هر کاری که ممنوع و حرام شمرده شده، درآمدی هم که از آن راه به دست آید، حرام است؛ مانند درآمد از راه:

- معامله‌های حرام

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۲۰۵، ص ۲۵.  
۲. همان، ص ۲۹۳، ص ۳۲.  
۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۷.

۱- استفاده از چیزی که در گرو (ورهن) است، مخصوص کسی است که آن را گرو گذاشته. بنابراین، گروگیرنده بدون اجازه صاحب مال نمی‌تواند در آن تصرف کند.<sup>۱</sup>  
۲- طلبکار (گروگیرنده) و بدهکار (گروهنده) نمی‌توانند مالی را که در رهن است، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند. مثلاً بفروشند یا ببخشند - ولی اگر یکی از آنان، آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید: «راضی هستم»، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>  
۳- اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته، خانه و اثاثیه منزل هم باشد، طلبکار می‌تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.<sup>۳</sup>

## رهن و اجاره

آنچه امروزه به عنوان رهن منزل یا مغازه به مالک پرداخت می‌شود و بدین سبب مقداری از اجاره بها را کم می‌کنند، نه تنها رهن نیست، بلکه در برخی موارد کار نادرستی است. به دو استفتاء توجه کنید:

۱-س: شخصی خانه‌ای را به مبلغ ماهیانه پنج هزار و پانصد تومان اجاره می‌نماید و مبلغ یکصد هزار تومان به عنوان ودیعه به مالک می‌دهد که هنگام تخلیه پس بگیرد؛ ولی ماهیانه مبلغ چهار هزار و پانصد تومان اجاره می‌پردازد و ماهی یک هزار تومان بابت پولی که ودیعه گذارده، کسر می‌نماید. لطفاً بفرمایید آیا کسر مبلغ یک‌هزار تومان صحیح است یا خیر؟ و اگر ربا محسوب می‌گردد، مستأجر مکلف به پرداخت آن می‌باشد یا خیر؟

ج- در فرض دوم، اجاره صحیح است؛ ولی باید تمام مال الاجاره را بدون کسر کردن مبلغی بپردازد. بلی: اگر اجاره به مبلغ کمتر شده باشد و در ضمن اجاره شرط

۱. توضیح المسائل، م ۳۳۰۵.  
۲. همان، م ۳۳۰۶.  
۳. همان، م ۳۳۰۹.

## ربا

از جمله درآمدهای نامشروع که در اسلام به شدت با آن مخالفت شده و در قرآن کریم آیات متعددی بر ضد آن وارد شده و روایات بسیار زیادی در مذمت آن وجود دارد، درآمدی است که از راه ربا به دست آید. تاجایی که قرآن، ربا دادن و ربا گرفتن را در حکم جنگ با خدا دانسته است. ربا دادن و رباگرفتن، از نظر اقتصادی نیز خطرهای فراوانی برای زندگی افراد و اقتصاد جامعه دارد.

ربا دو گونه است: **ربای معاملی** که مربوط به خرید و فروش دو کالای همجنس است، و **ربای قرضی** که مربوط به قرض با شرط اضافه است.

## احکام معامله ربوی

۱- اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، زیادتر از همان جنس بفروشد - مثلاً ۱۰۰ کیلوگرم برنج را به ۱۲۰ کیلوگرم دیگر بفروشد - ربا و حرام است؛ بلکه اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد، بگیرد باز هم ربا و حرام است.<sup>۱</sup>

۲- اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد، غیر از جنسی است که می‌فروشد - مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان پول بفروشد - باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد، ولی شرط کند که خریدار کاری برای او انجام دهد، باز هم ربا و حرام است.<sup>۲</sup>

۳- معاوضه اسکناس - مثل دینار و درهم و لیره - اشکال ندارد و می‌توان بعضی از آنها را با بعضی دیگر به قیمت کمتر یا زیادتر به صورت نقدی معاوضه کرد - مثلاً ده

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۷۲. ۲. همان، م ۲۰۷۳.

- مجسمه‌سازی

- سحر و جادو

- قمار بازی

- آرایشگری حرام؛ مانند ریش تراشی

- کمک به ستمگر در ستمی که مرتکب می‌شود

- آوازخوانی غنایی

- نواختن موسیقی لاهی

- رقص حرام

## خرید و فروش حرام

گفته شد که یکی از درآمدهای نامشروع، مالی است که از راه خرید و فروش حرام به دست آید؛ که برخی از موارد آن بدین شرح است:

- ۱- خرید و فروش چیزهایی که منافع متعارف آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار و وسایل تهیه و استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی.
- ۲- خرید و فروش چیزی که از راه دزدی، قمار یا ربا به دست آمده باشد.
- ۳- خرید و فروش کتابها و مجلات و فیلمهای همراه کننده.
- ۴- خرید و فروش نجاسات - مثل مشروبات الکلی - جز در مواردی که استثناء شده است؛ مثل خرید و فروش برای نجات بیمار.
- ۵- فروش سلاح یا چیز دیگری به دشمنان اسلام، که موجب تقویت آنها بر ضد مسلمانان باشد.<sup>۱</sup>

۱. تخریر الوسیله، ج ۱، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۴۹۳، م ۹، ۱۱ و ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵ و ۲۰۷۰.

۲- اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.<sup>۱</sup>

### ربای قرضی

۱- اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی - مثلاً یک سال دیگر - زیادتر بگیرد، ربا و حرام است؛ مثلاً یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یکصد و بیست هزار تومان بگیرد.<sup>۲</sup>

۲- ربا دادن، مانند ربا گرفتن حرام است و کسی که فرض ربایی گرفته، اگرچه کارش حرام است، ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند<sup>۳</sup> در آن تصرف کند.<sup>۴</sup>

۳- اگر بدهکار بدون شرط قبلی، چیزی اضافه به طلبکار بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است.<sup>۵</sup>

### رشوه

۱- گرفتن و دادن رشوه برای صدور حکم باطل، حرام است.<sup>۶</sup>

۲- تغییر عنوان رشوه، سبب حلال شدن آن نمی‌گردد؛ مثلاً به عنوان هدیه،

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۷۷. ۲. همان، م ۲۲۸۳ و ۲۲۸۸.

۳. آیة الله فاضل، آیة الله مکارم، مالک آن نمی‌شود و نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نداده بودند، صاحب پول راضی بوده که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند، قرض گیرنده می‌تواند در آن تصرف کند.

آیة الله صافی: بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند در آن تصرف کند.

۴. توضیح المسائل، م ۲۲۸۴.

۵. تحریر الواسطه، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ص ۶۵۴، س ۱۱.

۶. همان، ج ۲، کتاب القضا، ص ۲۶۵، م ۶.

درهم را با یک دینار معاوضه کند - اما قرض دادن ده دینار به دوازده دینار جایز نیست.<sup>۱</sup>

### قرض ربوی

قرض دادن، از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت؛ به شرط آنکه قرض ربوی نباشد.

پیش از پرداختن به قرض ربوی، اقسام قرض و مختصری از احکام آن را یادآور می‌شویم:

### اقسام قرض

- مدت‌دار: یعنی هنگام قرض دادن، مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.

- بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

### احکام قرض

۱- اگر قرض مدت‌دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن مدت، طلب خود را بخواهد، و اگر قرض مدت‌دار نباشد، طلبکار هر زمان بخواهد، می‌تواند طلب خود را درخواست کند.<sup>۲</sup>

۲- اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۴۵. ۲. همان، م ۲۲۷۵.

۳. همان، م ۲۲۷۶.

ب - مجسمه به طور کامل ساخته شود. پس اگر یک یا چند عضو را نداشته باشد، حرام نیست.<sup>۱</sup>

۲- اگر اعضای مختلف مجسمه را فرد یا افرادی یا کارخانه بسازد و یک نفر تمام

این اعضا را به هم پیوند زند و از آنها یک مجسمه کامل بسازد، حرام است.<sup>۲</sup>

۳- کسب از راه مجسمه‌سازی و مزد گرفتن برای ساخت آن، حرام است.<sup>۳</sup>

۴- خرید و فروش و نگهداری و استفاده از مجسمه اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

۵- نقاشی کردن جانداران - مانند انسان و حیوان - اشکال ندارد؛ هر چند احتیاط

مستحب ترک آن است.<sup>۶</sup>

### سحر (جادو)

سحر آن است که با نوشتن، سخن گفتن، نقاشی کردن، دمیدن، گره زدن، دود کردن چیزی، یا کار دیگری، در جسم یا دل یا عقل کسی تأثیر بگذارد؛ مثلاً در احضار یا خواب یا بیهوش کردن، یا دوستی و دشمنی کردن او اثر کند.<sup>۷</sup>

۱- یاد گرفتن و یاد دادن جادو و کاسی کردن با آن حرام است.<sup>۸</sup>

۲- تسخیر جن یا فرشته و احضار روح یا جن، ملحق به جادوگری و حرام است.<sup>۹</sup>

۳- شعبده‌بازی، که یا به سحر ملحق است یا از سحر است، حرام می‌باشد و آن

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، فی المکاسب المحترمه، ص ۴۹۶، م ۱۲.

۲. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۳. آیة‌الله صافی: خرید و فروش مجسمه نیز بنا بر احتیاط واجب باید ترک شود.

۴. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۵. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۶. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۷. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۸. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

بخشش، شیرینی یا هر عنوان دیگر.<sup>۱</sup>

۳- کسی که رشوه گرفته، واجب است آن را به صاحبش برگرداند.<sup>۲</sup>

۴- چنانچه کسی برای رسیدن به حقیق چاره‌ای جز پرداخت رشوه نداشته باشد،

برای رشوه‌دهنده جایز، ولی برای گیرنده حرام است.<sup>۳</sup>

۵- س: گاهی مشاهده می‌شود که بعضی از اشخاص از مراجعه کنندگان در برابر

انجام کارشان تقاضای رشوه می‌کنند. آیا پرداخت رشوه به آنان جایز است؟

ج- هیچ‌یک از مراجعه کنندگان به ادارات، حق ندارند برای انجام کار خود پول یا

خدمتی را به طور غیر قانونی به کارمند اداری که مکلف به خدمت به مراجعین است،

ارائه دهند. همچنین کارمندان ادارات هم که از نظر قانونی موظف به انجام کار مردم

هستند، حق ندارند هیچ‌گونه مبلغی را به طور غیر قانونی در برابر انجام کار

مراجعه کنندگان درخواست یا دریافت کنند، و جایز نیست در این مال تصرف نمایند؛

بلکه باید آن را به صاحبانش بازگردانند.<sup>۴</sup>

### مجسمه‌سازی

۱- ساختن مجسمه بر دو گونه است:

مجسمه غیر انسان و حیوان - مانند درختان و گلهای - اشکال ندارد.

مجسمه انسان یا حیوان، حرام است.<sup>۵</sup> به دو شرط:

الف - یک نفر به تنهایی مجسمه را بسازد؛ نه چند نفر با مشارکت یکدیگر.

۱. همان، ج ۲، کتاب القضاء، ص ۲۶۵، م ۶.

۲. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۳. همان، ص ۲۶۹، س ۱۲۲۶.

۴. آیة‌الله تبریزی: ساختن آنچه به عنوان اسباب‌بازی است، اشکال ندارد.

۴- آیا فالگیری از طریق سنگریزه و کسب درآمد با آن جایز است؟  
ج- اخبار به کذب جایز نیست.<sup>۱</sup>

## قمار

۱- هر نوع بازی و مسابقه که شرط کنند شخص یا گروه برنده از بازنده پول یا چیز دیگری بگیرد، یا کاری برایش انجام دهد، قمار و حرام است؛ بجز در مسابقات اسب‌دوانی و تیراندازی.<sup>۲</sup>

۲- مسابقه ورزشی یا غیر آن، اگر همراه با حرام نباشد، از نظر اسلام بی‌اشکال و گاهی پسندیده است. آنچه موجب حرمت مسابقات می‌شود، معمولاً دو امر است:

- به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقه.

- شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل.<sup>۳</sup>

۳- مقصود از برد و باخت آن است که برنده از بازنده چیزی بگیرد. بنابراین، اگر تنها برنده و بازنده اعلام شود و گرفتن چیزی در میان نباشد، یا مؤسسه سازمانی یا فرد ثالثی جایزه‌ای به برنده بدهد، اشکال ندارد. لذا بسیاری از مسابقه‌های ورزشی که اکنون متداول است و تیم‌های برنده اعلام و تشویق می‌شوند و جوایزی نیز دریافت می‌کنند، ولی تیم بازنده چیزی نمی‌بردازد، از نظر احکام دین اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۴- بازی با وسایل قمار، هر چند برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت باشد، حرام است؛ ولی با وسایلی که قبلاً جزو ابزار قمار بوده و اکنون حالت اولیه خود را

۱. رساله اجوبة الاستفتانات، ص ۲۷۰، س ۱۲۳۳.  
۲. استفتانات، ج ۲، ص ۱۱، س ۳۴.  
۳. همان، ج ۳، ص ۶۱۷، س ۱۵۰.  
۴. المکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۲، المسئلة الرابعة في القمار.

عملی است که به سبب حرکت سریع، غیر واقع را واقع نشان دهد. ولی بازیهایی که همراه با سرعت حرکت و تردستی هستند و از انواع شعبده محسوب نمی‌شود، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

## استفتاء

س ۱- کسی که سحر ساحر را باطل می‌کند و شخصی را نجات می‌دهد، آیا این کار حرام است و گناه دارد یا خیر؟

ج- اگر سحر می‌کند، جایز نیست و اگر حفظ نفس را واجب دیگری بر آن موقوف باشد، با ملاحظه اهمیّت واجب دیگر ندارد.<sup>۲</sup>

س ۲- آیا هیپنوتیزم از نظر اسلام حرام است؟ اگر هیپنوتیزم در جهت انجام عمل خیر و نیکو انجام شود، چه حکمی دارد؟

ج- جایز نیست.<sup>۳</sup>

و به فتوای حضرت آية الله خاتمه‌ای - دامت برکاته - هیپنوتیزم با رضایت طرف مقابل، برای غرض عقلائی حلال، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

س ۳- مراجعه مؤمنین به بعضی از کسانی که از طریق تسخیر ارواح و جن اقدام به معالجه می‌کنند، با توجه به اینکه یقین دارند آنها فقط کار خیر انجام می‌دهند، چه حکمی دارد؟

ج- این کار فی نفسه اشکال ندارد. مشروط بر اینکه از راههایی که شرعاً حلال هستند، اقدام شود.<sup>۵</sup>

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، فی المکاسب المحرمة، ص ۴۹۸، م ۱۶.  
۲. استفتانات، ج ۲، ص ۲۱، س ۵۴.  
۳. همان، س ۵۵.  
۴. رساله اجوبة الاستفتانات، ص ۲۷۰، س ۱۲۳۲.  
۵. رساله اجوبة الاستفتانات، ص ۲۷۰، س ۲۷۰.



صورت، بازی با آن بدون شرطبندی اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### آرایشگری و ریش تراشی

در اسلام، از آرایشگری نهی نشده و از حرفه‌ها و شغل‌های مشروع است و درآمد حاصل از آن نیز اگر با کار حرامی - مثل آرایش عروس برای فریفتن داماد یا ریش تراشی - همراه نباشد، حلال است.

### استفتاء

۱- س: زنی هستم که شغلم آرایشگری است و مخصوص بانوان مسلمان و باحجاب در محیطی محفوظ می‌باشد. خواهشمند است، نظر مبارکتان را در مورد درآمد حاصله اعلام فرمایید.

ج- در فرض سؤال اشکال ندارد و درآمد حاصله حلال است.<sup>۲</sup>

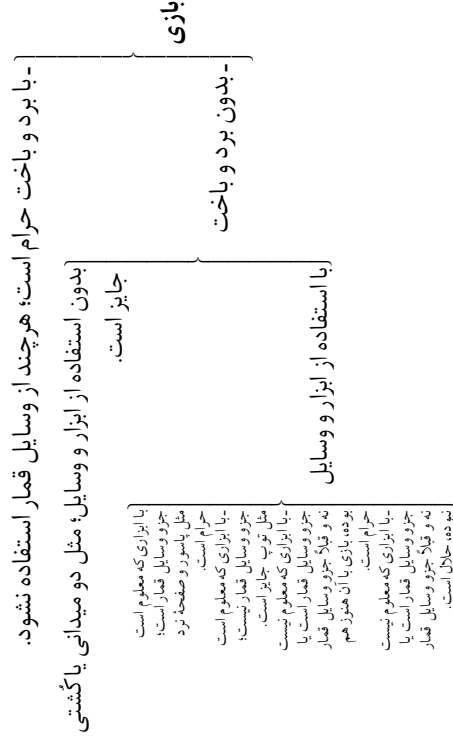
۲- س: آیا تراشیدن ریش با ماشین برقی از نظر شرع مقدس اسلام حرام است یا نه؟

ج- ریش تراشیدن، خواه با تیغ باشد یا با ماشین، حرام است؛ علی‌الاحوط [یعنی بنا بر احتیاط واجب نباید بتراشند].<sup>۳</sup>

۱. ترجمه اجوبه‌الاستفتانات، ص ۳۴۵، س ۱۱۱۵.  
 ۲. استفتانات، ج ۲، ص ۳۲.  
 ۳. همان، ص ۳۰.

از دست داده و به عنوان وسیله قمار بازی شناخته نمی‌شود، اشکال ندارد، چنانچه وضعیت آن روشن نباشد، یا انسان بداند هنوز هم جزو وسایل قمار است، بازی با آن حرام است. اما اگر وسیله‌ای قبلاً جزو وسایل قمار نبوده و اکنون نیز معلوم نیست که از آن ابزار و وسایل شمرده می‌شود یا نه، بازی با آن اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

بنابراین، احکام بازیها و مسابقات را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:<sup>۲</sup>



س: با توجه به اینکه در بیشتر مدارس، بازی با شطرنج رواج دارد، آیا بازی با آن و برگزاری دوره‌های آموزشی آن جایز است؟

ج- اگر به نظر مکلف، شطرنج در حال حاضر از آلات قمار محسوب نشود، در این

۱. استفتانات، ج ۲، ص ۱۰، س ۲۱.  
 ۲. همان، صص ۱۱ - ۹.  
 ۳. آیة‌الله سیستانی، آیة‌الله صافی: بازی با شطرنج مطلقاً حرام است.  
 آیة‌الله بهجت: بازی با شطرنج با برد و باخت، حرام قطعی است و بدون برد و باخت به احتیاط شدید حرام است.

## وظایف مالی

احکام دین، برای اداره زندگی انسانهاست. برای عملی ساختن این هدف والا، تشکیل حکومت اسلامی ضروری است. وظیفه اساسی حکومت اسلامی «اداره جامعه بزرگ اسلامی» است و برای انجام این مسئولیت، هزینه و سرمایه لازم است و یکی از راههای تأمین آن، پرداخت خمس و زکات می باشد.

خمس و زکات، تنها یک وظیفه اقتصادی نیست؛ بلکه چهره عبادی آن بر سایر جنبه‌ها فزونی دارد. در قرآن و روایات آمده است که:

«سخت ترین حالات انسان در روز قیامت، زمانی است که صاحبان خمس و زکات به پا خاسته، حق خود را مطالبه می کنند»<sup>۱</sup>

### خمس<sup>۴</sup>

برخی می‌پندارند، خمس و زکات، تنها بر عهده کسانی است که ثروت فراوان

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۲۸.

۱- آنان که درآمدشان در تاریخ معینی به دستشان می‌رسد؛ مانند کارمندان دولت و کارگران شرکتها که در وقت معینی حقوق و مزد خود را دریافت می‌کنند.

۲- کسانی که درآمدشان تدریجی و روزانه است؛ مانند تاجران و صنعتگران. آغاز سال خمسی گروه اول، وقتی است که اولین درآمد را به دست می‌آورند، و آغاز سال خمسی گروه دوم، اولین روزی است که شروع به فعالیت می‌کنند و سودی به دست می‌آورند.<sup>۱</sup>

### هزینه‌های سالیانه

از زمانی که سال خمسی آغاز می‌شود، به مدت یک سال کلیه هزینه‌های زندگی از قانون پرداخت خمس معاف و بخشوده هستند، به شرط آنکه:

- ۱- از شأن اجتماعی مصرف‌کننده بالاتر نباشد.
- ۲- در مصرف، اسراف و زیاده‌روی نشده باشد.

هزینه‌های سالیانه؛ مانند: خوراک، پوشاک، اثاثیه منزل، وسیله نقلیه‌ای که مخصوص کسب و کار نباشد، هزینه‌های میهمانی، ازدواج، کتابهای مورد نیاز و...<sup>۲</sup>

### قانون محاسبه خمس

وقتی از زمان آغاز سال خمسی، یک سال کامل گذشت، واجب است انسان به اموال و دارایی خود رسیدگی کرده، بر اساس قانون خمس، به وظیفه خود عمل کند.<sup>۳</sup> چیزهایی که هنگام فرارسیدن سال خمسی موجود است و خمس به آنها تعلق

۱. استفتانات، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۱۴۳؛ توضیح المسائل، م ۱۷۶۵؛ تخریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۷، م ۱۰.  
 ۲. توضیح المسائل، م ۱۷۷۵؛ استفتانات، ج ۱، ص ۳۴، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۹۰، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۴، م ۶۱.  
 ۳. استفتانات، ج ۱، ص ۳۸۴، م ۱۲۱.

دارند و در راه کامل به سر می‌برند و در مقابل، برخی بر این باورند که تمام افراد باید خمس بپردازند و همه اموال انسان مشمول خمس خواهد بود. اما این پندار صحیحی نیست؛ بلکه هر انسان عاقل و بالغی که یکی از موارد خمس را داشته باشد، باید آن را برای مصارفی که مشخص شده است، بپردازد و افرادی که هیچ کدام از موارد خمس یا زکات را نداشته باشند، تکلیفی ندارند؛ بلکه در برخی موارد باید به آنها خمس یا زکات داده شود.

### موارد خمس

خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد، که عبارتند از:

- ۱- آنچه از مخارج سال اضافه بیاید.
- ۲- معدن
- ۳- گنج
- ۴- غنائم جنگی
- ۵- جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست می‌آید.
- ۶- مال حلال مخلوط به حرام.
- ۷- زمینی که غیر مسلمان از مسلمان خریداری کند، با شرایطی که در کتابهای

مفصل فقهی آمده است.<sup>۱</sup>

در این کتاب فقط به بیان احکام یک مورد از آنها، که بیشتر مورد نیاز است - یعنی «خمس مازاد بر مخارج سال» - می‌پردازیم:

### آغاز سال خمسی

کسانی که با کسب و کار، درآمدی به دست می‌آورند، دو گروهند:

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۵۱.

۲- سرمایه کسب: مانند مغازه، ابزار کار و کارخانه که از درآمد تهیه شده باشد.

وقتی  $\frac{1}{2}$  چیزهایی را که باید به عنوان خمس بپردازیم، جدا کردیم، باید آن را به مرجع تقلید خود یا نماینده او تحویل دهیم؛<sup>۱</sup> چرا که قبل از این کار، تصرف در آن مال جایز نیست.<sup>۲</sup>

بنابراین، شخصی که درآمدی دارد، باید دارای سال خمس باشد و اگر بخواهد برای زندگی آینده چیزی تهیه کند، می تواند از درآمد بین سال بخرد، و چنانچه پول آن را پس انداز کند<sup>۳</sup> تا پس از گذشت سال، خریداری کند، باید خمس آن را بپردازد.<sup>۴</sup>

به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیه الله خامنه ای - دامت برکاته - پول پس انداز شده از درآمد بین سال، اگر برای تأمین هزینه های زندگی در آینده نزدیک (مثلاً تا دو سه ماه پس از سال خمس) باشد و با پرداخت خمس آن نتواند وسایل زندگی مورد نیاز را تأمین نماید، پرداخت خمس آن واجب نیست.<sup>۵</sup>

## زکات

یکی از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت زکات است. در آیات بسیاری از

۱. توضیح المسائل، م ۱۸۳۴.  
 ۲. همان، م ۱۷۹۰.  
 ۳. آیه الله بهجت: اگر پولی را برای چیزیایی که در زندگی به آنها احتیاج دارد - مانند خانه، اثاثیه و جهیزیه دختر - پس انداز نماید، در صورتی که با آن پول در یک مرتبه نمی شود تمام آن چیز را خرید و در مدت کمی - مثلاً دو سال و سه سال - می تواند آن چیز را بخرد و عرفاً می گویند محتاج به آن چیز است و پس انداز کردن هم برای خریدن آن چیز باشد، خمس ندارد. ولی اگر بخواهد بعد از مدت طولانی - مثلاً بعد از بیست سال - آن چیز را بخرد، به طوری که عرفاً نگویند فعلاً به آن محتاج است، در این صورت پولی که پس انداز کرده، اگر از یک سال گذشته، خمس دارد.  
 ۴. استفتاات، ج ۱، ص ۳۵۳، م ۲۵.  
 ۵. راهنمای فتاوا، ص ۱۰۱.

نمی گیرد، عبارتند از:

۱- اثاثیه: لوازم زندگی و چیزهای دیگری که با درآمد سال گذشته و در همان مدت تهیه شده اند، جزو هزینه سالیانه هستند و خمس به آنها تعلق نمی گیرد؛ مگر آنکه انسان بدون حساسی خمس، با درآمدی که با خمس مخلوط بوده، آنها را خریداری کرده باشد.

۲- چیزهایی که به عنوان عیدی، پاداش، هدیه، بخشش<sup>۱</sup> و چشم‌روشنی به انسان داده اند، خمس ندارد.<sup>۲</sup>

۳- ارث (در صورتی که میت، خمس بدهکار نباشد) و مهریه،<sup>۳</sup> خمس ندارد.<sup>۴</sup>  
 غیر از موارد بالا، هر چه از هزینه سال زیاد بیاید، باید آن  $\frac{1}{2}$  را به عنوان خمس پرداخت شود، که در سه مورد خلاصه می شود:

۱- موارد مصرفی - مانند خوراکیها، نوشیدنیها و مواد سوختی - هر چند از تهیه آنها زمان اندکی گذشته باشد و از ضروریات زندگی به حساب آید، چون در سال گذشته خمس مصرف نشده اند، باید خمس آنها پرداخت شود.<sup>۵</sup>

۲- پول، در بانک باشد یا در منزل، از زمان به دست آوردن آن، مدت زیادی گذشته باشد، یا اندک.<sup>۶</sup>

۱. آیات عظام، سیستانی، تبریزی، صافی: چیزی که به او بخشیده اند، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.  
 آیات عظام فاضل، بهجت، مکارم: اگر چیزی که به او بخشیده اند، از مخارج سالش زیاد بیاید، بنا بر احتیاط واجب، باید خمس آن را بدهد.  
 ۲. استفتاات، م ۱۸۴ و ۱۹۱.  
 ۳. آیه الله بهجت: مهری را که زن می گیرد و ارثی که به انسان از خویشاوندی می رسد که نمی داند با او خویشاوند است، بنا بر احتیاط واجب، اگر از مخارج سالش اضافه آمد، باید خمس بدهد.  
 ۴. توضیح المسائل، م ۱۷۵۴ و ۱۷۵۵.  
 ۵. همان، م ۱۷۸۰؛ استفتاات، ج ۱، م ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۳.  
 ۶. استفتاات، ج ۱، ص ۳۸۴، م ۱۲۱.

شماره	نوع مال	نصاب	مقدار زکات
۱	گندم	۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم	* $\frac{۱}{۴۰}$ - در صورتی که با یازان و آب رودخانه آبیاری شده است.
۲	جو		* $\frac{۱}{۴۰}$ - در صورتی که با دلو و موتور پمپ و امثال آن آبیاری شده است.
۳	خرما		* $\frac{۳}{۴۰}$ - در صورتی که با هر دو آبیاری شده است.
۴	کشمش		
۵	شتر	اولین نصاب ۵ شتر تا ۲۵ شتر ۲۶ شتر	یک گوسفند هر ۵ شتر یک گوسفند یک شتر
۶	گاو	۳۰ گاو	یک گوساله یک ساله
۷	گوسفند	۴۰ گوسفند	یک گوسفند
۸	طلا	۱۵ مثقال	$\frac{۱}{۴۰}$
۹	نقره	۱۰۵ مثقال	$\frac{۱}{۴۰}$

## احکام زکات

۱- آنچه برای به دست آمدن گندم، جو، خرما و انگور خرج کرده است، مانند قیمت بذر، مزدکارگر، و مزد تراکتور و... می تواند حاصل کسر کند؛ ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد،<sup>۱</sup> پرداخت زکات واجب شده است، ولی زکات باقیمانده را می پردازد.<sup>۲</sup>

۲- زکات دامها در صورتی واجب می شود که:

۱. آیه الله بهجت: اگر پس از کسر مخارج باقی مانده آن به حد نصاب نرسد، زکات واجب نیست.  
۲. توضیح المسائل، م ۱۸۸۰.

قرآن و روایات معصومین، بر این وظیفه مهم تأکید و اهمیت آن یادآوری شده است.

در قرآن مجید، زکات در کنار نماز قرار گرفته و این نشان از اهمیت این فریضه دینی است. نشانه حکومت صالحان، پرداخت زکات است.<sup>۱</sup>

زکات بر دو قسم است:

### ۱- زکات مال

#### موارد زکات مال

اموالی که زکات آنها باید پرداخت شود، در نمودار زیر آمده است. کسی که از این دست اموال داشته باشد، با شرایطی که خواهد آمد، باید زکات آنها را بپردازد:

موارد وجوب زکات<sup>۲</sup>

۱. غلات ← گندم، جو، خرما، کشمش
۲. دامها ← شتر، گاو، گوسفند
۳. سگه‌ها ← طلا، نقره

#### حد نصاب

زکات این اشیا در صورتی واجب می شود که به مقدار مشخصی برسد، که به آن مقدار «حد نصاب» می گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام، از حد نصاب کمتر باشد، زکات ندارد و نصاب هر یک و مقدار زکات آنها به قرار زیر است:

۱. حج، ۴۱.  
۲. توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

از مال خود را به عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

### مقدار زکات فطره

برای خودش و کسانی که نانخور و هستند - مانند همسر و فرزند - هر نفر یک صاع (تقریباً سه کیلو) می باشد.<sup>۱</sup>

### جنس زکات فطره

گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینها<sup>۲</sup> و نیز اگر پول یکی از اینها را بدهد، کافی است.<sup>۳</sup>

### مصرف زکات

مصرف زکات اموال، هشت مورد است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

- ۱- فقیر، و او کسی است که درآمد یا موجودی وی کمتر از خرج سالانه خود و خانواده اش باشد.
- ۲- مسکین، آن که به کلی درمانده و بی‌بناست.
- ۳- کسی که از طرف امام ع یا نایب او مأمور جمع آوری و نگهداری و توزیع زکات است.

۴- برای الفت دادن دلها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانانی که اگر به آنها کمک بشود، به دین اسلام مایل می شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند.

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.  
 ۲. آیة الله سیستانی: و احتیاط لازم آن است که از غذاهایی که در شهرش معمول نیست ندهد هر چند گندم یا جو یا خرما یا کشمش باشد.  
 ۳. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

- یک سال مالک آنها باشد. بنابراین اگر شخصی مثلاً ۱۰۰ عدد گاو بخرد و پس از ۹ ماه بفروشد، دادن زکات بر او واجب نیست. ولی پس از گذشت یازده ماه قمری<sup>۱</sup>، هر چند آنها را بفروشد، باید زکات آنها را بپردازد، اگر بدون اختیار صاحبش از بین برود، زکات واجب نیست.<sup>۲</sup>

- حیوان در تمام سال بی کار باشد. بنابراین، گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود، زکات ندارد.<sup>۳</sup>

- حیوان در تمام سال از علف بیابان بچورد.<sup>۴</sup> پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.<sup>۵</sup>

۲- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگهای باشد که معامله با آن رواج دارد. بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند، زکات ندارد.<sup>۶</sup>

۴- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می پردازد، به نیت زکات و با قصد قربت باشد.<sup>۷</sup>

۵- سکه بهار آزادی، اگر به مقدار نصاب برسد و یک سال بماند، بنا بر احتیاط واجب، باید زکات آن پرداخت شود.<sup>۸</sup>

### زکات فطره

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان - یعنی در روز عید فطر - مکلف باید مقداری

---

۱. آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل: اگر انسان یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر باشد، اول ماه دوازدهم باید زکات آن را بدهد؛ ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.  
 ۳. همان، م ۱۹۰۸.  
 ۴. آیة الله مکارم: احتیاط واجب آن است که زکات گاو و گوسفند و شتر را، اگر به حد نصاب برسد، بدهد؛ خواه از علف بیابان بخورد یا علف دستی به آن بدهد، و یا گاهی از این و گاه از آن.  
 ۵. توضیح المسائل، م ۱۹۰۸.  
 ۶. همان، م ۱۸۹۹.  
 ۸. استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۰ و استفتاء.

- ۶- قتل نفس
- کفّاره روزه‌خواری در ص ۹۷ گذشت و کفّاره عمل نکردن به نذر و عهد و کفّاره مورد سوّم، مانند کفّاره روزه‌خواری است.
- کفّاره عمل نکردن به قسم و مورد چهارم و پنجم، طعام یا لباس دادن به ده فقیر است و اگر نتوانست به ده فقیر طعام یا لباس بدهد، سه روز روزه بگیرد.<sup>۱</sup>
- ### احکام کفّاره
- ۱- پرداخت کفّاره باید به نیت کفّاره و با قصد قربت باشد.<sup>۲</sup>
  - ۲- روزه‌ها در تمام کفّارات باید بی در پی باشد؛ ولی در صورتی که دو ماه واجب باشد، اگر یک ماه و یک روز (۳۱ روز) بی در پی بگیرد، کفّایت می‌کند و می‌تواند بقیّه آن را به طور متفرّق به جا آورد.<sup>۳</sup>
  - ۳- کفّاره باید به فقیر داده شود.<sup>۴</sup>
  - ۴- دادن پول به عنوان کفّاره کافی نیست؛ نه در طعام، نه در لباس دادن؛ بلکه خود غذا یا لباس باید داده شود، مگر آنکه فقیر، مورد اطمینان باشد و به او پول بدهد و او را وکیل کند که با آن پول برای خودش طعام یا لباس تهیه کند.<sup>۵</sup>
  - ۵- در مواردی که باید به ۱۰ یا ۶۰ مسکین داده شود، باید طعام را به همین تعداد فقیر بدهد. پس نمی‌تواند به ۳۰ نفر هر کدام دو مدّ بدهد، مگر آنکه کفّاره‌های متعدّد باشد. ولی لازم نیست همه را یکجا اطعام کند؛ مثلاً اگر به ۱۰ فقیر امروز و ۲۰ نفر دیگر دو ماه دیگر و بقیّه پس از مدّتی دیگر طعام بدهد، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>
- 
۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الکفّارات، ص ۱۲۵.
  ۲. همان، ص ۱۲۷، م ۲.
  ۳. همان، م ۷، ص ۱۲۹، م ۹.
  ۴. همان، ص ۱۳۱، م ۱۸.
  ۵. همان، ص ۱۳۲، م ۲۰.
  ۶. همان، ص ۱۲۹، م ۱۱.

- ۵- آزاد کردن بردگان.
  - ۶- بدهکاری که نمی‌تواند فرض خود را بدهد.
  - ۷- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد.
  - ۸- مسافری که در سفر در مانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد؛ هر چند در وطن خود فقیر نباشد.<sup>۱</sup>
  - مصرف زکات فطره نیز همین موارد است؛ ولی احتیاط مستحبّ آن است که زکات فطره را فقط به افراد مؤمن فقیر یا مسکین بدهند.<sup>۳</sup>
- ### کفّارات
- کفّاره، جریمه‌ای است که برای ارتکاب برخی از گناهان گذاشته شده و این، غیر از حدّ و دیه است؛ چون کفّاره به دست خود گنهکار پرداخت می‌شود و نیازی به حکم حاکم ندارد.
- برخی از گناهان که کفّاره مالی دارد، بدین شرح است:
- ۱- روزه‌خواری
  - ۲- عمل نکردن به نذر یا عهد یا قسم
  - ۳- پریشان کردن یا کندن مو توسط بانوان در مصیبت
  - ۴- خراشاندن صورت توسط بانوان در مصیبت
  - ۵- لباس چاک زدن مردی در سوگ فرزند یا همسر خود

۱۵- اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به واسطه عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

۱۶- اگر برای حرم یکی از امامان علیهم السلام یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن را به مصرف حرم برساند؛ از قبیل فرش، پرده و روشنایی.<sup>۲</sup>

۱۷- اگر برای خود امام علیه السلام یا امامزاده چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده باشد، باید به فقیران و زائران بدهد و یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام علیه السلام هدیه کند.<sup>۳</sup>

## استفتاء

س- کسی که نذر کرده مبلغی در موردی - مانند طعام و غیره - صرف نماید، آیا می‌تواند این مبلغ را به یکی از حسابهای ضروری تر - مانند جبهه یا جنگ‌زدگان - واریز نماید؟

ج- اگر نذر با صیغه معتبر شرعی بوده، باید بر طبق نذر عمل شود و اگر صیغه نداشته، اختیار با خود شماست.<sup>۴</sup>

## کفاره تخلف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند، کفاره بر او واجب می‌شود، یعنی باید:

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۶۰.
۲. همان، م ۲۶۶۲.
۳. همان، م ۲۶۶۳.
۴. استفتائات، ج ۲، ص ۴۶۴، س ۲۰.
۵. آیه الله تبریزی، آیه الله خامنه‌ای: کفاره تخلف نذر، همان کفاره تخلف قسم است؛ یعنی باید به ده فقیر طعام یا لباس بدهد و اگر اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز بگردد.

۶- س: یز شخصی که کفاره جمع تعلق گرفته، آیا در این زمان، بنده آزاد کردن از او ساقط است؟

ج- ساقط است.<sup>۱</sup>

## نذورات

نذر، پیمانی است میان انسان و خدای خود برای انجام دادن یا ترک کاری یا پرداخت مالی، و چون اکثر موارد نذر در زمان ما، نذر مالی است و نذورات مردمی یکی از منابع مهم مالی کارهای خیر در جامعه ماست، لذا احکام نذر را در این بخش می‌آوریم:

۱- انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد. بنابراین، کسی که مثلاً نمی‌تواند پیاده به کربلا برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.<sup>۲</sup>

۲- در نذر باید جملاتی که به عنوان صیغه نذر معروف است خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند. پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده هزار تومان به فقیر بدهم»، نذر او صحیح است.<sup>۳</sup>

۳- اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همان طور که نذر کرده، عمل کند. پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن به جا آورد، کفایت نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۴- اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد.<sup>۵</sup>

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۴۸۹، س ۱۵.
۲. توضیح المسائل، م ۲۶۴۷.
۳. همان، م ۲۶۴۱.
۴. همان، م ۲۶۵۱.
۵. همان، م ۲۶۵۹.



شوند؛ ولی زکات بهتر است آشکارا داده شود.<sup>۱</sup>  
 ۶- گدایی کردن و رد کردن گدا (چیزی به او ندادن) هر دو مکروه است.<sup>۲</sup>

### هبه (بخشش)

اگر انسان، چیزی را به دیگری ببخشد، در برخی موارد نمی‌تواند آن را پس بگیرد و در برخی موارد، پس گرفتن آن مجاز است.

مواردی که نمی‌توان هبه را پس گرفت:

- هبه به ارحام - مانند پدر، مادر، فرزند - در صورتی که تحویل آنان داده باشد.

- هبه به غیر ارحام، در صورتی که آن مال باقی نماند و مصرف شود؛ اما اگر هنوز

آن مال باقی است، پس گرفتن آن اشکال ندارد.

- هبه مَعْوُضَه: بخششی است که مشروط باشد به پرداخت چیزی یا انجام دادن

کاری در مقابل آن؛ مثلاً چیزی را به کسی می‌بخشد، به شرط آنکه او هم چیزی به او بدهد.<sup>۳</sup>

- وفات یکی از طرفین: اگر پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده، یکی از طرفین

از دنیا بروند، بخشنده یا ورثه وی نمی‌توانند آن را پس بگیرند.<sup>۴</sup>

۱- زن و شوهر در این مسئله، حکم ارحام را ندارند؛ ولی احتیاط آن است که اگر

یکی از آنها چیزی به دیگری بخشید، پس نگیرد.<sup>۵</sup>

۲- پرداخت نفقه همسر و فرزندان نیز جزو وظایف مالی شوهر است که در صفحه

۱۱۱ گذشت.

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته (القول فی الصدقه)، ص ۹۰، م ۶.

۲- همان، ص ۹۲، م ۹ و ۱۰. ۳- همان، ص ۵۸، م ۸ و ۱۱.

۴- همان، م ۸.

- یک برده آزاد کند.

- یا به شصت فقیر طعام دهد.

- یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

### صدقات

صدقه دادن، عملی است مستحب، که در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام

تأکید بسیاری نسبت به آن شده و ثواب بی‌شماری برای آن بیان گشته است؛ تا آنجا

که فرموده‌اند: «صدقه، در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و مرگهای ناگهانی است و در

آخرت گناهان بزرگ را می‌زاید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند».<sup>۲</sup>

### احکام صدقه

۱- انسان باید در پرداخت صدقه، قصد فریت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای

خدا پیردازد و از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد.<sup>۳</sup>

۲- پس گرفتن صدقه جایز نیست.<sup>۴</sup>

۳- صدقه بر سید هم حلال است؛ گر چه زکات غیر سید بر آنها حرام است.<sup>۵</sup>

۴- صدقه دادن به غیر مسلمانی که در حال جنگ با مسلمانان نیست و به

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امام علیه‌السلام دشنام نمی‌دهد، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

۵- بهتر است صدقه پنهانی داده شود؛ مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق

۱- توضیح المسائل، م ۲۶۵۴.

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته (القول فی الصدقه)، ص ۹۰، م ۱.

۴- همان، م ۳.

۵- همان، م ۸.

